# عرفه و عرفات

## مشخصات کتاب

سرشناسه : اسلامی کاشانی، سیدعباس، ۱۳۳۵ -  
عنوان و نام پدیدآور : عرفه و عرفات/ سیدعباس اسلامی‌کاشانی.  
مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۹۱.  
مشخصات ظاهری : ۱۳۹ ص.  
شابک : 978-964-540-389-6  
وضعیت فهرست نویسی : فیپا  
یادداشت : کتابنامه.  
موضوع : دعای روز عرفه  
موضوع : وقوف در عرفات  
رده بندی کنگره : BP۲۷۰ /ع۴۰۴۲۲الف۵ ۱۳۹۱  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۴  
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۷۰۸۸۷  
ص:1

## دیباچه

ص:2

ص:3

ص:4

ص:5

ص:6

ص:7

ص:8

ص:9  
در بحث دعا و نیایش، پیش از آنکه بدانیم چرا باید دعا کنیم و دعاکردن چه سودی دارد، باید درباره موضوع عشق و معرفت بیشتر بدانیم.  
عشق و معرفت، روشنی‌بخش‌اند؛ تا جایی که انسان راکد را به حرکت وامی‌دارند و او را با معشوق کامل و محبوب مطلق، پیوند می‌دهند.  
دعا و نیایش، نیاز فطری هر انسان و جوهر زندگی و روح حیات و نشانه عشق و محبت است و در مقابل، زندگی بدون دعا و نیایش، خشک، سرد و بی‌روح است. تنها محبوب و معشوقی که شایسته نیایش و ستایش است، خداوند متعال است.  
ما در هر زمان و مکان و با هر زبانی می‌توانیم خدای خود را بخوانیم و با او راز و نیاز کنیم؛ اما برخی ایام و بعضی دعاها از ویژگی‌های متمایزی برخوردارند؛ به‌طوری‌که با خواندن برخی دعاها در روزهای

ص:10  
ویژه، ارتباطمعنادار و عمیقی با خدای خود برقرار می‌کنیم؛ زیرا این دعاها از زبان انسان‌هایی صادر شده که کلامشان سرشار از فصاحت، بلاغت و شیوایی ویژه‌ای است و در شناخت پروردگار و شیوه گفت‌وگوی با او، از معرفت، توحید و بصیرت کاملی برخوردارند. دعای عرفه در روز عرفه از جمله این ادعیه و روزهای خاص است.  
بنابراین، با خواندن این‌گونه دعاها، می‌توانیم عمیق‌تر، صحیح‌تر، غنی‌تر و زیباتر با پروردگار خود مناجات کنیم و به راز و نیاز بپردازیم.  
کتاب حاضر، با عنوان «عرفه و عرفات» ، اثر استاد محقق، حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدعباس اسلامی کاشانی، به اهمیت نیایش از زبان سالار شهیدان، امام حسین (ع) در روز عرفه و صحرای عرفات پرداخته و با بهره‌گیری از آیه‌ها و روایت‌ها، اثری ماندگار و خواندنی برجای گذاشته است. امید که با مطالعه این اثر ارزشمند، بسیار زیباتر و صمیمی‌تر بتوانیم با پروردگار خود ارتباط برقرار کنیم.  
انه ولی التوفیق  
مرکز تحقیقات حج  
گروه اخلاق و اسرار

ص:11

## مقدمه

قالَ رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی \* وَ یَسِّرْ لِی أَمْرِی \* وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسانِی \* یَفْقَهُوا قَوْلِی (طه: ٢۵- ٢٨)  
خداوند بالا و پستی تویی ندانم چه‌ای، هرچه هستی تویی[(1)](#p11i1)  
دعا و نیایش روح را تهذیب، نفس را تزکیه، اندیشه را تصفیه و تردید را از دل می‌زداید و راه رشد و کمال را به انسان می‌نمایاند.  
یکی از زیباترین نیایش‌های وارده از معصومان (علیهم‌السلام) ، دعای عرفه امام‌حسین (ع) است. چهل و هفتمین دعای «صحیفه سجادیه» نیز دعای عرفه امام سجاد (ع) در روز عرفه است.  
نیایش عرفه، مدرسه عرفان و زمزم معرفت است. امام در صحرای عرفات و عصر روز عرفه، در زمان و مکانی شریف این دعا را ایراد

1- فردوسی.

ص:12  
کردند. عرفان اسلامی که سیر و سلوک در مسیر رسیدن به قرب الهی است، در سرتاسر این دعای شریف، موج می‌زند و به‌خوبی حس می‌شود؛ به عنوان نمونه می‌توان رسیدن به فنای فی‌الله را تنها از این فراز دعای حضرت که می‌فرماید: «  
أَ یَکُونُ لِغَیْرِکَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَیْسَ لَک » ، به روشنی دریافت.  
کی‌بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تورا؟ کی رفته‌ای زدل که تمنّا کنم تورا؟  
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را  
با صدهزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را [(1)](" \l "p12i1)  
در این کتاب، دعای عرفه، با استناد به آیات و روایات و نیز با استفاده از متون ادبی و عرفانی شرح شده است. همچنین سعی شده مطالب تکراری یا کم‌نتیجه آورده نشود و به منظور استفاده بیشتر و ماندگاری مطالب ارزشمند آن در ذهن مخاطبان، مطالب به‌ساختاری بدیع بازسازی و با عنوان‌هایی مفید و راهگشا تنظیم شده است تا رغبت بیشتری را در خواننده محترم ایجاد کند.  
این نوشتار، به‌مناسبت محوریت عنوان پژوهش که عبارت است از: «عرفه و عرفات» از دو رکن اساسی نیایش روز عرفه و سرزمین مقدس عرفات سامان یافته است.  
بدین‌ترتیب، در بخش اول با عنوان «عرفه روز نیایش» ، در سه گفتار

1- فروغی بسطامی.

ص:13  
به تبیین، تحلیل و بررسی نَقلی و عقلی جایگاهِ روز عرفه؛ آیین نیایش و مهم‌ترین نیایش‌های وارده در این روز (عرفه) پرداخته‌ایم.  
بخش دوم این پژوهش با عنوان «عرفات سرزمین عشق» نیز در سه گفتار سامان یافته است. گفتارها عبارت‌اند از: جایگاه سرزمین عرفات؛ فضیلت‌های عرفات در آیینه کتاب و سنت و صحرای عرفات، صحنه نیایش اولیای الهی.  
پیش از ورود به محور اصلی بحث، از باب «  
مَنْ لَمْ یَشْکُرِ المَخْلُوقَ، لَمْ‌یَشْکُرِ الْخالِقَ» ، از همه عزیزان و فرهیختگانی که در این مسیر پر فراز و نشیب، با مشاوره و کمکهای فکری و فنی‌شان راه را برایم هموار کرده‌اند، تشکر می‌کنم.  
امید که این اثر بتواند تحول روحی و عینی ارزندهای را موجب شود. در پایان، از ذات اقدس الهی میخواهم که به برکت این نوشتار، اینجانب، والدین و فرزندانم را مشمول ادعیۀ زاکیۀ حضرت ولی‌الله‌الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مَقدمِه الفداء قرار دهد.  
خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

ص:14

ص:15

## بخش اول: عرفه روز نیایش

### اشاره

ص:16

ص:17

### گفتار اول: جایگاه روز عرفه

#### ١. اهمیت روز عرفه

امام صادق (ع) می‌فرماید:  
فلسفه اینکه در روز عرفه و در عرفات، بین نماز ظهر و عصر جمع می‌شود و سریع و با عجله نماز برگزار می‌گردد، آن است که با فراغ بال به دعا و نیایش پرداخته شود؛ زیرا آن روز، روز دعا و درخواست از درگاه خداوند سبحان است.[(1)](" \l "p17i1)  
امام باقر (ع) نیز در مورد استجابت دعا در عرفات می‌فرماید:  
هیچ نیکوکار و بدکاری نیست که در عرفات توقّف کند؛ مگر اینکه خدا دعایش را مستجاب کند. دعای نیکوکار برای آخرتش مستجاب شود و دعای بدکار برای دنیایش.[(2)](#p17i2)

1- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، ج ۵، ص١٨٢.  
2- فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۴، ص ٢۶٢.

ص:18

#### ٢. فضیلت‌های روز عرفه از چشم‌انداز قرآن و روایات

##### الف) عرفه در آیینهقرآن کریم

در قرآن کریم، آیه‌ای وجود دارد که بر عرفه منطبق شده است:  
وَ الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ \* وَ شاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ (بروج:٢و٣)  
سوگند به آن روز موعود و سوگند به «شاهد» و «مشهود» ! [پیامبر و اعمال امت].  
بعضی‌از روایات، شاهد را «روز جمعه» و مشهود را «روز عرفه» دانسته‌اند. [(1)](" \l "p18i1)ولی برخی دیگر، شاهد را روز عرفه و مشهود را روز قیامت معرفی کرده‌اند. [(2)](#p18i2)اما بیشتر روایات، شاهد را روز جمعه و مشهود را روز عرفه و روز موعود را قیامت اعلام کرده‌اند. [(3)](#p18i3)  
همچنین در آیه‌ای دیگر، منظور از مشهود، همان روز عرفه است.  
ذلِکَ یَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَ ذلِکَ یَوْمٌ مَشْهُودٌ (هود:١٠٣)  
در آن روز که مردم گردآوری می‌شوند و روزی که همه آن را مشاهده می‌کنند.  
بر این اساس، می‌توان گفت که تعبیر «مشهود» در این دو آیه، با روز عرفه مطابقت دارد. از این رو، خداوند در قرآن به عظمت این روز قسم یاد کرده و آن را روزی دانسته که تمامی انسان‌ها در آن روز حاضر شده

1- معانی الاخبار، ابن بابویه قمی، ص ٢٩٨.  
2- همان.  
3- همان.

ص:19  
و اجتماع می‌یابند. همچنین، براساس آیه دوم می‌توان گفت که میان عرفات و عرصات قیامت مناسبتی وجود دارد.  
در تفاسیر عرفانی، نقل‌های متعدد و فراوانی دربارۀ «شاهد» و «مشهود» آمده است[(1)](" \l "p19i1)؛ از جمله اینکه شاهد، خلق و مشهود، خداست؛ زیرا انسان‌ها خدا را با قلب خویش شهود می‌کنند.

##### ب) عرفه در آیینه روایت‌ها

امام سجاد (ع) به سائلی که روز عرفه، از مردم درخواست مال می‌کرد، فرمود:  
وَیْحَکَ أَ غَیْرَ اللهِ تَسْأَلُ فِی هَذَا الْیَوْمِ إِنَّهُ لَیُرْجَی لِمَا فِی بُطُونِ الْجِبالِ فِی هَذَا الْیَوْمِ أَنْ یَکُونَ سَعِیداً.[(2)](#p19i2)  
وای بر تو! آیا در چنین روزی از غیر خدا طلب می‌کنی؟ حال آنکه امروز آنچنان رحمت حق، شامل و عام است که امید آن می‌رود آنچه در شکم کوه‌هاست، مشمول رحمت عامه حق گردد و خوش‌بخت و سعادتمند شوند.

1- تفسیر کشف الاسرار، ابوالفضل رشید الدین میبدی، ج ١٠، ص ۴٣٨؛ لطائف الاشارات، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، ج ٣، ص ٧١٠.  
2- الوافی، فیض کاشانی، ج ٢، ص ۴٢. مرحوم فیض در بیان این حدیث می‌گوید: «سعادت، هر چیزی مناسب حال خودش است. بنابراین شاید مراد از سعادت، آنچه در شکم کوه‌هاست، این باشد که از کوه، نباتی بروید و بعد از تحوّلات پی‌درپی به صورت نطفه‌ای درآید و از آن، انسان سعیدی متکون گردد» . همچنین در روایت دیگری که «مستدرک» نقل کرده، به جای کلمه «الجبال» ، کلمه «الحُبالی» آمده که به معنای «زنان آبستن» است و در این صورت، معنای حدیث روشن‌تر خواهد بود. ر. ک: وسائل الشیعه، ج١٠، ص٢٨؛ بحارالانوار، ج٩٩، ص٢٩٩؛ من لایحضره الفقیه، ج٢، ص١٣٧.

ص:20  
در روایتی آمده که امام رضا (ع) در روز عرفه تمام اموال خود را بین فقرا تقسیم کرد. فضل بن‌سهل عرض کرد: «این‌کار موجب زیان است» . فرمود: «نه، خیر است، موجب سود است. هرگز کاری که موجب اجر و پاداش شود، نباید زیان به حساب آورد» .[(1)](" \l "p20i1)  
در مسجدالحرام مردی از امام صادق (ع) پرسید: «چه کسی گناهش از گناه همه بزرگ‌تر است؟» ایشان فرمود:  
مَنْ یَقِفُ بِهَذَیْنِ المَوْقِفَیْنِ عَرَفَةَ وَ المُزْدَلِفَةِ وَ سَعَی بَیْنَ هَذَیْنِ الجَبَلَیْنِ ثُمَّ طَافَ بِهَذَا الْبَیْتِ وَ صَلَّی خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِیمَ علیه السلام ثُمَّ قَالَ فِی نَفْسِهِ أَوْ ظَنَّ أَنَّ اللهَ لَمْ یَغْفِرْ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ وِزْراً.[(2)](#p20i2)  
هرکس که در این دو موقف عرفه و مشعر، وقوف کند و بین این دو کوه [صفا و مروه] سعی نماید و گرد این خانه [کعبه] طواف انجام دهد و نماز پشت مقام ابراهیم به‌جاآورد، در عین حال بعد از تمام این اعمال، پیش خود بگوید یا گمان کند که خدا او را نیامرزیده است، این آدم از همه کس، گناهش عظیم‌تر است [ بدگمانی به خدا و ناامیدی از رحمت خدا، گناهی بسیار بزرگ و خطرناک است].  
پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز فرمود: «  
ما مِنْ یَوْمٍ أَکْثرُ أَنْ یُعِتقَ اللهُ فیهِ عَبْداً مِنَ النّارِ مِنْ یَوْمِ عَرَفَةَ »[(3)](#p20i3)؛ «خداوند هیچ روزی به اندازه روز عرفه، بندگان خود را از آتش جهنم آزاد نمی‌کند» .

1- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ١٢، ص ٩٠.  
2- وافی، ج ٢، ص ۴٢؛ آداب الحرمین، ص٢۶٨.  
3- السنن الکبری، احمد بن حسینی بیهقی، ج ۵، ص ١٩٢.

ص:21  
فضیلت روز عرفه به اندازه فضیلت شب قدر است. این روز را گرامی دار و لحظههایش را غنیمت شمار که غروب آفتاب این روز، به زودی می‌رسد و چادرها برچیده میشوند و خاطرهاش برای تو می‌ماند. زنهار که دست خالی برگردی و آنجا، بار گناه را زمین ننهاده و عرفانت را افزون نساخته باشی! حضرت آدم (ع) ، به دستور فرشته الهی، در این سرزمین به ذکر و یاد خدا و توبه پرداخت.  
در اهمیت روز عرفه، همین بس که امام صادق (ع) فرمود:  
مَنْ لَمْ یُغْفَرْ لَهُ فی شَهْرِ رَمَضانَ لَمْ یُغْفَرْ لَهُ إلی قابِلٍ إلّا أنْ یَشْهَدَ عَرَفَةَ.[(1)](" \l "p21i1)  
اگر ماه مبارک رمضان بر کسی گذشت و او آمرزیده نشد، تا ماه رمضان آینده به آمرزش او امیدی نیست، مگر آنکه عرفه را [با شرایط آن] درک کند.  
منظور از «حج اکبر» ، روز عرفه است. از ابن عباس، طاووس، مجاهد، عطاء، سعید بن مسیب، نقل شده که روز عرفه را روز حج اکبر می‌دانند.[(2)](#p21i2)عطاء می‌گوید: «  
اَلحَجُّ الْأَکْبَرُ الَّذی فیهِ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ، وَ الْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ »[(3)](#p21i3)؛ «حجِّ اکبر همان وقوف در عرفه و حجِّ اصغر، عمره است» .  
اسماعیل قاضی در حدیث «مخرمه» از رسول خدا (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود: «  
یَوْمُ الحَجِّ الأَکْبَرِ یَومُ عَرَفَة » [(4)](#p21i4)؛ «همانا روز عرفه، روز

1- کافی، ج ۴، ص ۶۶.  
2- تفسیر قرطبی، محمد بن احمد انصاری قرطبی، ج ٨، ص ۶٩.  
3- همان، ص ٧٠.  
4- همان.

ص:22  
حج اکبر است» .  
ابن ابی‌حاتم و ابن مردویه، از مسور بن مخرمه از قول رسول‌خدا (ص) آورده‌اند که:  
اِنَّه قالَ خَطَبَ رَسُولُ الله (ص) عَشِیَّةَ عَرَفَةَ، فَقالَ اَمّا بَعْدُ فَاِنّ هذا یَومُ الحَجِّ الاَکْبرِ.[(1)](" \l "p22i1)  
پیامبر (ص) پس از ظهر عرفه، برای مردم سخن می‌گفت و خطاب به آنها فرمود: «امروز، روز حج اکبر است» .  
ابن جریر نقل می‌کند که از علی بن ابی‌طالب (ع) در مورد روز حج اکبر سؤال کردم، ایشان فرمود: «روز عرفه است» .[(2)](#p22i2)  
ابوالشیخ نیز از ابن عباس نقل می‌کند که گفته است:  
همانا روز عرفه، روز حج اکبر است و این روز، روز مباهات است. روزی است که خداوند به اهل زمین در برابر ملائکه آسمان، فخر کرده و می‌فرماید: «ژولیده‌موی و گرد و خاک بر چهره نشسته، به سوی من آمده‌اند. به من ایمان آوردند، با آنکه مرا ندیده‌اند. به عزت خودم سوگند آنها را می‌بخشم» .[(3)](#p22i3)  
برخی از افرادی که این قول را پذیرفته‌اند، به حدیث معروف «  
الحجّ عرفه » استدلال کرده، می‌گویند:  
از آنجا که یکی از بزرگ‌ترین اعمال حج، وقوف در عرفه می‌باشد و کسی

1- تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ١۵، ص ٢٢١.  
2- درالمنثور، جلال الدین سیوطی، ج ٣، ص ٢١٣.  
3- همان.

ص:23  
که آن را درک کند، حج را درک کرده و کسی که آن را درک نکند، حج او باطل است، لذا روز عرفه را روز حج اکبر نامیده‌اند.[(1)](" \l "p23i1)  
درباره اهمیت عرفات همین بس که در روایتی آمده است: «  
الحج عرفه »[(2)](#p23i2)؛ «حج، عرفه است» . البته این بدان معنا نیست که دیگر اعمال حج، کم اهمیت‌اند، بلکه این روایت، حاجیان را به مهم‌ترین رکن حج -که عرفه است - هدایت می‌کند و شاید دلیل شدت این اهمیت، همان نقشی باشد که عرفات در آمرزش گناهان دارد که انسان‌های گنه‌کار وارد آنجا شده، بخشوده شده و خارج می‌شوند.  
در برخی روایات فریقین، از روزه گرفتن در روز عرفه نهی شده است که شاید علت این نهی، شور و نشاط داشتن هنگام دعا و نیایش است؛ زیرا انسان روزه‌دار، در آن سرزمین و به ویژه در آن هوای گرم، به آسانی نشاط نیایش نمی‌یابد. بنابر روایتی که مجلسی در بحارالانوار نقل می‌کند، روزه گرفتن در روز عرفه، برای کسی که در دعا خواندن ضعف پیدا نکند، مستحب است و این خود مؤید آن است که کراهت روزه بدان جهت است که انسان‌ها برای دعا خواندن، حال و نشاط داشته باشند.[(3)](#p23i3)  
روز عرفه، روز دعاست. اهمیت دعا در این روز به اندازه‌ای است که

1- تفسیر کبیر، ج١۵، ص٢٢١.  
2- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین نوری، ج ١٠، ص ٣۴.  
3- بحارالانوار، ج ٩۴، صص ١٢٣ و ١٢۴.

ص:24  
اگر روزه داشتن سبب ضعف و بی‌حالی فرد در دعا شود، سزاوار است روزه نگیرد تا بتواند دعا کند. [(1)](" \l "p24i1)با اینکه روزه آن روز، جبران گناهان نود ساله است.[(2)](#p24i2)  
دعا و تضرع به درگاه خدا و طلب حوایج دنیا و آخرت، از مهم‌ترین اعمال این روز است؛ تا آنجا که فرموده‌اند: «روزه‌داری این روز با تمام فضیلت و اجر عظیمی که دارد، کفاره نود سال است» .[(3)](#p24i3)  
امیرمؤمنان علی (ع) ، فرمود:  
مَن صامَ یَومَ عَرَفَةَ مُحْتَسِباً فَکأنَّما صامَ الدَّهرَ.[(4)](#p24i4)  
کسی که روز عرفه روزه بگیرد، مانند آن است که تمام روزگار روزه گرفته است.  
ولی اگر موجب ضعف و سستی دعا شود، محکوم به کراهت است.[(5)](#p24i5)  
به راستی که ارزش و اهمیت این روز مصداق این سروده خیام است که می‌گوید:  
این قافلۀ عمر عجب می‌گذرد دریاب شبی که در طرب می‌گذرد

1- ر. ک: مفاتیح‌الجنان. موضوع روزه‌گرفتن برای غیرحجّاج مطرح است؛ چرا که زائر خانة خدا مسافر است و نباید روز بگیرد.  
2- المراقبات، میرزا جوادآقا ملکی تبریزی، ص ٢٢٩.  
3- همان.  
4- کتاب الصیام شهر رمضان المبارک، ج ١، ص ۵٩۴.  
5- همان.

ص:25  
ساقی، غم فردای حریفان چه خوری پیش آر پیاله را که شب می‌گذرد[(1)](" \l "p25i1)  
امام صادق (ع) فرمود:  
هنگامی که روز عرفه به پایان انجامید و شب فرا رسید، فرشتگان به دوش انسان زده و می‌گویند: «ای زائر خانۀ خدا! گذشته‌های تو بخشیده شد، مواظب باش که در آینده، چگونه‌ای؟»[(2)](#p25i2)

#### ٣. امامت و روز عرفه

روایت‌های فراوانی در مورد حضور امام عصر (عج) در این روز در عرفات وجود دارد.[(3)](#p25i3)امام سجاد (ع) در نیایش عرفه خود، با اشاره به ارتباط میان روز عرفه و امامت، می‌فرمایند:  
أللّهُمَّ هذا یَوْمُ عَرَفَةَ یَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ کَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشَ-رْتَ فیهِ رَحْمَتَکَ، وَ مَنَنْتَ فیهِ بِعَفْوِکَ، وَ أجْزَلْتَ فیهِ عَطِیَّتَکَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِه عَلی عِبادِکَ. أللّهُمَّ وَ أنَا عَبْدُکَ الَّذی أنْعَمْتَ عَلَیْهِ قَبْلَ خَلْقِکَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِکَ إِیّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَیْتَهُ لِدینِکَ، وَ وَفَّقْتَهُ لِحَقِّکَ، وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِکَ، وَ أدْخَلْتَهُ فی حِزْبِکَ، وَ أرْشَدْتَهُ لِمُوالاةِ اولیائِکَ، وَ

1- خیام نیشابوری.  
2- وافی، فیض کاشانی، ج ٢، ص ۴۵.  
3- از جمله می‌توان به این روایت امام صادق٧ اشاره کرد که حضرت می‌فرماید: «مردم امامی را نمی‌یابند که در مراسم حج حاضر نباشد. او مردم را می‌بیند، ولی مردم او را نمی‌بینند» ؛ الغیبة، نعمانی، ص١٧۵. ر. ک: تجلی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، سید عباس اسلامی کاشانی، بخش چهارم.

ص:26  
مُعاداةِ أعْدائِکَ.[(1)](" \l "p26i1)  
خدایا! امروز روز عرفه است؛ روزی که آن را شریف و گرامی داشته‌ای و تعظیم و تجلیل کرده‌ای. در این روز، رحمت خود را پراکنده‌ای و بر مردمان به عفو خود منت نهاده‌ای و عطای خود در حق ایشان افزوده‌ای و بر بندگانت تفضل فرموده‌ای. ای خداوند! من آن بندۀ توام که هم پیش از آفریدن او، او را از نعمت خود برخوردار ساختی و هم پس از آن. او را در زمرۀ کسانی آورده‌ای که آنها را به دین خود راه نموده‌ای و به گزاردن حق خویش، توفیق داده‌ای و اکنون چنگ در ریسمان دوستی تو زده و تو او را در حزب خود داخل کرده‌ای و او را راهی نموده‌ای که با دوستانت دوستی ورزد و با دشمنانت دشمنی کند.  
امام محمد باقر (ع) نیز در حدیثی ضمن اشاره به اهمیت روز عرفه و موضوع امامت، نکته‌هایی را درباره روز عید غدیر متذکر شدند. ابی‌الجارود می‌گوید:  
شنیدم امام باقر (ع) می‌فرمود: «خدای عزّوجلّ پنج چیز بر بندگان واجب ساخت و آنها چهار چیزش را گرفتند و یکی را رها کردند» . عرض کردم: «قربانت گردم، آنها را برای من نام می‌بری؟» فرمود: در نماز، مردم نمی‌دانستند چگونه نماز گزارند تا جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت: «ای محمد! وقت‌های نماز را به مردم خبر ده. . .» . زکات پس از نماز نازل شد. جبرئیل گفت: «ای محمد! راجع به زکات، آنها را خبر ده؛ چنان‌که راجع

1- فرازی از دعای ۴٧ صحیفه مبارک سجادیه.

ص:27  
به نماز خبر دادی» . سپس روزه ماه رمضان، میان شعبان و شوال نازل شد. سپس امر به حج رسید و جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت: «چنان‌که درباره نماز و زکات و روزه به مردم خبر دادی، درباره حج هم خبر ده» . سپس امر به ولایت رسید و آن امر، روز جمعه در عرفه رسید و خدای عزّوجلّ آیۀ: «امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم» را نازل کرد و کمال دین به سبب ولایت علی بن ابی‌طالب (ع) بود. پیامبر (ص) در آنجا فرمود: «امت من هنوز به دوران جاهلیت نزدیک‌اند [تازه از جاهلیت به اسلام گرویده‌اند]. اگر من نسبت به پسرعمویم به آنها خبری دهم، هرکسی حرفی می‌زند، من این مطلب را بدون اینکه به زبان آورم، در دلم می‌گفتم تا آنکه فرمان حتمی خدای عزّوجلّ به من رسید و مرا تهدید کرد که اگر ابلاغ نکنم، عذابم خواهد کرد و این آیه نازل شد:  
یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ (مائده:۶٧)  
ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت به تو نازل شده است، به‌طور کامل [به مردم] ابلاغ کن. اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. خدا تو را از [خطرات احتمالی] مردم حفظ می‌کند و خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.  
پس رسول خدا (ص) ، دست علی (ع) را گرفت و فرمود: «ای مردم! خدا همه پیغمبران پیش از مرا عمری معین داد و سپس به جانب خود خواند و آنها هم اجابتش کردند [از دارفانی به عالم باقی رهسپار گشتند] و نزدیک است

ص:28  
که مرا هم بخواند و اجابت کنم. من مسؤلیت دارم و شما هم مسئولیت دارید. اکنون شما چه می‌گویید؟» آنها گفتند: «گواهی دهیم که تو ابلاغ کردی و خیرخواهی نمودی و آنچه بر تو بود، رسانیدی. خدا بهترین پاداش پیغمبران را به تو دهد» . پیغمبر سه مرتبه فرمود: «خدایا! شاهد باش» . سپس فرمود: «ای گروه مسلمانان! این [شخصی که روی دست من و نامش علی بن ابی‌طالب (ع) است] پس از من ولی شماست. شما که حاضرید به غائبین برسانید» .  
امام باقر (ع) در ادامه فرمود:  
به خدا که علی (ع) ، امین خدا بود بر خلقش و راز پنهانش و دینی که برای خود پسندیده بود. سپس وفات رسول خدا (ص) فرا رسید. آن حضرت، علی (ع) را طلبید و به او فرمود: «ای علی! من می‌خواهم آنچه را که خدا مرا بر آن امین ساخته و به من سپرده، تو را بر آن امین سازم و به تو سپارم و آن راز پنهان خدا و علم خدا و مخلوق خدا و دینی است که برای خود پسندیده» .  
امام باقر (ع) فرمود:  
به خدا ای زیاد هیچ‌کسی را در اینها شریک علی نساخت. سپس وفات علی (ع) فرا رسید. آن حضرت، فرزندانش را که دوازده پسر بودند، نزد خود خواند و به آنها فرمود: «فرزندان عزیزم! خدای عزّوجلّ اراده حتمی فرمود که سنتی از یعقوب در من قرار دهد . یعقوب دوازده پسر داشت، آنها را نزد خود خواند و صاحب آنها [و جانشین خود] را به آنها معرفی کرد. آگاه باشید که من هم صاحب شما را معرفی می‌کنم. همانا این دو، پسران رسول خدا (ص) حسن و حسین (علیهماالسلام) هستند، از آنها بشنوید و فرمان برید و

ص:29  
پشتیبانی نمایید که من آنچه را رسول خدا به من سپرده و خدا به او سپرده بود، به آنها می‌سپارم و آن چیز مخلوق خدا و راز پنهان خدا و دینی است که او برای خود پسندیده است» .  
پس، خدا برای آنها از جانب علی واجب ساخت، آنچه را علی از جانب پیامبر (ص) واجب ساخت [و آن شنیدن و فرمانبری و پشتیبانی امت است از ایشان] و هیچ‌یک از آن دو، بر دیگری برتری نداشت، جز به واسطه بزرگسالی‌اش [که مخصوص امام‌حسن (ع) بود] و چون امام حسین (ع) به محضر امام حسن (ع) می‌آمد، در آن مجلس سخن نمی‌گفت تا برمی‌خاست .  
سپس وفات امام حسن (ع) فرا رسید و او آن سپرده را به امام حسین (ع) تسلیم نمود. سپس وفات امام حسین (ع) فرا رسید. آن حضرت، دختر بزرگ‌ترش فاطمه بنت‌الحسین (علیهماالسلام) را طلبید و مکتوبی پیچیده و وصیتی آشکار به او سپرد و علی بن الحسین (علیهماالسلام) بیماریی از نظر معده داشت که در حال احتضارش می‌دیدند. پس فاطمه آن مکتوب را به علی بن الحسین (علیهماالسلام) داد. سپس، به خدا آن مکتوب به ما رسید.[(1)](" \l "p29i1)  
در سال دهم هجری قمری، صحرای با عظمت و مقدس عرفات، شاهد آخرین حج پیامبر (ص) (حَجةالوداع) بود که یکی از حوادث مهم در تاریخ اسلام است. خطبۀ مهم و تعیین‌کننده آن حضرت که به حق، آن را «منشور حقوق بین‌الملل اسلامی» نامیدند، در تاریخ اسلام جایگاه بس ویژه‌ای دارد. مشروح خطبه طولانی پیامبر (ص) در تمامی منابع تاریخی

1- اصول کافی، ج٢، ص۴٩.

ص:30  
آمده است. بعضی گفته‌اند پیامبر (ص) برای ابلاغ این خطبه، بر فراز همان سنگی که بعدها به منبر تبدیل شد، ایستاده بود.  
برخی از محدثان اهل سنت [(1)](" \l "p30i1)بر این باورند که آیه یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ ، به‌هنگام وقوف پیامبر (ص) در عرفه (حجةالوداع) نازل شده است. اما مفسران شیعه، نزول آن را در «غدیر خم» ، که پیامبر (ص) چند روز پس از وقوف در عرفه، در آنجا خطبه خواند، می‌دانند.[(2)](#p30i2)

#### 4. فضیلت‌های زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه

بخش-ودگی اهل گنه در صف محشر وابسته به‌یک گردش چشمان حسین است  
از جمله افضل اعمال وارده در روز عرفه، زیارت امام حسین (ع) است. امام صادق (ع) فرمود:  
هرکس قبر امام حسین (ع) را در روز عرفه زیارت کند، خداوند برای او ثواب هزار هزار حج که با قائم آل‌محمّد (عج) کرده‌باشد، بنویسد و هزار هزار عمره که با حضرت رسول (ص) کرده باشد و نیز ثواب آزاد کردن هزار هزار بنده و فرستادن هزار هزار کس به جهاد در راه خدا برای او

1- اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، صص ٢٢ و ٢٣.  
2- علامه امینی در اثر ارزشمند خود «الغدیر» ، نظرهای گوناگونی را با مستندات روایی و تاریخی ارائه کرده است.

ص:31  
نوشته شود و خداوند او را بنده تصدیق‌کننده او و ایمان آورده به وعده او می‌نامد و ملائکه گویند: «فلان مرد صدیق است» و خداوند او را در بالای عرش عظمت و جلالش ثنا گفته است و در زمین، او را کروبی نامند که لقب ملائکه مقرب است.[(1)](" \l "p31i1)  
امام صادق (ع) در حدیث دیگری فرمود:  
هرگاه حج واجب را به‌جا آورد و بخواهد که حج یا عمره مستحبی به‌جا آورد، ولی مشغله دنیوی یا علایق، او را مانع شد، در روز عرفه کنار قبر امام حسین (ع) برود که او را مجزی است از ادا کردن حج و عمره و حق تعالی ثواب او را چندین برابر کند.  
راوی پرسید: «ثوابش چند برابر حجّ و عمره است؟» حضرت فرمود: «ثوابش را نمی‌توان شمرد» . پرسید: «صد برابر؟» فرمود: «کی می‌شود شمرد» . پرسید: «هزار برابر؟» فرمود: «بیشتر» . پس این آیه را خواند[(2)](#p31i2):  
وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللهِ لا تُحْصُوها إِنَّ اللهَ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ (نحل:١٨)  
اگر نعمت‌های خدا را بشمارید؛ هرگز نمی‌توانید آنها را احصاء کنید. به‌درستی‌که خداوند آمرزنده و مهربان است.  
شیخ صدوق، در ثواب الاعمال نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمود:  
إِنَّ اللهَ تَبَارَک وَ تَعَالَی یَبْدَأُ بِالنَّظَرِ إِلَی زُوَّارِ قَبْرِ الحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهماالسلام)

1- وسائل‌الشیعه، محمد بن حسن عاملی، ج٧، ص۴۶٠؛ المراقبات، ص٢٢٩.  
2- بحارالانوار، ج٩٨، ص٩٢.

ص:32  
عَشِیَّةَ عَرَفَةَ .  
خدا در شب عرفه نخست به زوّار امام حسین (ع) توجّه می‌کند.  
راوی از آن حضرت پرسید: «آیا پیش از نظر کردن به حاجیان در عرفات؟» امام (ع) پاسخ داد: «آری» .  
امام (ع) در حدیث دیگری فرمود:  
إِنَّ اللهَ تَبَارَک وَ تَعَالَی یَتَجَلَّی لِزُوَّارِ قَبْرِ الحُسَیْنِ (ع) قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَاتٍ (فَیَفْعَلُ ذَلِک بِهِمْ) وَ یَقْضِی حَوَائِجَهُمْ وَ یَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ وَ یُشَفِّعُهُمْ فِی مَسَائِلِهِمْ ثُمَّ یَثْنِی بِأَهْلِ عَرَفَاتٍ یَفْعَلُ ذَلِک بِهِمْ. [(1)](" \l "p32i1)  
پروردگار حکیم، عنایت ویژه خود را متوجه زوار قبر امام‌حسین (ع) می‌کند، پیش از آنکه به حجاج واقف در عرفات توجه کند. خدا حوایج زوار حسین را برآورده می‌سازد، گناهانشان را می‌بخشد و از آنها شفاعت به عمل می‌آورد. پس به حاجیانی که در عرفات وقوف کرده توجه نموده، با آنها نیز این‌چنین عمل می‌کند.

1- نک: ثواب الاعمال، ابن بابویه قمی، صص ١١۶ و ١١٧؛ وسائل‌الشیعه، ج ١۴، ص۴۶۵؛ المراقبات، ص٢٢٩.

ص:33

### گفتار دوم: آیین نیایش

#### اشاره

زان پیشتر که عالم فانی شود خراب ما را زِ جام باده هستی خراب کن[(1)](" \l "p33i1)

#### ١. نیایش از چشم‌انداز آیه‌های قرآن کریم

جز تو پیش کی برآرد بنده دست هم دعا و هم اجاب-ت از تو است  
ه-م ز اول ت-و ده--ی می-ل دعا تو دهی آخر دع-اها را جزا  
اول و آخ---ر ت-ویی، م--ا در میان هیچ هیچی که نیاید در بیان[(2)](#p33i2)  
در آیاتی از قرآن مجید، به مسئله دعا و نیایش توجه ویژه‌ای شده است؛ از جمله در آیه‌هایی همچون:

1- حافظ. نقل است که عارف کامل، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی \، استاد اخلاق امام خمینی قدس‌سره ، مکرر این شعر را در قنوت نوافل می‌خوانده‌اند. ر. ک. : طبیب دل‌ها، به نقل از استاد حسن‌زاده آملی، ص١٩١ .  
2- مولوی.

ص:34  
وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَ لْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ (بقره:١٨۶)  
و چون که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، [بگو:] من نزدیکم، دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند [و به مقصد برسند].  
علامه طباطبایی (رحمه‌الله) در تفسیر این آیه می‌فرماید:  
دعا با سؤال متفاوت است؛ دعا عبارت از این است که دعاکننده می‌خواهد نظر مخاطب را به خود متوجه سازد و سؤال این است که پس از یافتن مخاطب، چیزی از او درخواست نماید.  
بنابراین، سؤال در حکم غرض و نتیجه دعاست و این معنا بر تمام مصادیق سؤال منطبق می‌گردد؛ مانند سؤال از مطالب علمی، سؤال از محاسبات و سؤال برای کمک خواستن و. . . .[(1)](" \l "p34i1)  
در رابطه با این آیه، نکته‌های دیگری نیز قابل طرح‌اند:  
اول اینکه، اساس سخن بر گویندگی ذات اقدس الهی، به صورت متکلم وحده گذارده شده است، نه غیبت و مانند آن و این امر، خود نشان‌دهندهکمال عنایت به این موضوع است؛  
دوم اینکه، به جای اینکه گفته شود: «  
اذا سألک النّاس» ، عبارت «  
عبادی » را به کار برده که این خود از عنایت بیشتری حکایت دارد؛  
سوم اینکه، واسطه در جواب حذف شده و بدون واسطه، چنین آمده

1- تفسیر المیزان، ج٢، ص٣١.

ص:35  
است: «  
إنّی قَریب» و نفرموده: «  
فَقُل إنّی» یا «  
إنّه قَریب» ؛  
چهارم اینکه، در این جمله، برای تأکید از حرف «  
إنّ » استفاده شده است؛  
پنجم اینکه، مسئله قُرب خدا با صفت «  
قَریب» وصف شده، نه با فعلی که بر قرب دلالت داشته باشد و بدین‌ترتیب، بر ثبوت و دوام قرب تأکید شده است؛  
ششم اینکه، اجابت با فعل مضارع «  
اُجیب» ذکر شده، تا بر تجدد و استمرار اجابت دلالت کند؛  
هفتم اینکه، اجابت دعا با جمله شرطی «  
إذا دَعان» ؛ «اگر مرا بخواند» ، مقید شده است و این قید، مطلب زایدی بر عبارت «  
دعوة الدّاع» ندارد. بلکه عین همان است و فایده چنین قیدی این است که اجابت دعا، مقید و مشروط به هیچ قید و شرطی نیست؛ چنان‌که در آیهشریفهچنین آمده است: وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ ؛ «پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم» . (غافر:۶٠)  
این آیه، گواه شدت عنایت خداوند به امر دعا و تأثیر آن و سرعت و قاطعیت اجابت آن است و از ویژگی‌های این آیهشریفه، این است که با همه ایجازی که دارد، هفت مرتبه یاد خدای سبحان به‌گونهضمیر متکلم در آن تکرار شده و این تنها آیه قرآن است که چنین مزیتی دارد.[(1)](" \l "p35i1)

1- ر. ک: تفسیر المیزان، ج٢، صص ٣٠ و ٣١.

ص:36  
ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَ-رُّعاً وَ خُفْیَةً إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ \* وَلاتُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ (اعراف:۵۵ و ۵۶)  
پروردگار خود را [آشکارا] از روی تضرع و پنهانی بخوانید؛ [و از تجاوز، دست بردارید که] او متجاوزان را دوست نمی‌دارد و در زمین پس از اصلاح آن، فساد نکنید و او را با بیم و امید بخوانید [بیم از مسئولیت‌ها و امید به رحمتش و نیکی کنید]؛ زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.  
الهی سینهای ده آتش افروز در آن‌سینه دلی و آن‌دل همه سوز  
هرآن دل‌را که‌سوزی نیست، دل‌نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست  
دلم پر شعله گردان، سینه پر درد زبانم کن به گفتن آتش‌آلود[(1)](" \l "p36i1)  
قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ فَقَدْ کَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ یَکُونُ لِزاماً (فرقان: ٧٧)  
بگو: پروردگارم برای شما ارزشی قائل نیست. اگر دعای شما نباشد، شما [آیات خدا و پیامبران را] تکذیب کردید و این عمل، دامان شما را خواهد گرفت، از شما جدا نخواهد شد.  
یَسْئَلُهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ (الرحمن:٢٩)  
تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از او درخواست میکنند و او هر روز، در شأن و کاری است.

1- وحشی بافقی.

ص:37  
وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِینَ (غافر: ۶٠)  
پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا [دعای] شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی‌که از پرستش من، تکبر میورزند، به زودی خوار به دوزخ درآیند.

#### ٢. فضیلت نیایش

از در خویش خدایا به بهشتم مفرست که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس  
رسول خدا (ص) فرمود: «  
ما مِنْ شَیْءٍ اَکرمَ عَلَی الله تعالی مِنَ الدُّعاءِ »[(1)](" \l "p37i1)؛ «هیچ‌چیزی نزد خدا گرامی‌تر و با ارزش‌تر از دعا نیست» .  
حضرت در روایتی دیگر فرمود: «  
اَلدُّعاءُ مُخُّ الْعِبادَةِ لا یُهْلَکُ مَعَ الدُّعاءِ اَحَدٌ »[(2)](#p37i2)؛ «دعا مغز عبادت است، هیچ‌گاه کسی با دعا هلاک نمی‌شود» .  
امام باقر (ع) نیز در پاسخ به سائلی که پرسید: «قرآن زیاد خواندن افضل است یا دعا زیاد کردن؟» فرمود: «زیاد دعا کردن افضل است» . سپس حضرت این آیه را خواند: قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ؛ «بگو: پروردگارم برای شما ارزشی قائل نیست اگر دعای شما نباشد» (فرقان: ٧٧) . [(3)](#p37i3)  
در میان دستورهای دینی، بحث دعا فصل ویژه‌ای را به خود

1- عدّة الداعی، ابن فهد حلی، ص٣١٣.  
2- بحارالانوار، ج٩٣، ص٣٠٠.  
3- عدّة الداعی، ص١۴.

ص:38  
اختصاص داده است. گذشته از بعضی عبادت‌ها مانند نماز که تقریباً سراسر دعاست، در برخی عبادت‌ها مانند روزه و حج و غیره، دعا سنت شده است. دعاهای بسیاری در مواقع معین، مانند دعای کمیل که شب‌های جمعه خوانده می‌شود و نیز دعای ندبه که هر صبح جمعه آن‌را می‌خوانند یا دعای سمات که در عصر جمعه خواندن آن مستحب است و همچنین دعای معروف مکارم الاخلاق و مرضی‌الافعال[(1)](" \l "p38i1)یا خواندن دعای عهد که محدث قمی (رحمه‌الله) [(2)](#p38i2)آن را از حضرت صادق (ع) نقل کرده و نیز خواندن ادعیه مأثوره در روزهای عید، به‌ویژه دعای عرفه امام حسین در سرزمین عرفات و. . . فضیلت‌های بسیاری را نصیب انسان می‌کند؛ زیرا بیشتر آنها مشتمل بر مضامین عالی از معارف الهی و تمجید و تنزیه حق تعالی و اظهار عجز و عبودیت از سوی بنده و درخواست اخلاق پسندیده و طلب توفیق برای اعمال نیک و تقاضای رفع بلیات و. . . است.  
دردم نهفته به ز طبیبان مدّعی باشد که از خزانه غیبش دوا کنند[(3)](#p38i3)  
امام خمینی (قدس‌سره) در مقدمه وصیت‌نامه الهی -سیاسی‌شان می‌فرمایند:  
ما مفتخریم که ادعیۀ حیات‌بخش که او را قرآن صاعد می‌خوانند از ائمه معصومین ماست. ما به مناجات شعبانیه و دعای عرفۀ امام حسین بن

1- صحیفة مبارکه سجّادیه، دعای بیستم.  
2- مفاتیح الجنان، عباس قمی.  
3- حافظ.

ص:39  
علی (علیهماالسلام) و صحیفه سجّادیه، این زبور آل‌محمد و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ماست.[(1)](" \l "p39i1)  
الکسیس کارل، اندیشمند معروف فرانسوی که برنده دو جایزه نوبل است، درباره نیایش چنین می‌گوید:  
نیایش همچون دم زدن، خوردن و آشامیدن از نیازهای ژرفی است که از عمق سرشت و فطرت طبیعی سر می‌زند. خوردن، نمو کردن، تکثیر نسل و نیایش، چهار بعد اساسی روح انسان هستند؛ زیرا انسان واحدی است که نیمش ز آب و گِل، نیمش ز جان و دل. نیایش نه همچون تخدیر آرام‌بخش است، بلکه آرامشی که می‌بخشد، زائیده اشباع تشنگی و نیاز و اضطراب روح آدمی و پاسخ گفتن به کمبودهایی است که در عمق فطرت آدمی هست. این است که نیایش برخلاف تخدیر که به ضعف و مرگ منتهی می‌شود، نیروزا، نشاطانگیز و عامل شکفتگی احساس‌ها، عاطفه‌ها و استعدادهای مرموز درون روح آدمی است. . . .  
حجاب چهره [(2)](#p39i2)جان می‌شود غبار تنم خوشا دمی‌که از این چهره پرده برفکنم  
چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است روم به‌گلشنِ رضوان که مرغ آن چمنم[(3)](#p39i3)  
طبق روایت‌های معصومان (علیهم‌السلام) درمی‌یابیم که برای جلب رحمت پروردگار، «دو سبب» در کار است: یکی «عمل» و دیگر «دعا و سؤال» .

1- صحیفه امام، ج ٢١، ص ٣٩۶. ر. ک. : تفسیر سوره مبارکه حمد، صص ٧٩ - ٨١.  
2- مقصود از چهره، تجلیات غیرماده در حال غیبت سالک است.  
3- حافظ.

ص:40  
اهل عمل، از باب «عدل» وارد می‌شوند و به «اجر» خود می‌رسند. اما اهل دعا و سؤال از باب «فضل» وارد و مشمول «رحمت» می‌شوند.  
«ابن فهد حلی» در کتاب «عُدّة الداعی» از کتاب دعای محمد بن حسن صفّار، روایتی را نقل کرده که سند آن به رسول خدا (ص) می‌رسد:  
باید از خدا بخواهید تا به شما عطا کند؛ چه آنکه خدا را بندگانی است که عمل می‌کنند و خدا اجرشان را می‌دهد و بندگان دیگری دارد که با صدق و اخلاص از او سؤال می‌کنند [و از باب دعا وارد می‌شوند]. پس، خدا عطا می‌کند به ایشان و سرانجام، همه را در بهشت و دار سعادت، مجتمع می‌سازد. آن‌گاه دسته عاملین [با تعجب] می‌گویند: «پروردگارا! ما که مورد لطف و عنایتت واقع شده‌ایم، نتیجه اعمال خوب ما بوده است. اما این دسته [که در عمل، قاصر بوده‌اند] از چه راه، به این درجه از کرامت و عطا رسیده‌اند؟» می‌فرماید: «بندگان من! شما کار خوب کرده و مزد خود را گرفته‌اید. بی‌کم و کاست هم گرفته‌اید. اما اینان به گدایی در خانه من آمده‌اند و دست سؤال، به سوی من دراز کرده‌اند [صورت مسکنت بر خاک ذلت نهاده و دست به دامن فضلم زده‌اند. من هم، دامن از دستشان نکشیده و محرومشان نکرده‌ام، بلکه مشمول فضلشان کرده و در طاق و رواق عزت و مکرمت، جایگزینشان ساخته‌ام]. پس به ایشان عطا کردم و آن، فضل من است که به هرکس بخواهم، می‌دهم» .[(1)](" \l "p40i1)

1- عدّة الداعی فارسی، ابن فهد حلی، ص ٢٨؛ شرح نهج‌البلاغه، ابوالقاسم خویی، ج ۴، ص٢۶٣.

ص:41  
از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود:  
یَدْخُلُ الجَنَّةَ رَجُلانِ کَانَا یَعْمَلانِ عَمَلاً وَاحِداً فَیَرَی أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَوْقَهُ فَیَقُولُ یَا رَبِّ بِمَا أَعْطَیْتَهُ وَ کَانَ عَمَلُنَا وَاحِداً فَیَقُولُ اللهُ تَعَالَی سَأَلَنِی وَ لَمْ تَسْأَلْنِی ثُمَّ قَالَ سَلُوا اللهَ وَ أَجْزِلُوا فَإِنَّهُ لایَتَعَاظَمُهُ شَیْءٌ.[(1)](" \l "p41i1)  
دو مرد، در بهشت درآیند که هر دو، یک عمل انجام داده‌اند: یکی از آن دو، ببیند دیگری را که مرتبه‌اش بالاتر از اوست. گوید: «ای پروردگار من! به چه چیز، او را این مرتبه و مقام عطا فرمودی؟ حال آنکه هر دو، دارای یک عمل بوده‌ایم» . خداوند متعال می‌فرماید: «او از من سؤال و درخواست می‌کرد و تو نمی‌کردی» . سپس رسول خدا (ص) فرمود: «از خدا سؤال و طلب کنید و بسیار هم طلب کنید؛ چه آنکه هیچ چیز نزد خدا، بزرگ نمی‌آید» .  
امام صادق (ع) فرمود:  
یَا مُیَسِّرُ ادْعُ وَلا تَقُلْ إِنَّ الأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْزِلَةً لاتُنَالُ إِلّا بِمَسْأَلَةٍ وَ لَوْ أَنَّ عَبْداً سَدَّ فَاهُ وَ لَمْ یَسْأَلْ لَمْ‌یُعْطَ شَیْئاً فَسَلْ تُعْطَ یَا مُیَسِّرُ إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ بَابٍ یُقْرَعُ إِلّا یُوشِکُ أَنْ یُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ.[(2)](#p41i2)  
ای میسّر! [اسم راوی است] دعا کن و مگو که کار تمام شده و مقدر گردیده است [و دیگر دعا فایده‌ای نخواهد داشت]. چه آنکه، نزد خدا منزلتی هست که به آن، نایل نمی‌شوی، مگر از طریق دعا و سؤال و درخواست از خدا و اگر بنده‌ای، دهان خود را ببندد و از خدا نخواهد، چیزی به او داده نمی‌شود.

1- شرح نهج البلاغه، خویی، ج ۴، ص ٢۶٣.  
2- کافی، ج٢، ص ۴۶۶.

ص:42  
پس بخواه تا داده شوی. ای میسّر! مسلم آنکه هیچ دری نیست که کوبیده شود، مگر آنکه به زودی، به روی کوبنده‌اش گشوده گردد.  
گفت پیغمبر که گر کوبی دری عاقبت زان در برون آید سری  
عارفی را پرسیدند: «بدین در آمده‌ای، چه آورده‌ای؟» گفت: «گدایی که بر در خانه سلطان آید، از او نمی‌پرسند چه آورده‌ای، بلکه می‌گویند: ای گدای بینوا! چه می‌خواهی؟» .[(1)](" \l "p42i1)  
گویند درویشی ژنده‌پوش، قصد رفتن به دربار پادشاه داشت. او را گفتند: «این لباس کهنه و چرکین، از تن بر کن و لباسی نو بپوش که این، مناسب مجلس سلطان نیست» . درویش گفت:  
چه کنم که لباسی غیر این ندارم! با لباس پاره و چرکین به دربار شاهان رفتن، عیب نیست که درویش مسکین، لباسش همین است. چه کند بینوا همان دارد. اما عیب و ننگ آن است که با همان لباس پاره و چرکین، از خانه سلطان بیرون آید که این عمل، سزاوار شأن شاهان نیست.[(2)](#p42i2)  
حال، بنده بینوا اگر با جانی آلوده و ننگین از گناه، به درگاه خداوند ذوالمن و الکرم برود، عار نیست؛ زیرا حقیقت بنده شرمسار غرق در گناه، همین است. حال آنکه برگشتن از در خانه پروردگار بخشنده با همان جان آلوده و چهره شرمنده از گناه، منافی شأن پروردگار و در واقع، خلاف انتظار است.

1- اسرار العبادات، قاضی سعید قمی، ص ٢٣۴.  
2- همان.

ص:43  
امام صادق (ع) فرمود:  
دُعَاءُ المَرْءِ لِأَخِیهِ بِظَهْرِ الْغَیْبِ یُدِرُّ الرِّزْقَ وَ یَدْفَعُ المَکْرُوهَ.[(1)](" \l "p43i1)  
دعای مرد درباره برادر غایبش، روزی را فراوان و ناملایمات را برطرف می‌سازد.  
علی بن ابراهیم از پدرش نقل کرده که ایشان گفت:  
دیدم عبدالله بن جُندَب را در موقف عرفات، در حالتی که موقفی بهتر از موقف او ندیدم. در تمام مدت وقوف، دست‌هایش به جانب آسمان بلند بود و اشکش به صورتش می‌ریخت و به زمین می‌رسید، تا وقتی که مردم از عرفات بازگشتند. گفتم: «ای ابامحمد! من هرگز موقفی بهتر از موقف تو ندیدم» . گفت: «به خدا قسم، من دعا نکردم، مگر درباره برادران دینی‌ام و این برای آن بود که خبر داد مرا ابوالحسن موسی (ع) [امام موسی بن جعفر (علیهماالسلام)] که:  
مَنْ دَعَا لأَخِیهِ بِظَهْرِ الْغَیْبِ نُودِیَ مِنَ الْعَرْشِ وَ لَکَ مِائَةُ أَلْفِ ضِعْفٍ فَکَرِهْتُ أَنْ أَدَعَ مِائَةَ أَلْفٍ مَضْمُونَةٍ لِوَاحِدَةٍ لا أَدْرِی تُسْتَجَابُ أَمْ لا.[(2)](#p43i2)  
هر که دعا کند درباره برادر خود که غایب است، ندا از عرش می‌رسد که، از برای تو باشد صدهزار برابر این و لذا من سزاوار ندیدم که از دست بدهم صدهزار [حسنه یا دعای] ضمانت شده را به خاطر یکی که نمی‌دانم مستجاب خواهد شد یا نه.  
ابن ابی‌عمیر از زید نرسی روایت کرده که با معاویة بن وهب در

1- اصول کافی، ج٢، ص۵٠٧.  
2- همان؛ عُدة الداعی فارسی، ص ١٣۶.

ص:44  
عرفات بودم و او دعا می‌کرد. در موقع دعا کردن دقت کردم، حتی یک کلمه برای خودش دعا نکرد. مردم شهرهای دوردست را با ذکر نام و نام پدرانشان دعا می‌کرد، تا اینکه مردم از عرفات بازگشتند. به او گفتم: «ای عمّ! از تو امر عجیبی دیدم» . گفت: «چیست آنچه تو را به تعجب آورده؟» گفتم: «اینکه در چنین موضعی، مردم را بر نفس خود اختیار کردی و اینکه یک‌یک آنها را در اینجا یاد کردی!» پس، به من گفت:  
جای تعجب ندارد ای پسر برادر من! به درستی که من شنیده‌ام از مولای خود و مولای تو و مولای هر مؤمن و مؤمنه‌ای و او بعد از پدران بزرگوار خود که به خدا سوگند سید گذشتگان و آیندگان بود؛ و الّا کر باد هر دو گوشم و کور باد هر دو چشمم و نرسم به شفاعت محمد (ص) ، اگر این سخن را از امام (ع) نشنیده باشم که: «هر که از برای برادر مؤمن خود غایبانه دعا کند، فرشته‌ای از آسمان دنیا ندا کند که ای بنده خدا! ١٠٠ هزار برابر آنچه طلب کردی، برای توست و او را فرشته‌ای از آسمان دوم ندا کند که ای بنده خدا! ٢٠٠ هزار برابر آنچه طلب کردی، برای توست، و او را فرشته‌ای از آسمان سوم ندا کند که ای بنده خدا! ٣٠٠ هزار برابر آنچه طلب کردی، تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان چهارم ندا کند که ای بنده خدا! ۴٠٠ هزار برابر آنچه طلب کردی، تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان پنجم ندا کند که ای بنده خدا! ۵٠٠ هزار برابر آنچه طلب کردی تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان ششم ندا کند که ای بنده خدا! ۶٠٠هزار برابر آنچه طلب کردی تو راست و او را فرشته‌ای از آسمان هفتم ندا کند که ای بنده خدا! ٧٠٠ هزار برابر آنچه طلب کردی برای توست.

ص:45  
بعد از آن ندا کند او را خدای عزّوجل که منم غنی مطلق که اصلاً احتیاج ندارم. ای بنده من! هزار هزار برابر آنچه طلب کردی برای توست. پس کدام‌یک از این دو امر عظیم بزرگ‌تر است ای پسر برادر من؟ آنچه را من از برای نفس خود اختیار کردم، یا آنچه تو مرا به آن امر می‌کنی؟ !»[(1)](" \l "p45i1)

#### ٣. اسباب استجابت دعا

##### اشاره

ای سر تو در سینه هر صاحب راز پیوسته در رحمت تو بر همه باز  
هرکس که به درگاه تو آمد به نیاز محروم ز درگاه تو کی گردد باز[(2)](#p45i2)  
در کتاب عدة الداعی، اسبابی جهت استجابت دعا نوشته شده که در این قسمت، در هفت عنوان آن را ارائه می‌کنیم:[(3)](#p45i3)

##### الف) زمان دعا

از امام باقر (ع) روایت شده است:  
خدای تعالی، هر شب جمعه از اول شب تا آخر از بالای عرش ندا می‌کند: «آیا بندۀ مؤمنی نیست که بخواند مرا و قبل از طلوع فجر برای دین یا دنیای خود دعا کند تا او را اجابت کنم؟ آیا بندۀ مؤمنی نیست که قبل از طلوع فجر، توبه کند و از گناهش به‌سوی من بازگردد تا توبۀ او را بپذیرم؟ آیا

1- عُدَّة الدّاعی فارسی، ص ١٣۶.  
2- . شیخ ابوسعید ابوالخیر.  
3- محتوای ذیل این عنوان، تلخیص از باب دوم کتاب عدة الداعی با عنوان «و اسباب اجابت دعا» است. ر. ک: ص٩۴ .

ص:46  
بندۀ مؤمنی نیست که روزی بر او تنگ شده باشد و قبل از روشن شدن روز از من درخواست زیادۀ رزقش کند تا روزی او را زیاد کنم و بر او وسعت دهم؟ آیا بندۀ مؤمن بیماری نیست که از من قبل از ظاهر شدن صبح، شفای خود را سؤال کند تا او را عافیت بخشم؟ آیا بنده مؤمن محبوس مغمومی نیست که از من سؤال کند تا از زندان آزادش کنم و راهش را باز کنم؟ آیا بندۀ مؤمن مظلومی نیست که قبل از طلوع فجر از من بخواهد که برای او آنچه به ظلم از او گرفته‌اند، بگیرم و او را نصرت دهم؟»  
پس فرمود: «خدای تعالی دائماً به این کلمات ندا می‌کند تا آنکه فجر طالع شود» .[(1)](" \l "p46i1)  
در روایت است که بنده مؤمن از خدا حاجت می‌خواهد و خدای عزّوجلّ قضای حاجت او را تا روز جمعه به تأخیر می‌اندازد.[(2)](#p46i2)  
از حضرت صادق (ع) روایت شده که حضرت یعقوب (ع) به فرزندانش گفت: «به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم» . فرمود: «آن را به تأخیر انداخت تا سحر شب جمعه شد» .[(3)](#p46i3)  
در حدیثی از حضرت رضا (ع) روایت شده که رسول‌خدا (ص) فرمود:  
خداوند تبارک‌وتعالی در ثلث آخر هر شب و در شب جمعه از اول شب، ملکی را به آسمان دنیا فرو می‌فرستد که گوید: «آیا سؤال‌کننده‌ای هست که

1- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج١، ص۴٢٠.  
2- نصایح، ترجمه: مواعظ العددیه، علی مشکینی، ص٢٩۵.  
3- همان.

ص:47  
خواسته‌اش را به او عطا کنم؟ آیا توبه‌کننده‌ای هست که توبه او را بپذیرم؟ آیا استغفارکننده‌ای هست که او را بیامرزم؟» ای طالب خیر! روی آر. ای طالب شر! کوتاه کن و پیوسته ندا می‌کند به این کلمات تا فجر طالع شود. آن‌گاه به محلّ خود از ملکوت آسمان بازمی‌گردد.  
سپس فرمود: «این حدیث را پدرم از جدم و او از پدرانش و آنان از رسول خدا (ص) به من روایت کرد» .[(1)](" \l "p47i1)  
گَل مراد تو آن‌گه مراد بگشاید که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد  
گدایی در میخانه طرفه اکسیری‌است گراین عمل بکنی، خاک، زر توانی‌کرد  
به عزم مرحلۀ عشق پیش نه قدمی که سودها کنی ار این سفر توانی کرد[(2)](#p47i2)

##### ب) مکان دعا

از دیگر اسباب دعا، مکان دعاست. در روایتی آمده که خدای تعالی در روز عرفه، به ملائکه می‌فرماید: «ای فرشتگان من! آیا غلامان و کنیزان مرا که آمده‌اند از اطراف بلاد پراکنده و غبارآلود نمی‌بینید؟ آیا می‌دانید چه می‌خواهند؟» گویند: «پروردگارا! آنها از تو آمرزش می‌خواهند» . پس حق‌تعالی فرماید: «شما را شاهد می‌گیرم که آنها را آمرزیدم» .  
و نیز روایت شده که بعضی از گناهان است که بخشیده نمی‌شوند، مگر به عرفات و مشعرالحرام. خدای تعالی فرموده است:

1- بحارالانوار، ج٨٠، ص١١۴.  
2- حافظ.

ص:48  
لَیْسَ عَلَیْکُمْ جُناحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّکُمْ فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْکُرُوا اللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْکُرُوهُ کَما هَداکُمْ وَ إِنْ کُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّینَ (بقره:١٩٨)  
گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان [و از منافع اقتصادی] در ایام حج بهره گیرید (از منافع حج، پی‌ریزی اقتصادی صحیح اسلامی است) . و هنگامی که از «عرفات» کوچیدید، خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید. او را یاد کنید همان‌گونه که شما را هدایت کرد و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.  
یکی از اماکن دعا، بلکه اشرف مکان‌ها، نزد قبر امام حسین (ع) است. روایت شده که خدای تعالی عوض شهادت، چهار چیز به امام‌حسین (ع) عطا فرمود است:  
یکی آنکه شفا را در تربتش قرار داده است؛ دیگر اجابت دعا را زیر گنبدش و امامت را در ذریه‌اش و اینکه روزهایی را که زائران قبرش او را زیارت می‌کنند، از عمرشان محسوب نمی‌شود.[(1)](" \l "p48i1)

##### ج) اسم اعظم

از دیگر اسباب استجابت دعا، دعایی است که متضمن اسم اعظم باشد و آن را کسی به عینه و به‌طور قطع نمی‌داند، مگر شخصی که خدای تعالی او را (از انبیا و اولیای خدا) بر آن اطلاع داده باشد.[(2)](#p48i2)

1- وسائل الشیعه، ج١۴، ص۴٢٣.  
2- ر. ک: تفسیر دعای سحر، امام خمینی \، ص١۵٨.

ص:49  
اسم اعظم بکند کار خود ای دل خوش باش که به تلبی-س و حی--ل، دیو مس-لمان نشود[(1)](" \l "p49i1)

##### د) ترکیب دعا و زمان خاص

مانند دعای سمات که در آخرین ساعت روز جمعه خوانده می‌شود.

##### ه) ترکیب دعا و مکان خاص

مانند ادعیه وارده‌و زیارات مأثوره که با قرائت آن، مزار ائمّه اطهار را زیارت می‌کنیم. نیایش عرفه در سرزمین عرفات، مصداق تام خواندن دعا در زمان و مکانی خاص است.

##### و) ترکیب دعا با عمل خاص

امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «رسول‌خدا (ص) فرمود: کسی که برای خدا نماز واجب را به‌جای آورد، در دنبال آن دعا مستجاب می‌شود» .[(2)](#p49i2)

#### 4. آداب نیایش

##### الف) دعای با گریه

دل سنگین تو را اشک من آورد به‌راه سنگ را سیل تواند به‌لب دریا برد[(3)](#p49i3)  
یکی از مهم‌ترین آداب و مقارنات نیایش، همراه بودن آن با

1- حافظ.  
2- صحیفة الرضا، ص ۴٢.  
3- حافظ.

ص:50  
گریستن است. در نیایش عرفه نیز همان‌گونه که ذکر خواهد شد، اباعبدالله الحسین (ع) ، بخشی از دعا را در حال گریه و تضرع بیان می‌فرماید. امام‌علی (ع) فرمود:  
گریه و ترس از خدا، یکی از احسان‌ها و رحمت‌های خداست. اگر دارای آن شدید، مغتنم بشمارید و دعا کنید که اگر در یک ملت و جمعیتی کسی بگرید، خداوند بر تمام آن ملت ترحم می‌فرماید.[(1)](" \l "p50i1)  
گریه، باارزش‌ترین سرمایۀ عارفان واصل است. از همین روست که در مناجات چنین می‌خوانیم که:  
ارْحم مَن رأسُ مالِهِ الرّجاءُ وَ سِلاحُهُ البُکاء. [(2)](#p50i2)  
مورد مهربانی خود قرار ده کسی را که سرمایه‌اش امید، و ساز و برگش گریه است.  
امام صادق (ع) درباره ارزش چشم گریان، می‌فرماید:  
هیچ چشمی نیست جز اینکه روز قیامت گریان است، مگر چشمی‌که از ترس خدا گریسته باشد و هیچ چشمی نیست که از ترس خدای عزّوجلّ به اشک خود پر شود، جز اینکه خدای عزّوجلّ همه آن بدن را به آتش دوزخ حرام گرداند و آن اشک، بر گونه‌ای روان نگردد که گرد پریشانی و خواری ببیند و هیچ چیزی نیست، جز اینکه پیمانه و وزنی دارد، مگر اشک که همانا خدای عزّوجلّ به اندکی از آن دریاهایی از آتش را خاموش

1- مکارم‌الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ج٢، ص١١١.  
2- مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

ص:51  
کند. پس اگر بنده‌ای در میان یک امتی بگرید، خدای عزّوجلّ به خاطر گریه آن بنده، به همه آن امت رحم کند. [(1)](" \l "p51i1)  
گریه بر هر درد بی‌درمان دواست چشم گریان چشمۀ فیض خداست  
حضرت شعیب (ع) ، از دوستی خداوند آن‌قدر گریست تا نابینا شد. ولی خداوند او را بینا ساخت. دوباره گریست تا نابینا شد. خداوند او را بینا کرد تا سه‌مرتبه. در مرتبه چهارم، وحی شد که ای شعیب! اگر گریه تو از خوف جهنم است، از آن ایمن باش و اگر از شوق بهشت است، به تو عطا کردیم. عرض کرد: «الهی! برای محبت توست» . خطاب شد: «چون از این جهت می‌باشد، به‌زودی کلیم خود، موسی را به خدمت‌گزاری و شبانی تو خواهیم فرستاد» .[(2)](#p51i2)  
امام باقر (ع) فرمود:  
هیچ قطره‌ای نزد خدا محبوب‌تر نیست از آن قطرۀ اشکی که در تاریکی شب از ترس خدا بریزد و جز خدا چیز دیگری به آن منظور نباشد.[(3)](#p51i3)  
ای خوشا تاریکی و اشک روان ای خوشا اشک روان عاشقان  
جان فدای عاشقی کو نیمه‌شب دیده گریان، اشک ریزان، خشک‌لب  
گاه بر بار گناهان، اشک‌ریز گه بود در فکر روز رستخیز[(4)](#p51i4)

1- اصول کافی، ج۴، صص ٢٣٣ و ٢٣۴.  
2- بحارالانوار، ج ١٢، ص ٣٨٠.  
3- اصول کافی، ج۴، ص٢٣۴؛ بحارلانوار، ج١٢، ص٣٨٠.  
4- مولوی.

ص:52

##### ب) دعای با توجه

تضرع و ابتهال باید با توجه و حضور قلب و رعایت حد دعا باشد. قرآن کریم می‌فرماید:  
ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَ-رُّعاً وَ خُفْیَةً إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ (اعراف:۵۵)  
پروردگار خود را از روی تضرّع و در پنهانی بخوانید و از تجاوز دست بردارید که او متجاوزان را دوست ندارد.  
وَ اذْکُرْ رَبَّکَ فِی نَفْسِکَ تَضَرُّعاً وَ خِیفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ وَ لا تَکُنْ مِنَ الْغافِلِینَ (اعراف:٢٠۵)  
و پروردگارت را در درون خود از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یادکن و از غافلان مباش.  
مفسّران بزرگوار فرمودهاند:  
خُفْیَة ً به معنای خواندن به صورت آهسته و آرام در پنهانی است و اگر کسی هنگام دعا فریاد کشید، متعدی است و از حد دعا تجاوز کرده است؛ زیرا خداوند، موجود دوری نیست.  
در قرآن می‌خوانیم:  
رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل‌عمران:٨)  
پروردگارا دل‌هایمان را بعد از آنکه ما را هدایت کردی، از راه حق منحرف مگردان و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بخشنده‌ای.

ص:53  
روایت شده که امیر مؤمنان (ع) فرموده:  
الدُّعَاءُ مَفَاتِیحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِیدُ الْفَلاحِ وَ خَیرُ الدُّعاءِ ما صَدَرَ عنْ صَدْرٍ نَقیٍّ وَ قَلْبٍ تَقیٍّ وَ فی الُمنَاجَاةِ سَبَبُ النَّجَاةِ وَ بِالإِخْلاصِ یَکُونُ الخَلاصُ فَإِذَا اشْتَدَّ الْفَزَعُ فَإِلَی اللهِ المَفْزَعُ.[(1)](" \l "p53i1)  
دعا کلیدهای نجات و گنجینه‌های رستگاری است و بهترین دعا آن دعایی است که از سینه پاک و دلی پرهیزگار برآید و وسیله نجات در مناجات است و خلاصی به اخلاص آید و چون فزع و بی‌تابی سخت شود، مفزع و پناه‌گاه خداست.  
اهل عمل، از راه عدل وارد می‌شوند و به اجر و پاداش خود می‌رسند. اما اهل دعا و سؤال از راه فضل وارد و مشمول رحمت الهی می‌شوند.  
حضوری گرهمی خواهی از او غافل مشو حافظ مَتی ماتَل-ْقَ مَنْ تَهْوی دَعِ الدُّنْیا وَأهْمِلْها

##### ج) اعتراف به تقصیر

در مورد کوتاهی‌کردن در عبادت و نیایش می‌توان به روایت‌های زیر اشاره کرد:  
موسی بن جعفر (ع) به یکی از فرزندانش فرمود:  
یا بُنَی عَلَیک بِالْجِدِّ لا تُخْرِجَنَّ نَفسَک مِنْ حَدِّ التَّقصیرِ فِی عِبَادَةِ اللهِ

1- اصول کافی، ج۴، ص ٢١٣.

ص:54  
عَزَّوَجَلَّ وَطَاعَتِهِ فَإِنَّ اللهَ لایُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ.[(1)](" \l "p54i1)  
پسر جانم! همواره کوشش کن، مبادا خودت را در عبادت و طاعت خدای عزّوجلّ بی‌تقصیر دانی؛ زیرا خدا چنان‌که شایسته است، پرستش نشود.  
جابر گوید: امام باقر (ع) به من فرمود: «  
یا جَابِرُ لا أخْرَجَک اللهُ مِنَ النَّقْصِ وَ [لا] التَّقْصِیرِ »[(2)](#p54i2)؛ «ای جابر! خدا تو را از کاستی و تقصیر بیرون نبرد» .  
[یکی از علمای کوفه گوید: «یعنی خدا توفیقت دهد که همیشه عبادتت را ناقص و خود را مقصر دانی» .]  
حضرت ابوالحسن (ع) فرمود:  
إِنَّ رَجُلا فِی بَنِی‌إِسْرَائِیلَ عَبَدَاللهَ أرْبَعِینَ سَنَةً ثُمَّ قَرَّبَ قُرْبَاناً فَلَمْ یُقْبَلْ مِنْهُ فَقَالَ لِنَفْسِهِ مَا أُتِیتُ إِلّا مِنْکِ وَ مَا الذَّنْبُ إِلّا لَکِ.  
مردی در بنی‌اسرائیل چهل‌سال عبادت خدا کرد و سپس قربانی نمود و از او پذیرفته نشد. با خود گفت: «این وضع از خودت پیش آمد و غیر از تو، گناهکار نیست» .  
سپس فرمود:  
فَأَوْحَی اللهُ تَبَارَک وَ تَعَالَی إِلَیهِ ذَمُّکَ لِنَفْسِکَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِکَ أرْبَعِینَ سَنَةً. [(3)](#p54i3)  
خدای تبارک و تعالی به او وحی نمود که نکوهشی که از خود کردی، از عبادت چهل سال بهتر بود.

1- اصول کافی، ج٣، ص١١۶.  
2- همان.  
3- همان.

ص:55  
همچنین فضل بن یونس از حضرت ابوالحسن (ع) نقل می‌کند که فرمود: بسیار بگو: «بار خدایا! مرا از عاریه‌داران ایمان قرار مده و از تقصیر بیرون مبر» . عرض کردم:  
معنای عاریه‌داران را می‌دانم که مردی دین را به‌طور عاریه می‌گیرد و سپس از آن خارج می‌شود [چون دینش مستقر و ثابت نبوده، پس از اندکی کافر و بی‌دین شود] معنای مرا از تقصیر بیرون مبر، چیست؟  
حضرت فرمود:  
هر عملی که به مقصد خدای عزّوجلّ می‌کنی، خود را در آن مقصر شناس؛ زیرا مردم همگی در اعمال خویش میان خود و خدا مقصرند، جز آن‌که را خدای عزّوجلّ نگهداری کند [که انبیا و ائمه (علیهم‌السلام) باشند؛ زیرا ایشان در شرایط عبادت به اندازه امکان کوتاهی نکنند، اگرچه برای اظهار عجز و نقصان، خود را مقصر دانند]. [(1)](" \l "p55i1)  
بنده همان به که ز تقصیر خویش، عذر به درگاه خدا آورد ور نه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد

1- اصول کافی، ج٣، ص١١٧.

ص:56

ص:57

### گفتار سوم: مهمترین نیایشهای وارده در روز عرفه

#### ١. نیایش عرفهحضرت اباعبدالله الحسین (ع)

##### اشاره

شاه دین گفتا که من از خویشتن دل برگرفتم چون خود از دل برگرفتم، یک جهان دلبر گرفتم

##### الف) مضمون عرفانی نیایش عرفۀ اباعبداللّه الحسین (ع)

دعای عرفه، آکنده از مفاهیم، ارزشهای قرآنی و تعالیم آسمانی است. با خواندن دعای عرفه، درمییابیم که چه مقدار ائمه (علیهم‌السلام) با قرآن مأنوس بوده و چگونه با مکتب دعا، انسان را هدایت و راهبری می‌کنند. این دعا، بیانگر راز و نیاز عاشقانهسرور آزادگان عالم با محبوب و معبودِ یکتاست و متضمن گوهرهای ارزشمندی است که به انسان، روح

ص:58  
حیات میبخشد.  
درباره دعای شریف عرفه، سند و مضمون کلی آن، باید بگوییم که این دعا، طبق منابع روایی ما، از سید عارفان و اسوهکامل آزادی‌خواهان عالم، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) ، در صحرای عرفات و عصر روز عرفه، صادر شده است. در سرتاسر این دعای پر فیض، بندگی، ایثار، شهامت، شجاعت، کمال، علم، حلم، تواضع و اخلاص گویندۀ آن موج می‌زند. بشر و بشیر، فرزندان غالب اسدی، روایت کردهاند:  
حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) عصر روز عرفه، به حالت خشوع و تواضع از خیمهاش خارج شد و آرام آرام قدم برمیداشت، تا اینکه او و گروهی از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و فرزندان و دوستانش، در سمت چپ کوه «جبل‌الرحمة» رو به قبله ایستادند. سپس امام (ع) ، مانند فقیری که درخواست غذا می‌کند، دستانش را در برابر صورتش بلند کرد و سپس دعا را ذکر فرمود.[(1)](" \l "p58i1)  
و چه دعای با مُسمایی است دعای عرفه! این دعای شریف (فراز اول دعای عرفه) یکی از نشانه‌های روح حماسی و بزرگ حضرت اباعبدالله (ع) است.  
فرازهای نیایش عرفه امام حسین (ع) ، به ترتیب عبارت‌اند از:  
١. شناخت حق‌تعالی؛  
٢. تجدید عهد و میثاق با خدا؛  
٣. خودشناسی؛

1- مستدرک الوسائل، ج١٠، ص٢٢.

ص:59  
۴. راز آفرینش؛  
۵. تربیت انسان در دانشگاه الهی؛  
۶. نعمت‌های خداوند؛  
٧. شهادت به بی‌کرانی نعمت‌های الهی؛  
٨. ناتوانی بشر از به‌جا آوردن شکر الهی؛  
٩. دور کردن صفت نکوهیده از خود با تسبیح پروردگار؛  
١٠. خواسته‌های یک انسان متعالی؛  
١١. شناخت و درخواست بهترین مسئلت‌ها؛  
١٢. درخواست نیازهای تربیتی از خدا؛  
١٣. شکایت به پیشگاه خداوند؛  
١۴. مربی پیامبران و فرستنده کُتب آسمانی؛  
١۵. لطف الهی به پیام آوران رحمت الهی؛  
١۶. گنه بینی و لطف خداوندگار؛  
١٧. مقایسه‌ای میان اعمال ما و رفتار خدا؛  
١٨. اقرار و اعتراف به الطاف الهی؛  
١٩. اعتراف به گناه خویش؛  
٢٠. اظهار شرمندگی؛  
٢١. ثنای پروردگار؛  
٢٢. حاجت خواهی؛  
٢٣. درخواست بهترین عطایا؛

ص:60  
٢۴. گسترش رحمت الهی؛  
٢۵. گسترش علم، توانایی و رأفت الهی؛  
٢۶. توجه به خدا به‌وسیله پیامبر (ص) ؛  
٢٧. تسبیح کائنات؛  
٢٨. روزی حلال و نعمت سلامتی.

##### ب) سند نیایش

این دعای با عظمت که در توحید و خداشناسی بینظیر است، توسط سرور شهیدان عالم حضرت اباعبدالله الحسین (ع) قرائت و انشاء شده است و در بلاغت لفظ و علو معنا مشهور است و آن را باید از ادله امامت و ولایت حضرتش شمرد. این دعا را بشیر و بشر، پسران غالب اسدی روایت کرده‌اند و چنان‌که از قرائن برمی‌آید، این دو نفر خود، مردانی سخن‌شناس، خردمند و هوشیار بوده‌اند. شیخ بشیر اسدی را در رِجال، از اصحاب حضرت اباعبدالله الحسین (ع) شمرده‌اند؛ هرچند ضبط و نقل این دعا، خود دلیل روشنی بر خردمندی و سخن‌شناسی وی است.  
خطبه حضرت زینب٣ در کوفه را نیز او نقل کرده است؛ همان خطبه‌ای که بر بلیغ‌ترین خطیبان عالم طعن می‌زند؛ تا جایی که خود بشیر، از بیان حد بلاغت آن عاجز می‌ماند و بهتر از این بیان نمی‌یابد؛ بیانی که در نهایت، به کلام امیرمؤمنان (ع) [(1)](" \l "p60i1)تشبیه می‌شود. باری بشیر

1- کَاَنَّما تَنْطِقُ وَ تُفْرِغُ عَنْ لِسانِ اَمیرِالمُؤمِنینَ٧.

ص:61  
راوی دعای عرفه، شیفته سخنان بلیغ آن حضرت بود. خُزیم بن بشیر که خطبه حضرت زین‌العابدین (ع) از او روایت شده، همان بشر بن خزیم است که به تصحیف، نام او و پدرش مقدم و مؤخر شده است.  
مرحوم شیخ کفعمی دعای عرفهامام حسین (ع) را در بلدالامین نقل فرموده و به ظاهر شیخ هم از سید بن طاووس آن را نقل کرده و راوی آن بِشر و بَشیر فرزندان غالب اسدی هستند که اصل دعا را روایت کرده‌اند. در کتابخانهآستان قدس رضوی (ع) نسخه قدیمی و مُعتبر از اقبال موجود است با زیادت، ولی کفعمی آن را نقل نکرده، شاید برای آنکه در نسخۀ وی، این زیادت نبوده و من خود بعضی نسخ اقبال را دیدم که سقط بسیار داشت و چند فراز از آن حذف شده بود.  
از جهت معنا، ضعفی در آن مشاهده نمی‌شود و از جهت لفظ و بلاغت نیز اگر چند کلمه بدان جَزالت [(1)](" \l "p61i1)نباشد که در اول دعاست، احتمال اختلاف نسخه و تصرف سهوی روات بعید نمی‌نماید؛ چنان‌که در اول دعا تغییر و زیاده و نقصان و اختلاف میان نسخِ اقبال و بلدالامین موجود است. علامه مجلسی (رحمه‌الله) در زادالمعاد، این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد فرموده است.  
چون طبق اصل معروف «  
دلالته‌تغنی عن السند » ، گاهی مفهوم و محتوای حدیث به قدری با عظمت و مطابق اصول است که به سند نیازی نخواهد داشت.

1- بزرگی، خوبی، فراوانی، استواری، فصاحت و روانی سخن. فرهنگ عمید .

ص:62  
بدیهی است که نظیر مضامین این نیایش در عالی‌ترین درجه حکمت و عرفان اسلامی را هیچ کسی، جز انبیای عظام و ائمه معصومان (علیهم‌السلام) نمی‌تواند بیان کند.  
در زمینه حدیث‌شناسی و رجال، القای شبهه در مورد زیادتی که در بعضی نسخ آمده مسموع نیست؛ به‌ویژه اینکه امام خمینی (رحمه‌الله) پس از رد کلام محقق قونوی، می‌فرماید:  
لَیسَ عِنْدَ الْعُرَفاءِ الْکامِلینَ بِشَیءٍ بَلْ ما تُوُهِّمَ أنَّهُ مِنْ کَلِماتِ الأولیاءِ الشّامِخینَ عَنْدَهُمْ فاسِد.[(1)](" \l "p62i1)  
اشکال محقق قونوی نزد عرفای کامل قابل اعتبار نیست و آنچه از دعای عرفه امام حسین (ع) را که گمان کرده از سخنان عرفای بزرگ [اسلام] است، قابل قبول نیست.  
با استناد به فرازی از زیادتی دعای عرفه و اسناد صریح آن به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) با استدلال و نقل این عبارت از زیادتی دعا: «  
قال مَولانا أبوعبدالله الحُسَین (ع) فِی دُعاءِ عَرَفه: ألِغَیرِکَ مِنَ الظُّهُورِ ما لَیسَ لَکَ، صَدَقَ وَلی الله رُوحی لَهُ الْفِداء » ؛ «اباعبدالله الحسین در دعای عرفه فرمود: آیا برای غیر تو ظهوری است درحالی‌که آن چیز از تو نباشد» دیگر جای هیچ‌گونه ابهامی در انتساب صدور زیادتی دعا به آن حضرت باقی نمی‌ماند. به همین دلیل، مرحوم سید بن طاووس (رحمه‌الله) در اقبال، پس از ذکر «  
یا ربِّ یا ربِّ یا ربِّ » زیادتی را بیان فرمود.

1- مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة، امام خمینی، ص۶۶.

ص:63

#### ٢. نیایش عرفه امام سجاد (ع)

##### الف) اهمیت صحیفه مبارکه سجّادیه

این کتاب شریف، معروف به «صحیفه کامله» و «زبور [(1)](" \l "p63i1)آل‌محمّد (ص)» و «انجیل[(2)](#p63i2)اهل‌بیت (علیهم‌السلام)» است که باید همه مسلمانها به وجود آن افتخار کنند؛ چنانکه شرح آن نیز به نام «ریاض‌السّالکین» تألیف سید اجل سید علیخان از آثار ممتاز و پرفایده و در نوع خود بینظیر است. زعیم امامیه، معمار و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، در مورد این مائدهآسمانی می‌فرماید:  
صحیفه کامله سجّادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگ‌ترین مناجات [های] عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است. آن کتابی است الهی که از سرچشمه نورالله نشئت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم‌الشّأن را به اصحاب خلوتگاه الهی می‌آموزد. . . . این کتاب مقدس، چون قرآن کریم، سفره الهی است که در آن، همه‌گونه نعمت موجود است و هرکس به مقدار اشتهای معنوی خود از آن استفاده میکند. این کتاب همچون قرآن الهی، اَدَقّ معارف غیبی است که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و مافوق آن حاصل میشود و در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران از حقایق آن کوتاه است.[(3)](#p63i3)

1- محتوای زبور حضرت داود٧ نیایش و مناجات است.  
2- انجیل حضرت عیسی٧ بیشتر دربردارندة مواعظ آن حضرت است.  
3- صحیفه نور، امام خمینی قدس‌سره ، ج٢١، ص٢٠٩.

ص:64  
بیاییم با هم فروتنانه، بر سر سفرهجاودانه صحیفهسجّادیه بنشینیم و در برابر علی‌ثانی، زین‌العابدین (ع) زانو بزنیم و به سخنان گهربارش گوش جان بسپاریم که سخن یار شنیدن از زبان معشوق، بسی شیرینتر و دل‌چسبتر و بیگمان، مؤثّرتر خواهد بود.  
صحیفه سجّادیه، پس از قرآن کریم و نهج البلاغه باعظمت‌ترین کتاب است که کلمات پرمحتوایش، خود معرّف ارزش خویش است. این‌چنین واژهها و الفاظ والایی (که تالی تلو کتاب خداست) ، جز از زبان معصوم تراوش نکند.  
در سال ١٣۵٣ه. . ق روزی که نسخهای از این کتاب (صحیفه مبارکه سجّادیه) را مرجع فقید مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (رحمه‌الله) برای مفتی بزرگ اهل سنت در مصر «شیخ طنطاوی جوهری» ، مؤلّف و صاحب «تفسیر الجواهر» (مفتی اسکندریه) به قاهره فرستاد، ایشان پس از تشکر از دریافت این هدیهگران‌بها و ستایش فراوان از آن، در پاسخ، چنین اقرار کرد:  
این از بدبختی ماست که تاکنون بر این اثر گرانبهای جاوید که از مواریث نبوت و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است، دست نیافته بودیم و من هرچه در آن می‌نگرم، آن را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق مییابم. ١  
برادران اهل سنّت، آن هم قشر دانشمندانشان، از اینکه صحیفه را  
١) . صحیفه سجادیه، ترجمه: سید صدرالدّین بلاغی، ص٣٧؛ ر. ک: مقدمه الصحیفة السّجادیة، مدیر کاظم شانه‌چی، ص۵٠.

ص:65  
ندیده و نشناخته بودند، آن را از بدبختی خود می‌دانستند. نکند ما با داشتن صحیفه و مهجور ماندن از این مائده الهی، بدبختتر از آنها باشیم. ویژگی صحیفه کامله سجّادیه که از دو لب نازنین امام سجاد (ع) صادر شده، این است که هر مراجعه‌کننده بی‌غرضی را به مراتبی از عرفان و عشق به خداوند تبارک و تعالی می‌رساند که دیگر تا پایان عمر حاضر نیست دست از آن بردارد و همچنان بدان عشق ورزیده و با آن انس می‌گیرد.  
ازاینرو، بهترین کتابها در حوزه دعا به رشته تحریر درآمده‌اند و کامل‌ترین آنها را نیز بزرگان و دانشمندان شیعه تألیف و تدوین کرده‌اند و به پیش‌گاه سحرخیزان کامروا و موحدان دردمند و یکهتازان عرصهتوحید و عبادت و نیایش عرضه داشتهاند.

##### ب) نیایش عرفه صحیفه مبارکه سجّادیه

در آموزه‌های دینی به خواندن چهل و هفتمین نیایش صحیفه مبارکه سجّادیه در روز عرفه، سفارش شده است. این نیایش، در بردارنده راز و نیازهای عالمانه، عارفانه و عاشقانه امام سجاد (ع) است؛ مهم‌ترین مفاهیم این نیایش عبارت‌اند از:  
١. حمد خداوند؛  
٢. شناخت پروردگار؛  
٣. شکر خداوند؛  
۴. صلوات بر محمّد و آل محمّد؛

ص:66  
۵. دعا برای امام عصر (عج) ؛  
۶. اعتراف به نعمت‌های الهی و استغفار از گناهان؛  
٧. درخواست‌های یک انسان متعالی از پیش‌گاه خداوند.[(1)](" \l "p66i1)  
همه فضیلت‌های احصا شده برای روز عرفه و سفارش‌های مکرر و جدی بر کوشش و فیض بردن هر چه بیشتر و بهتر از این روز مبارک، روز عرفه را به نماد نیایش مخلوق با خالق خود مبدل ساخته است و به همین دلیل، ما نیز این بخش را «عرفه، روز نیایش» نام نهادیم.

1- تجلّی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، ص۴٣۵.

ص:67

## بخش دوم: عرفات سرزمین عشق

### اشاره

ص:68

ص:69

### گفتار اول: جایگاه سرزمین عرفات

#### ١. موقعیت جغرافیایی سرزمین عرفات

«عرفات» ، از ریشه «عَرَفَ» گرفته شده و به گفته راغب: «بیانگر شناخت آثار اشیاء همراه با تفکر و تدبّر است» . [(1)](" \l "p69i1)این کلمه، اسمی مفرد است که در لفظ، به صورت جمع آمده، ولی جمع بسته نمی‌شود و شاید دلیل آن تفکیک‌ناپذیری اماکن باشد و با این استعمال، گویی هر جزئی از این سرزمین را عرفه دانسته‌اند.[(2)](#p69i2)  
«فرّاء» می‌گوید: «عرفات اگرچه به صورت جمع آمده، لیکن معرفه است و دلیل معرفه بودنش نیز آن است که الف و لام بر آن داخل نشود» .[(3)](#p69i3)  
«اخفش» نیز گفته است:

1- تاج العروس، الحسینی الواسطی الزّبیدی الحنفی، ج ٢۴، ص ١٣٣.  
2- همان، ص ١٣٨.  
3- همان.

ص:70  
عرفات بدان‌جهت منصرف است که تاء را به منزله یاء و واو در مُسلِمین و مُسلِمُون و تنوین را به منزله نون قرار داده‌اند و آن‌گاه که به صورت اسم استعمال گردد، اعراب آن به همان حال باقی می‌ماند.[(1)](" \l "p70i1)  
«جوهری» نیز چنین می‌گوید: «این گفته مردم «نَزَلْنا عَرَفَةَ» و عرفه به‌صورت مفرد آمده، این استعمال همچون «مُوَلَّدٍ» است و عربی خالص و محض نمی‌باشد» .[(2)](#p70i2)  
عرفات سرزمین پهناور و همواری است که هجده کیلومتر مربع مساحت دارد [(3)](#p70i3)و امروزه، در فاصله تقریبی ٢١ کیلومتری شرق (جنوب شرقی) مکه واقع شده است.[(4)](#p70i4)برخی فاصله را حدود دوازده میل نوشته‌اند.[(5)](#p70i5)«ازرقی» و برخی دیگر، طول و عرض آن را دو میل در دو میل ذکر کرده‌اند.[(6)](#p70i6)این مکان، دورترین موقف از مواقف و مشاعر حج است که در عین حال، وسیع‌ترین آنها نیز محسوب می‌شود[(7)](#p70i7)، و تنها موقفی است که خارج از محدوده حرم قرار دارد. [(8)](#p70i8)سه طرف این

1- تاج العروس، ج ٢۴، ص ١٣٨.  
2- لسان العرب، ج ٩، ص ١۵٧؛ ر. ک: حج در اندیشه اسلامی، ص ٢٢۴.  
3- اشهر المساجد فی الاسلام، سیدعبدالمجید بکر، ج ١، ص ١٣١.  
4- معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلادی، ج ۶، ص ٧۵.  
5- المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیره، ابراهیم بن اسحاق حربی، ص ۴٧١؛ لغت‌نامه دهخدا، ج ١٠، ص ١٣٩۵٠ به نقل از: مقدمه لغت میرسید شریف جرجانی .  
6- اخبار مکه، ج ٢، ص ١٩۴؛ مرآة الحرمین، ج ١، صص ۴۴ و ٣٣۵.  
7- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ١، ص ١٣١؛ معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ٧۵.  
8- وسایل الشیعه، ج ١١، ص ١٢؛ بحارالانوار، ج ١٠١، ص ٣٣؛ شفاء الغرام، ج ١، ص ۴٨٢؛ معالم مکة التاریخیه و الاثریه، ص ١٨٣.

ص:71  
سرزمین را سلسله کوهی به نام «جبل عرفات» احاطه کرده است. [(1)](" \l "p71i1)این سلسله، قوسی را به‌وجود آورده که وتر آن را «وادی عرنه» تشکیل داده است.[(2)](#p71i2)  
در شمال شرقی عرفات، کوهی بلند و قهوه‌ای‌رنگ به نام «جبل سعد» قرار گرفته که بر محل وقوف اشراف دارد. [(3)](#p71i3)در سمت طلوع خورشید، کوه بلند دیگری واقع شده که از آن، به «جبل ملحه» یاد می‌شود که این، از جهت بلندی و ارتفاع، کوتاه‌تر از کوه سعد است و رنگش به سرخ و سفید با رگه‌های سیاه متمایل است. کوه ملحه، از ناحیه شرق تا جنوب عرفات - که راه طائف در آن قرار گرفته - امتداد دارد.[(4)](#p71i4)در قسمت جنوب، سلسله کوه‌های سیاهی واقع شده که بارزترین آنها «ام الرضوم» است [(5)](#p71i5)و در ناحیۀ مغرب و شمال غربی آن، وادی عرنه قرار دارد که خارج از محدوده وقوف است. [(6)](#p71i6)  
عرفات که خود بین مکه و طائف قرار گرفته[(7)](#p71i7)، از جنوب به «وادی‌نعمان» متصل است که تا وادی عرنه در جنوب غربی،

1- مرآة الحرمین، ایوب صبری پاشا، ج ١، ص ٣٣۵.  
2- همان؛ معالم مکة التاریخیه و الاثریه، ص ١٨٢؛ اشهر المساجد فی الاسلام، ج ١، ص ١٣١.  
3- معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ٧۵؛ معالم مکة التاریخیه و الاثریه، ص ١٨٢.  
4- همان.  
5- همان.  
6- همان.  
7- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ١، ص ١٣١.

ص:72  
امتداد دارد. [(1)](" \l "p72i1)  
در وادی نعمان، مزرعه‌های حاصلخیز و زیبایی است؛ تا جایی که شاعران نیز به مدیحه‌سرایی آن پرداخته‌اند. [(2)](#p72i2)سعید بن جبیر به نقل از ابن‌عباس روایت کرده که در این مکان از فرزندان آدم عهد و میثاق گرفته شد.[(3)](#p72i3)  
در مورد حدود و مرز عرفات از ابوبصیر و معاویة بن عمار از امام‌جعفر صادق (ع) چنین نقل شده است: «  
وَ حَدُّ عَرَفاتٍ مِنَ المَأْزِمَیْنِ اِلی أَقْصَی المَوْقِفِ»[(4)](#p72i4)؛ «حد عرفات از مأزمان تا آخرین جای وقوف است» .  
در روایتی دیگر از معاویة بن عمار به نقل از آن حضرت آمده است:  
وَحَدُّ عَرَفَةَ مِنْ بَطْنِ عُرَنَةَ وَثَویَّةَ وَنَمِرَةَ اِلی ذِی‌المَجازِ، وَخَلْفَ الجَبَلِ مَوْقِفٌ.[(5)](#p72i5)  
حد عرفه از بطن عرنه و ثویه و نمره تا ذوالمجاز است و پشت کوه «جبل‌الرحمه» موقف است.  
سماعة بن مِهران نیز از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است:  
. . . وَاتَّقِ الأَراکَ وَنَمِرَةَ وَ هِی بَطْنُ عُرَنَةَ وَثَوِیَّةَ وَذَا المَجازِ، فَاِنَّهُ لَیْسَ

1- اشهر المساجد فی الاسلام، ج ١، ص ١٣١.  
2- شفاء الغرام، ج ١، ص ۵٧٠.  
3- همان.  
4- بحارالانوار، ج ٩٩، ص ٢٧٠.  
5- وسایل الشیعه، ج ١٠، ص ١١.

ص:73  
مِنْ عَرَفَةَ. [(1)](" \l "p73i1)  
از وقوف در اراک و نمره که بطن عرنه است و ثویه و ذوالمجاز بپرهیز که آنها از عرفات شمرده نمی‌شوند.  
حجاج حرم امن الهی، از ظهر تا مغرب شرعی روز عرفه، در آنجا حضور می‌یابند که این امر در اصطلاح فقهی، «وقوف در عرفات» نامیده می‌شود. اهمیت این رکن حج تا آنجاست که در روایات آمده: «اساس حج، همان عرفه و عرفات است» .[(2)](#p73i2)  
زائر آن‌گاه که عزم حج تمتع دارد، روز هشتم از مکه محرم می‌شود و آهنگ عرفات میکند که از ظهر روز عرفه تا غروب، قصد وقوف کند و سپس، عازم مشعر شده و بین‌الطّلوعین را در «مُزدَلَفه» وقوف کند و آن‌گاه برای اعمال روز دهم، یازدهم و دوازدهم به‌سوی مِنا رهسپار شود.  
عرفات دشت پهناوری است که روز نهم ذی‌الحجه، تمامی حاجیان را در خود جای میدهد. این سرزمین مقدس در اعماق تاریخ خاطره‌ها دارد. حضرت آدم (ع) در اینجا به خطا و ترک اولی اعتراف میکند و خدا او را مشمول آمرزش خود قرار میدهد و غروب آن روز، مشمول رحمت الهی میشود.

1- وسایل الشیعه، ج ١١، ص ۵؛ ر. ک: اخبار مکه، ازرقی، ج ٢، ص١٩۴؛ اخبار مکه، فاکهی، ج۵، ص ٧؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ١٠۴؛ کتاب المناسک لاماکن طرق الحج، ص۵١٠؛ معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ٧٣.  
2- عوالی اللآلی، ج ٢، ص ٩٣.

ص:74  
از امام کاظم (ع) سؤال شد: «آیا وقوف بر جبل‌الرحمه در نظر شما محبوب‌تر است یا وقوف در دامنه و زمین‌های پایین کوه؟» آن حضرت فرمود: «وقوف در دامنه» .[(1)](" \l "p74i1)  
امام صادق (ع) فرمود:  
عَرَفاتٌ کُلُّها مَوْقِفٌ وَأَفْضَلُ المَوْقِفِ سَفْحُ الجَبَلِ.[(2)](#p74i2)  
همه سرزمین عرفات، محل وقوف است. لیکن بهترین مکان برای وقوف، پایین کوه است.  
ایشان همچنین در روایت دیگری فرمود:  
عَرَفاتٌ کُلُّها مَوْقِفٌ وَما قَرُبَ مِنَ الجَبَلِ فَهُوَ أَفْضَلُ.[(3)](#p74i3)  
همه سرزمین عرفات، محل وقوف است، هرچه به جبل‌الرحمه نزدیک‌تر باشد، بهتر است.  
راز رفتن به بالای کوه رحمت در این است که انسان بداند خداوند در حق هر زن و مرد مسلمانی مهربان بوده و متولی هر زن و مرد مسلمان است. گرچه خدای سبحان، در مورد همگان ولایت تکوینی دارد و او ولی همه است [(4)](#p74i4)و گرچه رحمت عام خدا فراگیر و شامل همه موجودات می‌شود [(5)](#p74i5)؛ ولی رحمت خاص او، ویژه پرهیزگاران است؛

1- وسائل‌الشیعه، ج ١٠، ص ١١.  
2- کافی، ج ۴، ص ۴۶٣.  
3- وسائل‌الشیعه، ج ١٠، ص ١٩.  
4- ر. ک: کهف: ۴۴.  
5- انعام: ۵۴.

ص:75  
چنان‌که می‌فرماید:  
وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ فَسَأَکْتُبُها لِلَّذِینَ یَتَّقُونَ (اعراف:١۵۶)  
و رحمتم همه چیز را فرا گرفته و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، مقرّر خواهیم داشت.

#### ٢. فلسفۀ نامگذاری صحرای عرفات

راغب اصفهانی می‌گوید:  
عرفات نام جایگاه و منطقه‌ای است و از آن‌رو «عرفات» نامیده شد، چون میان آدم و حواء در این منطقه - پس از هبوط آدم بر «سرندیب» و فرود حواء در «جده» و به دور افتادن آنها از یکدیگر و دگرگونه‌شدن چهره آنها - شناختی حاصل شد. [(1)](" \l "p75i1)[و دور افتادگان از یکدیگر در اینجا همدگر را شناختند؛ دور افتادگانی که درصدد یافتن یکدیگر، راه دور و درازی درمی‌نوردیدند و در جست‌وجوی همدگر رنج‌ها بر خود هموار ساختند تا آنکه بر پهنه عرفات به هم رسیدند و به شناخت یکدیگر توفیق یافتند].  
اگر چنان توجیهی در نامگذاری «عرفات» مقرون به صحت باشد، این سرزمین و وقوف در آن سمبل و رمز و نشانه‌ای است که مسلمانانِ به دور افتاده از یکدیگر می‌توانند در این کانون تجمع، به تعارف و شناخت یکدیگر توفیق یابند و با تعارف، به تألف و انس و همبستگی با یکدیگر نایل آیند. آدم و حواء در این منطقه به هدف خود رسیدند و همدیگر را

1- مفردات راغب، ص ۵۶٠.

ص:76  
شناختند. بدین‌ترتیب، نژاد و نسل آنها نیز باید با وقوف در این منطقه، به معرفت حال یکدیگر دست یابند و تشتت و بیگانگی و پراکندگی خود را - با توجه به اینکه هرکدام از سرزمین‌های دور بدین‌جا می‌آیند - با آمدن و وقوف در این جایگاه، به همبستگی و پیوستگی و خویشاوندی دینی و انسانی تبدیل کنند و از این رهگذر، غربت خود را به قربت و قرابت باز آورند.  
همچنین دوست و دشمن را نیز با درنگ‌های آمیخته به تفکر شناسایی کنند. هیچ کسی انسان را بیش از خدا دوست نمی‌دارد و هیچ دوستی بهتر از خدا در عالم وجود ندارد. بنابراین، باید در این جایگاه، رهیده از انگیزه‌های دنیوی - که جایگاهی درخور تفکر و تدبر است- برای برآورده شدن نیاز خویش در پی غیر خدا نباشد، بلکه تنها خدای مهربان را بجوید. امام سجاد (ع) در عرفات مرد تهی‌دستی را دید که از مردم گدایی می‌کرد. به او فرمود:  
وای بر تو! در چنین روز، غیر خدا را سراغ می‌گیری. در چنین روزی این امید وجود دارد انسان‌هایی که هنوز چشم به دنیا نگشوده‌اند و هنوز به دنیا نیامده‌اند، از لطف و مرحمت الهی برخوردار باشند.[(1)](" \l "p76i1)  
از امام صادق (ع) سؤال شد: «عرفات را چرا عرفات می‌نامند؟» حضرت فرمود:

1- بحارالانوار، ج ١٩، ص ٢٩٩.

ص:77  
إنَّ جَبْرَئیلَ خَرَجَ بِإِبْراهِیمَ (ع) یَوْمَ عَرَفَةَ، فَلَمّا زالَتِ الشَّمسُ، قالَ لَهُ جَبْرَئیلُ: یا إِبْراهیمُ اِعْتَرِفْ بِذَنْبِکَ وَاعْرِفْ مَناسِکَکَ، فَسُمِّیَتْ عَرَفاتٍ، لِقَوْلِ جَبْرَئیلَ: اِعْتَرِفْ فَاعْتَرَفَ. [(1)](" \l "p77i1)  
جبرئیل، حضرت ابراهیم (ع) را روز عرفه به این مکان آورد. چون ظهر فرا رسید، جبرئیل گفت: «ای ابراهیم! به گناه خود اعتراف کن و مناسکت را بیاموز» . چون جبرئیل گفت اعتراف کن، پس اعتراف کرد. لذا این سرزمین عرفات نامیده شد.  
بنابر قولی، حضرت ابراهیم (ع) در این سرزمین خواب دید که اسماعیل (ع) را در راه خدا قربانی می‌کند و به وظیفه خود عارف شد.  
مفسّران نوشته‌اند:  
علّت نام عرفات آن است که ابراهیم (ع) شبی خواب دید که باید فرزندش را قربانی کند. چون روز شد در فکر فرو رفت. ازاین‌رو، آن روز را «ترویه» نامیدند و چون شب بعد همان خواب را دید و دانست که خواب حق است، نه شیطانی؛ آن شب را «عرفه» نامید.  
بعضی هم نوشته‌اند:  
چون اسماعیل در آن روز آب پیدا کرد و سیراب شد، آن روز را ترویه گفتند و عرفات به این جهت گفتند که جبرئیل، شب احکام حج را آورد و پیغمبر فرمود: «قد عرفت» .[(2)](#p77i2)

1- علل الشرایع، شیخ صدوق، ج٢، ص۴٣۶.  
2- داستان‌های عرفانی، محمدتقی فعالی، صص ١٠٧ و ١٠٨؛ تفسیر کشف الاسرار، ج ١، ص٧٩.

ص:78  
رفتن به سوی عرفات، از زمان حضرت آدم (ع) سنت شد. حضرت آدم (ع) با همراهی جبرئیل اعمال حج و از جمله وقوف در عرفات را به عنوان سنت حج بناگذارد. امام صادق (ع) در این باره فرمودند:  
سُمِّیَتِ التَّرْوِیَةُ لأَنَّ جَبرَئیلَ (ع) أَتَی إِبْرَاهِیمَ (ع) یَوْمَ التَّرْوِیَةِ، فَقَالَ: یَا إِبْرَاهِیمُ ارْتَوِ مِنَ المَاءِ لَکَ وَ لأَهْلِکَ وَ لَمْ یَکُنْ بَیْنَ مَکَّةَ وَ عَرَفَاتٍ مَاء.[(1)](" \l "p78i1)  
روز ترویه را ترویه نامیدند، چون جبرئیل در چنین روزی، نزد حضرت ابراهیم (ع) آمد و گفت: «ای ابراهیم! برای خود و خانواده‌ات آب بردار» و میان مکه و عرفات آبی نبود.  
حضرت ابراهیم (ع) پیش از روز نهم ذی‌حجه در خواب دید که اسماعیل (ع) را ذبح می‌کند. هنگامی که بیدار شد، به حالت تروی و فکر فرو رفت که آیا این رؤیا الهی و به منزله دستور آسمانی است، یا نه. ازاین‌رو، روز هشتم را «یوم‌الترویه» می‌نامند. ولی ممکن است وجه تسمیه آن به «یوم‌الترویه» این باشد که در آن روز، برای سقایت حج‌گزاران، آب‌گیری می‌کردند تا زائران را در عرفات و مشعر و منا آب دهند؛ چنان‌که امام‌صادق (ع) فرمود:  
إنَّ إبراهیمَ أتاهُ جَبرئیلُ عِندَ زَوالِ الشَّمْسِ مِنْ یَومِ التَّرْویةِ فقال: یا إبراهیمُ! ارْتَوِ مِنَ الْماءِ لَکَ ولأهلِکَ. ولَمْ یَکُنْ بینَ مَکَّهَ وعَرَفاتٍ یَوْمئذٍ ماءٌ فَسُمِّیَتْ التَّروِیةَ لِذلک.[(2)](#p78i2)

1- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج ٢، ص ۶۵.  
2- وسائل الشیعه، ج ٨، صص ١۵٩ و ١۶٠.

ص:79  
روز ترویه و هنگام زوال خورشید، جبرئیل نزد ابراهیم آمد و گفت: ای ابراهیم! برای خود و خانواده‌ات آب بردار، و در آن روز بین مکه و عرفات آبی نبود.  
این رؤیا، در شب نهم ذی‌حجه نیز برای حضرت ابراهیم (ع) تکرار شد. ازاین‌رو، آن حضرت یقین پیدا کرد که باید فرزند خود اسماعیل را ذبح کند. این معرفت در روز نهم و در سرزمین عرفات حاصل شد و بدین سبب، آن روز را «عرفه» و آن سرزمین را «عرفات» نامیدند.[(1)](" \l "p79i1)  
ترویه به آب اشاره دارد و سرّ آن «آب معرفت» است؛ معرفتی که در عرفات به ظهور می‌رسد. آب معرفت و زلال حیات، به جان تشنه‌ای می‌رسد که از هر کجا بریده باشد و از همه جا ناامید رو به خدا آورد. در حالت انقطاع است که خداوند مهربان به تن خسته و روح رنجور نظر می‌فرماید و شعله‌های آتشین محبت را در وجود او زنده می‌کند و آب زلال معرفت را به کام او می‌ریزد. عارفی که آب معرفت نوشد، برق شهود در نگاهش می‌درخشد، از رحمت و هدایت الهی بهره‌مند شده، از منبع فیض، رزق می‌خورد و مستعد دریافت معرفت می‌شود و خود را برای ورود به صحنه عرفات مهیا می‌کند.  
پیامبر اکرم (ص) ، روز عرفه را در «نمره» [(2)](#p79i2)فرود آمد. در کنار این سنگ

1- الدرّالمنثور، جلال الدین سیوطی، ج ٧، ص ١١١.  
2- نام کوهی است در عرفات که در دامنه آن مسجدی به نام «مسجد نمره» بنا شده است. به روایتی، حضرت ابراهیم٧ در این مکان وقوف کرده و در آنجا به نماز و عبادت پرداخته است.

ص:80  
بزرگ، پارچه‌ای بستند تا پیامبر (ص) در سایه آن بنشیند. سال‌های بعد نیز نبی اکرم (ص) در آنجا وقوف می‌کرد و نماز ظهر و عصر می‌گزارد. صحرای مقدس عرفات، در سال دهم هجری شاهد آخرین حج پیامبر (ص) بود.  
در مورد علت نام‌گذاری صحرای عرفات، چند نکته وجود دارد:  
الف) وقتی جبرئیل مراسم حج را به آدم (ع) یا به ابراهیم خلیل (ع) آموخت، در پایان به او گفت: «  
عَرَفْت؟ » ؛ «آیا شناختی؟»[(1)](" \l "p80i1)؛  
ب) آدم و حوّا، در این منطقه یکدیگر را شناختند: «  
تَعارَفا » و بازیافتند؛  
ج) عرفات از آن رو به این نام شناخته شد که مردم در این سرزمین به گناهان خود اعتراف می‌کنند؛  
د) برخی هم عرفه را به معنای کوه گرفته‌اند.  
نویسنده کتاب «مسالک الأفهام» نوشته است:  
گرچه در وجه تسمیه عرفات (این سرزمین وسیع) جنبه‌های گوناگونی ذکر شده[(2)](#p80i2)، ولی بهتر آن است که بگوییم این سرزمین وسیع با جذبه روحانی و معنوی عجیبی که دارد، فضای بسیار مناسبی برای کسب معرفت پروردگار و شناسایی ذاتِ پاک او است و مشعر را هم از آن جهت «مشعر» گویند که «مَعلَم و نشانه‌ای است از این مراسم پرشکوه حجّ» .[(3)](#p80i3)

1- ر. ک: علل الشرایع، ج ٢، ص ۴٣۶.  
2- ر. ک: مسالک الافهام، زین الدین بن علی شهید ثانی ، ج٢، ص ٢٠۴.  
3- مسالک الافهام، ج ٢، ص ٢٠٩.

ص:81  
بنابراین، این سرزمین را به دو وجه عرفات نامیده‌اند: یا به علت «اعتراف» به گناه؛ هرچند گناه ابراهیم (ع) به معنای خاصی است که با عصمت آن بزرگوار سازگاری دارد یا به علت «معرفت» به عبادت بوده است. البته اعتراف هم به معرفت باز می‌گردد؛ زیرا اعتراف، به معنای معرفت به معاصی است. پس، نام عرفات به لطیفه‌ای عرفانی اشاره دارد که همان معرفت است و عرفات هم چیزی جز معرفت نیست.  
در وقوف عرفات، انسان به معارف الهی واقف می‌شود و درمی‌یابد که خدا، همه نیازهای او را می‌داند و قادر به رفع آنهاست و می‌داند که خدا به درون و بیرون او ناظر و آگاه است. آنجا با خدای خود عهد می‌کند که من کسی را به چیزی امر و نهی نمی‌کنم، جز آنکه خود در آن پیش‌قدم باشم. اگر انسانی به اسرار حج و به باطن اعمال اماکن مقدسه آن توجهی نداشته باشد، بی‌شک، از سازندگی‌های حج محروم خواهد شد و شاید کلام امام سجاد (ع) بر او صدق کند که فرمود: «چه بسیارند ضجه زنان و چه اندک‌اند حج‌گزاران!» .[(1)](" \l "p81i1)ظاهر حج، انسان را در میان مردم به‌عنوان حاجی می‌شناساند، درحالی‌که سیرت حج، سیرت انسان را می‌سازد.

1- مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ٣٩.

ص:82

ص:83

### گفتار دوم: فضیلت‌های عرفات در آیینه کتاب و سنت

#### ١. فضیلت سرزمین عرفات در آیینۀ قرآن کریم

لَیْسَ عَلَیْکُمْ جُناحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّکُمْ فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْکُرُوا اللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْکُرُوهُ کَما هَداکُمْ وَ إِنْ کُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّینَ (بقره:١٩٨)  
گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و از منافع اقتصادی صحیح اسلامی است) و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد مشعرالحرام یاد کنید. او را یاد کنید همان‌گونه که شما را هدایت نمود؛ و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.  
این آیه کریمه، به سه نکته اساسی اشاره دارد:

ص:84  
الف) اباحۀ تجارت هنگام حج؛  
ب) حرکت جمعی از عرفات به مشعرالحرام؛  
ج) وجوب تسبیح و تحلیل احدیت در مشعرالحرام.  
ابن عربی می‌نویسد:[(1)](" \l "p84i1)  
در لغت «افاضه» ، حرکتِ سریع است. . . خداوند در قرآن، وقت افاضه و حرکت دسته‌جمعی از عرفات را مشخص نکرده، لیکن پیامبر (ص) آن را با عمل خود بیان کرده است. آن حضرت در عرفات وقوف کرد تا زمانی که خورشید غروب کرد و قرص خورشید ناپدید گشت.[(2)](#p84i2)  
جماعت قریش به دلیل شدت کبر و غرور، در عرفات و مشعر از سایر گروه‌ها جدا می‌شدند و در موقع‌کوچ‌کردن، مقدم یا مؤخر کوچ می‌کردند و شأن خود نمی‌دانستند که با سایر حاجیان مخلوط شوند. خداوند تعالی ضمن آیۀ ١٩٩ سوره مبارکه بقره، ملت اسلام را به اتفاق و اجماع، امر می‌فرماید تا مردم به سبب اجتماع، مقصود صاحب شریعت را درک کنند؛ چه آنکه پیشرفت و رشد جامعه انسانی میسّر نیست، مگر با همبستگی.  
تمامی حاجیان با پوششی یکسان و هم‌رنگ و یک‌نواخت، همه بیابان‌نشین و به دور از سر و صدای شهر و از دنیا و زرق و برق آن گریخته و به زیر آن آسمان نیلی رحمت واسعۀ الهی، آسمانی آزاد و پاک

1- احکام القرآن، محمد بن عبدالله اندلسی ابن عربی ، ج ١، ص ١٣٧.  
2- انوار التنزیل و اسرار التأویل، ابوسعید بیضاوی، ج ١، ص ٢٢۶.

ص:85  
از آلودگی گناه [(1)](" \l "p85i1)؛ همان‌جا که فرشته وحی بال و پر می‌زند و از لابه‌لای نسیمش، صدای زمزمه جبرئیل و آهنگ مردانه ابراهیم خلیل (ع) و نوای حیات‌بخش و گوش‌نواز صدای پیامبر اعظم (ص) طنین‌انداز می‌شود، پناه آورده‌اند. در این سرزمین خاطره‌انگیز که گویا دریچه‌ای است که به جهان ماورای طبیعت گشوده شده، انسان نه تنها از نشئۀ عرفان پروردگار سرمست و لحظه‌ای با زمزمۀ تسبیح عمومی خلقت هماهنگ می‌شود، بلکه در درون وجود خود، خودش را نیز می‌یابد و به حال خویشتن نیز عارف می‌شود و درمی‌یابد که او آن‌کسی نیست که شب و روز در پی معاش، تلاشی حریصانه کرده است. صحرا را زیر پا می‌گذارد و هرچه می‌یابد، عطشش فرو نمی‌نشیند. در نهایت، پی می‌برد که گوهر دیگری در درون جان نهفته است که او در حقیقت، همان است. آری، این‌چنین است که این صحرا، با نام با مسمای عرفات شناخته می‌شود.  
در آیۀ ١٩٩ سوره مبارکه بقره، پروردگار حکیم، روی یکی از امتیازهایی که قریش برای خود قائل بود، خط بطلان کشید. بدین‌ترتیب که

1- هرگاه یکی از بندگان گنه‌کار پریشانْ روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه خداوند برآرد، تعالی در او نظر نکند، بازش بخواند، دگرباره اعراض کند. بازش به تضرع و زاری بخواند، حق سبحانه گوید: «یا مَلائِکَتی قَدِ اسْتَحْییتُ مِنْ عَبْدی وَ لَیسَ لَهُ رَبٌ غَیری فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ» ؛ «دعوتش را اجابت کردم و امیدش بر آوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم» . کَرَم بین و لطف خداوندگار گُنه بنده کرده است و او شَرمسار گلستان سعدی، صص٣ و ۴ .

ص:86  
قریش، خود را «حُمس» [(1)](" \l "p86i1)(بر وزن خمس) می‌خواندند و خویش را از فرزندان حضرت ابراهیم (ع) و سرپرستان خانۀ کعبه می‌شمردند و برای هیچ‌یک از اعراب، مقامی را که برای خویشتن در نظر می‌گرفتند، قائل نبودند. آنها می‌گفتند ما نباید احترام آنچه را از حریم مکه بیرون است با آنچه در حریم مکه است، مساوی بدانیم که اگر چنین کنیم، عرب برای ما ارزشی قائل نخواهد شد! ازاین‌رو، وقوف به عرفات را که از محیط حرم بیرون است، ترک می‌کردند، با اینکه می‌دانستند از جمله وظایف حج و آیین حضرت ابراهیم (ع) است. [(2)](#p86i2)ولی خداوند در آیه ١٩٩ سوره بقره به همه مسلمانان دستور می‌دهد همه در یک‌جا (عرفات) وقوف کنند و از آنجا، همگی به‌سوی مشعر بیایند و از آنجا هم به‌سوی منا کوچ کنند.  
در نتیجه، این آیه، با اشاره به افاضه، از مشعرالحرام به سرزمین منا حرکت می‌کند و به همین دلیل، کلمۀ ثُمَّ که دلیل بر ترتیب است، پس از مسئله حرکت از سرزمین عرفات به مشعر ذکر شده است. در واقع، قرآن با بیانی شیوا، به همه مردم بدون استثنا دستور می‌دهد که نخست به عرفات و از آنجا به مشعرالحرام [(3)](#p86i3)بروند و سپس، از آنجا به سرزمین منا کوچ کنند.

1- حمس: افرادی‌که در دین محکم‌اند.  
2- سیره ابن هشام، ج١، صص ٢١١ و ٢١٢.  
3- مشعرالحرام: نام کوهی است که حاجیان باید شب عید قربان تا طلوع خورشید روی آن و اطراف آن بمانند و خداوند تعالی را ذکر کرده و مقصود و منظور صاحب شریعت را تحصیل کنند.

ص:87

#### ٢. فضیلت سرزمین عرفات در آیینه روایت‌ها

##### الف) اسرار وقوف عرفات

امام سجاد (ع) در حدیث «شبلی» می‌فرماید:  
هَلْ عَرَفْتَ بِمَوْقِفِکَ بِعَرَفَةَ مَعْرِفَةَ الله سُبْحَانَهُ أَمْرَ المَعَارِف وَ الْعُلُومِ وَ عَرَفْتَ قَبْضَ الله عَلَی صَحِیفَتِکَ وَ اطِّلاعَهُ عَلَی سَرِیرَتِکَ وَ قَلْبِکَ؟ قَالَ: لا. قَالَ: نَوَیْتَ بِطُلُوعِکَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ أَنَّ اللهَ یَرْحَمُ کُلَّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَ یَتَوَلَّی کُلَّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ قَالَ: لا، قَالَ: فَنَوَیْتَ عِنْدَ نَمِرَةَ أَنَّکَ لا تَأْمُرُ حَتَّی تَأْتَمِرَ وَلاتَزْجُرُ حَتَّی تَنْزَجِرَ قَالَ: لا، قَالَ: فَعِنْدَ مَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْعَلَمِ وَ النَّمِرَاتِ نَوَیْتَ أَنَّهَا شَاهِدَةٌ لَکَ عَلَی الطَّاعَاتِ حَافِظَةٌ لَکَ مَعَ الحَفَظَةِ بِأَمْرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ قَالَ: لا، قَالَ: فَمَا وَقَفْتَ بِعَرَفَةَ وَ لا طَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ وَلا عَرَفْتَ نَمِرَةَ وَلا دَعَوْتَ وَلا وَقَفْتَ عِنْدَ النَّمِرَاتِ.[(1)](" \l "p87i1)  
پرسید: آیا با وقوف در عرفات، آگاهی خداوند را به کار معرفت‌ها و دانش‌ها شناختی و به اینکه خداوند، نامه عمل تو را دریافت می‌کند و به آنچه در درون قلبت می‌گذرد آگاه است، پی بردی؟ گفت: نه! پرسید: آیا با صعود بر جبل‌الرحمه نیت کردی که خداوند هر زن و مرد باایمان را می‌آمرزد و هر زن و مرد مسلمان را سرپرستی می‌کند؟ گفت: نه! پرسید: آیا نزد وادی «نمره» نیت کردی که فرمان ندهی تا آنکه خود فرمان ببری و نهی نکنی تا آنکه خود پرهیز کنی؟ گفت: نه. پرسید: آن‌گاه که کنار

1- مستدرک الوسائل، ج ١٠، صص ١۶٩ و ١٧٠.

ص:88  
نشانه و نمرات ایستادی، نیت کردی که آنها گواه طاعت‌های تو باشند و به دستور خداوند، آسمان‌ها همراه نگهبانان به نگهبانی تو پردازند؟ گفت: نه! فرمود: پس نه در عرفات وقوف کرده‌ای، نه از جبل الرحمه بالا رفته‌ای و نه نمره را شناخته‌ای و نه دعا کرده‌ای و نه کنار نمرات ایستاده‌ای.  
وقوف در عرفات، اسرار عرفانی بسیاری دارد که برخی از آنها در حدیث شبلی آمده است. در ذیل به مهم‌ترین این اسرار اشاره می‌کنیم:  
وقوف در عرفات، به این معناست که انسان به معارف الهی واقف، عارف و آگاه شود و بداند که خداوند به همه نیازهای او واقف است و برای رفع همه نیازهای او تواناست. خود را به خدا بسپارد و احساس کند که بنده او و محتاج به اوست تا تنها او را اطاعت کند. اگر بنده‌ای مطیع و پیرو خدا شد، از همه چیز و همه کس بی‌نیاز است: «  
وطاعتهُ غِنًی » .[(1)](" \l "p88i1)  
پس کسی که در عرفات می‌ایستد، باید از معرفت طرفی ببندد. باید عارف بشود که ذات اقدس الهی به صحیفه قلب او و به درون او و رمز و راز او آگاه است. زائر باید در سرزمین عرفات این آیه شریفه را درک کند:  
وَ إِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ یَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفی (طه:٧)  
اگر آشکار سخن بگویی [یا پنهان]، او اسرار پنهانی و پنهان‌تر از آن را نیز می‌داند.

1- دعای کمیل.

ص:89  
پروردگار شما، از هر کاری که انجام می‌دهید، از هر چرخی که می‌زنید و از هر سری که درون خود دارید، آگاه است. سخن آشکار و راز نهانی شما را می‌داند و آنچه پوشیده است و حتی برای خود شما نیز روشن نیست و به‌طور ناخودآگاه در زوایای قلب و روح شما عبور می‌کند را هم می‌داند.  
به هر ترتیب، انسان باید عارف شود بر اینکه خداوند متعال بر صحیفه قلب او احاطه کامل دارد. اگر انسان بداند که قلب او در محضر و در مشهد حق است، همان‌طور که با اعضا و جوارح خود دست به گناه نمی‌زند، مرتکب گناه خیالی و فکری هم نخواهد شد و آرزوهای باطل به خود راه نخواهد داد. همان‌گونه که کلام باطلی بر لب ندارد و به کسی بد نمی‌گوید، در دل، بد کسی را نیز نمی‌طلبد و همان‌طور که که بدن خود را تطهیر می‌کند، قلبش را نیز از اندیشه و خاطره‌های آلوده پاک می‌سازد.  
کسی که در سرزمین عرفات به‌سر می‌برد، شایسته است از کوه جبل‌الرحمه بالا رفته و دعای خاص آن را بخواند. سالار شهیدان حسین‌بن علی (ع) در قسمت چپ آن کوه، رو به کعبه ایستاد و آن دعای معروف را خواند. راز بالا رفتن از جبل الرحمه، این است که بداند خداوند متعال با هر زن و مرد مؤمنی، مهربان و ولی هر مرد و زن مسلمانی است؛ گرچه ولایت خداوند متعال تکوینی است و او ولی کل است: هُنالِکَ الْوَلایَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ ؛ «در آنجا ثابت شد که ولایت [و قدرت] از آن

ص:90  
خداوند برحق است» . (کهف:۴۴)  
و اگرچه رحمت خداوند متعال فراگیر است، اما آن ولایت و رحمت عام است و در کنار این ولایت و رحمت عامه، رحمت ویژه‌ای نیز دارد که در حق همه نیست: وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ فَسَأَکْتُبُها لِلَّذِینَ یَتَّقُونَ (اعراف:١۵۶)  
در بخش اول آیه، مشخص فرمود که رحمتش فراگیر است و در بخش دوم آن، فرمود: بر خود لازم کرده‌ام که رحمت خاص را شامل متقین سازم؛ زیرا کَتَبَ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ؛ «خداوند متعال رحمت را بر خود لازم کرده است» . (انعام:١٢)  
از مجموع دو آیه، درمی‌یابیم که خداوند متعال بر خود لازم کرده که رحمت خاص خود را به پرهیزگاران بدهد.  
رفتن به بالای جبل‌الرحمه، انسان را به این حقیقت آشنا و عارف می‌کند[(1)](" \l "p90i1)که خداوند متعال، رحمت و ولایت خاصی بر مرد و زن با ایمان و مسلمان دارد. طبیعی است وقتی به این حقیقت مزین شد، نسبت به زن و مرد مؤمن رحمت ویژه‌ای دارد و به آنها ولایت ویژه‌ای پیدا می‌کند و در رفتار، گفتار و نوشتار خود، این سرّ را پیاده می‌سازد.  
در سرزمین عرفات، منطقه‌ای به‌نام «نَمِره» واقع شده است. به فرموده امام سجاد (ع) ، وقتی به این منطقه از عرفات رسیدید، راز و رمزش این

1- جبل الرّحمه، تقریباً در انتهای سرزمین عرفات واقع شده و به طول تقریبی ٣٠٠ متر مستقل از کوه‌های اطراف است.

ص:91  
است که بگویید: «خدایا! به چیزی امر نمی‌کنم؛ مگر آنکه قبلاً خودم به آن عمل کنم و مؤتمر باشم و از چیزی نهی نمی‌کنم، مگر آنکه قبلاً خودم از آن منزجر باشم» .[(1)](" \l "p91i1)  
امر به‌معروف و نهی از منکر بر هر انسان مسلمانی واجب است.  
امر به معروف و نهی از منکر، دارای یک حکم فقهی و یک سرّ است. حکم فقهی آن، این است که عالم به حکم شرعی باشد؛ اگر دید کسی با علم و آگاهی و به عمد حکمی را رعایت نمی‌کند، باید او را راهنمایی کند.  
بدیهی است امر به معروف و نهی از منکر، غیر از تعلیم، موعظه و ارشاد است. [(2)](#p91i2)امر به معروف و نهی از منکر، جنبه ولایت و آمریت دارد؛ گرچه ممکن است در بعضی از موارد، مصداق تعلیم، ارشاد یا موعظه هم قرار گیرد، ولی حقیقت امر به معروف و نهی از منکر، از این موارد جداست.  
در امر به معروف و نهی از منکر، لازم نیست خود انسان درونی پاک داشته یا متّصف به عدالت باشد. عدالت شرط امر به معروف و نهی از

1- کافی، ج ۴، ص ٢۴۵ .  
2- فرق بین «امر به معروف و نهی از منکر» و « موعظه و ارشاد» آن است که حوزه مأموریت امر به معروف و نهی از منکر، «عمل» و حوزه مأموریت موعظه و ارشاد، «انجام‌دهنده عمل» است. امر و نهی می‌گویند: گناه انجام نشود. اما در موعظه اهتمام بر این است که انجام‌دهنده گناه و تارک فریضه، هدایت شود. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، متوجه «قبح فعلی» است و ارشاد و موعظه متوجه «قبح فاعلی» است .

ص:92  
منکر نیست، بلکه علم، آگاهی و احتمال تأثیر از شرایط آن است.  
اما با وجود این، در سرزمین عرفات راز و رمز امر به معروف و نهی از منکر، به عدالت برمی‌گردد؛ بدین‌معنا که انسانی که آمر است، باید پیش از این مؤتمِر باشد. انسانی که ناهی و زاجر است، پیش از این باید منتهی و منزجر باشد و بگوید: خدایا! آن‌چنان توفیقی بر من عنایت کن که هر چه را به دیگران، به عنوان «امر به معروف» امر می‌کنم، ابتدا خود بدان عمل کرده باشم و از آنچه دیگران را نهی می‌کنم، پیش از آن، خود از آن فعل، منزجر شده باشم.  
آری! در اسرار حج، عدالت شرط امر به معروف و نهی از منکر است.  
«نمرات» منطقه وسیعی در عرفات است که با علامت‌های خاصی مشخص شده است. حضرت سجّاد (ع) فرمود:  
روز نهم که وارد سرزمین عرفات شدی و به این منطقه وسیع رسیدی، سرّش آن است که آگاه باشی این سرزمین، سرزمین شهادت، معرفت و عرفان است و بداند که چه کسانی بر روی آن گام می‌نهند و با چه انگیزه‌ای آمده‌اند و با چه انگیزه‌ای برمی‌گردند! گذشته از آنکه خدا و فرشتگان هم شاهدند.  
خداوند تعالی این منطقه و این سرزمین را شاهد اعمال شما قرار داد؛ به‌طوری که خوب می‌داند شما چه می‌کنید. زمین‌هایی که زائران گام بر آن می‌نهند، خود به خوبی روشن می‌سازد که زائر، حاجی و معتمر، به چه نیت آمده و با چه نیتی باز می‌گردند.

ص:93  
صاحب «مستدرک» در حدیثی طولانی به نقل از «تفسیر عسکری» از امام سجاد (ع) نقل می‌کند[(1)](" \l "p93i1)که آن بزرگوار در عرفات، وقوف یافته بود. امام (ع) خطاب به «زهری» فرمود: «به نظر شما، امسال تعداد زائران چقدر است؟» زهری عرض کرد: «چهارصد یا پانصد هزار نفر که همه قصد خدا را کرده‌اند و او را با ناله و ضجه می‌خوانند» . امام (ع) فرمود: «  
مَا أَکْثَرَ الضَّجِیجَ وَ أَقَلَّ الحَجِیجَ» ؛ «چه بسیارند ضجه‌زنان و چه کم‌اند حجّاج» .  
سپس فرمود: «ای زهری! صورتت را نزدیک بیاور» . زهری صورت خود را نزدیک کرد. امام (ع) با دست مبارکش، رخسار او را مسح نمود، سپس گفت: «ببین!» . زهری گفت: «تمام خلق را دیدم که میمون بودند و تنها در هر ده‌هزار نفر یک انسان دیدم» . باز امام فرمود: «زهری صورتت را نزدیک کن» . او چنین کرد و امام بار دیگر صورت زهری را مسح نمود و به او گفت: «نگاه کن» . زهری نگاه کرد و تمام آنها را خوک دید. بار سوم چنین شد و زهری تمام خلق را گرگ دید و تنها تعداد اندکی انسان مشاهده کرد. آن‌گاه رو به امام کرد و گفت: «آیات تو مرا وحشت‌زده کرد و افعال عجیب تو مرا متحیّر» . سپس امام صورت او را مسح نمود و زهری به حالت عادی بازگشت. سپس امام سجاد (ع) گوشه‌هایی از اسرار ملکوتی حج را بیان فرمود.  
کسانی که همچون ستاره‌ای میان تاریکی می‌درخشیدند، حاجیان،

1- مستدرک، ج ١، ص ۶٠٧.

ص:94  
مؤمنان و مخلصان واقعی‌اند که به پیامبر (ص) و اولادش با تمام وجود عشق می‌ورزند و آنهایی که به صورت باطنی، حیوانی بیش نیستند، دشمن‌سرسخت رسول خدا (ص) و اولاد اویند. حاجیان به اندازه نورشان که به اندازه ولایت‌پذیری آنهاست، در عرصات قیامت نمایان می‌شوند.  
نور برخی از آنها به اندازه هزار سال است و برخی دیگر به قدر صد هزار سال و هر صاحب نوری به اندازه نورانیتش توان شفاعت دارد.  
در کعبه دل عید تجلی جمالت ای قوم به حج رفته، کجایید؟ کجایید؟  
سرگشته در آن‌بادیه تاچند بپویید معشوق همین‌جاست، بیایید بیایید  
امیرمؤمنان علی (ع) ، درباره راز وقوف در عرفات فرمود: «عرفات خارج از مرز حرم است و مهمان خدا باید بیرون دروازه، آن‌قدر تضرع کند تا لایق ورود حرم شود» .[(1)](" \l "p94i1)  
حج‌گزار با وقوف در عرفات، باید به معارف واقف شده و از اسرار الهی نظام آفرینش باخبر شود و بداند که خدای سبحان به همه نیازهای او واقف و بر رفع همه آنها تواناست. به یقین، کسی که اینجا، از خدا غیرخدا را طلب کند، زیان کرده است.

##### ب) عرفات، تجلّی‌گاه بندگی

رسول خدا (ص) می‌فرماید:  
اِنَّ اللهَ تَطَوَّلَ عَلی اَهْلِ عَرَفاتٍ یُباهی بهِمُ المَلائِکَةَ یَقُولُ: یا مَلائِکَتی

1- کافی، ج ۴، صص ۴۶ و ٢٢۴.

ص:95  
اُنْظُرُوا اِلی عِبادی شُعْثاً غُبْراً اَقْبَلوُا یَضْرِبُونَ اِلیَّ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ، فَاُشْهِدُکُمْ انّی قَدْ اَجَبْتُ دُعائَهُمْ وَ شَفَّعْتُ رَغْبَتَهُمْ وَ وَهَبْتُ مُسیئَهُمْ لِمُحْسِنِهِمْ وَ اَعْطَیْتُ مُحْسِنَهُمْ جَمیعَ ما سَأَلنَی، غَیْرَ التَّبِعاتِ الَّتی بَیْنَهُمْ.[(1)](" \l "p95i1)  
خداوند بر اهل عرفات نعمت داده، به وسیله آنها بر فرشتگان مباهات کرده، می‌فرماید: ای فرشتگان من! به بندگانم بنگرید، ژولیده و غبار آلود، از هر راه دوری راه سپرده و آمده‌اند. شما را گواه می‌گیرم که دعایشان را مستجاب کرده، خواسته‌شان را برآورم. خطاکارشان را به خاطر نیکوکارشان بخشیدم و به نیکوکارانشان هر چه را که از من خواستند، عطا کردم، جز گناهانی را که میان خودشان دارند (حقّ‌الناس) .  
حاجی در صحرای عرفات، ازدحام خلق را می‌بیند که همه یک‌رنگ و یک‌لباس، به راز و نیاز با خدا مشغول‌اند. حاجیان صدا به نجوا بلند کرده‌اند، در عین حال که هر کدام زبان، رنگ و نژادی خاص دارند. در سرزمین عرفات نژادها، امت‌ها و مردمان متفاوتی جمع شده‌اند. اینها برای چه به این سرزمین آمده‌اند و به چه هدفی دست نیاز به سوی آسمان بلند کرده‌اند؟ این سؤال‌ها تنها یک پاسخ دارند و آن اینکه همه برای توبه و بخشش آمده‌اند؛ آمده‌اند تا خدای سبحان، حاجت و تضرع آنها را ببیند و به آنها نظر عنایت کرده، از آنها درگذرد.  
پس باید قلب را قرین ابتهال و تضرع و سرشار از امید به رحمت

1- مسند ابی‌یعلی، ابن بطی احمد بن علی الموصلی، ج ۴، ص ١۴٧؛ ربیع الابرار، ج ٢، ص٨۴٠.

ص:96  
الهی کرد. اینجا مکان شریفی است؛ اینجا سرزمین رحمت و مغفرت است.  
خداوند در عرفات، به فاجر هم پاسخ می‌دهد، سخن او را می‌شنود و اگر تقاضای دنیوی داشته باشد، آن را تأمین می‌کند. اما اگر در دامنۀ کوه‌های عرفات، حضور یابند و با اخلاص با خدا سخن گویند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت اجابت کرده، گناهانشان را می‌آمرزد.  
وقوف در عرفات، منافعی بیش از این دارد. کسی که در سرزمین نور و معرفت وقوف یابد، گوش و چشم و زبانش هم در امان خواهد ماند. رسول خدا (ص) در بیانی نورانی فرمودند:  
وَ مَنْ وَافَی بِعَرَفَةَ فَسَلِمَ مِنْ ثَلاثٍ أُذُنُهُ لا تَسْمَعُ إِلّا إِلَی حَقٍّ وَ عَیْنَاهُ أَنْ تَنْظُرَ إِلّا إِلَی حَلالٍ وَ لِسَانُهُ أَنْ یَنْطِقَ إِلّا بِحَقٍّ غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ وَ إِنْ کَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ.[(1)](" \l "p96i1)  
کسی که به عرفات بیاید، از سه چیز در امان است: گوشش فقط حق را می‌شنود؛ چشمش فقط به حلال نگاه می‌کند؛ زبانش فقط به حق گویا می‌شود و تمامی گناهانش بخشیده می‌شود. حتی اگر به اندازه کف‌های اقیانوس باشد.  
امیر مؤمنان علی (ع) نیز می‌فرماید:  
آن‌گاه که در حجةالوداع، رسول خدا (ص) حج گزارد، در عرفات وقوف کرد. سپس رو به مردم کرده، سه‌مرتبه فرمود: خوش آمدید فرستادگان

1- مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ۴۴.

ص:97  
خداوند، کسانی که اگر درخواست کنند، به آنان عطا شود و فردای قیامت، در پاداش هر درهم یک هزار حسنه، دریافت دارند.[(1)](" \l "p97i1)  
عرفات، عصر روز نهم است. ولی چرا هنگام وقوف در عرفات، عصر است؟ این سؤال را فردی یهودی از رسول خدا (ص) پرسید. حضرت (ص) نیز فرمود:  
إِنَّ الْعَصْ-رَ هِیَ السَّاعَةُ الَّتِی عَص-َی آدَمُ فِیهَا رَبَّهُ فَفَرَضَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَی أُمَّتِیَ الْوُقُوفَ وَ التَّضَرُّعَ وَ الدُّعَاءَ فِی أَحَبِّ المَوَاضِعِ إِلَیْهِ وَ تَکَفَّلَ لهَمْ بِالجَنَّةِ وَ السَّاعَةُ الَّتِی یَنْ-صَرِفُ بِهَا النَّاسُ هِیَ السَّاعَةُ الَّتِی تَلَقَّی فِیهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحِیم.[(2)](#p97i2)  
[فلسفۀ وقوف در عرفات هنگام عصر، این است که] عصر ساعتی است که آدم پروردگار خویش را عصیان کرد و خداوند بر امت من وقوف و گریه و دعا را در بهترین جایگاه واجب گردانید و اعطای بهشت آنها را به عهده گرفت و آن ساعتی که مردم از عرفات کوچ می‌کنند، همان ساعتی است که آدم، کلماتی را از خداوند دریافت و توبه کرد. همانا خداوند، توبه‌پذیر و مهربان است.  
در نقل دیگری آمده است: «آنان‌که در عرفات وقوف می‌کنند، در حقیقت، پیش روی خدا (بین یدی الله) وقوف کرده‌اند» . [(3)](#p97i3)

1- مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٣۶.  
2- امالی صدوق، ص ١٧١؛ ر. ک: مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ٣٢.  
3- بحارالانوار، ج ٣، ص ٣٢٠.

ص:98  
عرفات، محل شناخت امام (ع) و دست‌یابی به اوست. امام‌صادق (ع) در روز عرفه و موقف عرفات، با صدای بلند بر اهمیت مسئله ولایت و امامت تأکید کرد. عمرو بن ابی‌مقدام در این باره چنین روایت می‌کند که در آن روز، امام صادق (ع) خطاب به مردم با صدای بلند می‌گفت:  
إِنَّ رَسُولَ اللهِ (ص) کَانَ الإِمَامَ، ثُمَّ کَانَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی‌طَالِبٍ، ثُمَّ الحَسَنُ، ثُمَّ الحُسَیْنُ، ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ الحُسَیْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ (علیهم‌السلام) ، ثُمَّ هَهْ.[(1)](" \l "p98i1)  
رسول خدا (ص) امام و ولی شما بود، پس از او، علی بن ابی‌طالب امام است. پس از وی حسن بن علی و پس از او، حسین بن علی و پس از وی علی بن الحسین و پس از او، محمد بن علی (پدرم) امام است. پس از من بپرسید [کنایه از اینکه اکنون من امام شما هستم].  
حضرت، این جملات را سه‌بار و به چهار سوی؛ از پیش‌رو و پشت سر و راست و چپ تکرار کرد که در مجموع دوازده بار سخن آن حضرت به گوش مردم رسید.

##### ج) عرفات، محل استجابت دعا

ابراهیم خلیل (ع) در عرفات به مناسک حج واقف و عارف میشود و دعایش به استجابت می‌رسد. خداوند به این روز و این سرزمین، شرف و عزت بخشید.  
طبق روایت‌هایی، همه حاضران در عرفات، دعای مستجاب دارند؛

1- کافی، ج ۴، ص ۴۶۶.

ص:99  
چه نیکان و چه بدان؛ چنان‌که امام باقر (ع) فرمود:  
ما یَقفُ احدٌ عَلی تِلْکَ الْجِبالِ بَرٌّ وَ لافاجِرٌ اِلَّا اسْتَجابَ اللهُ لَهُ فَامَّا البَرُّ فَیُسْتَجابُ لَه فی آخِرَتِهِ وَدُنْیاهُ، وَ امَّا الْفاجِرُ فَیُسْتَجابُ لَهُ فی دُنْیاه.[(1)](" \l "p99i1)  
احدی از نیکان و بدان نیست که بر این کوه‌ها وقوف کند، مگر اینکه خدا دعای او را به اجابت می‌رساند. دعای نیکان در مورد امور دنیا و آخرتشان مستجاب می‌شود، ولی دعای بدکاران، دربارۀ دنیایشان مستجاب می‌شود.  
به راستی، عرفه و عرفات بهترین موقعیت برای دعا، استغفار و طلب حاجات است. عرفه از اعیاد بزرگ برای زائران، بلکه برای همه مومنان و روز آمرزش و اعتراف است. امام صادق (ع) در حدیث «مصباح‌الشّریعه» ، با اشاره به این مطلب می‌فرماید:  
اعتراف کن و به تجدید عهد خود با خدای یگانه بپرداز. در این روز، دعای امام حسین (ع) و امام سجاد (ع) و سایر ادعیه و اذکار را بخوان و به هر زبان و بیان که میتوانی با خداوند راز و نیاز نموده، در حق دیگران دعا کن تا فرشتگان در حق تو دعا کنند[(2)](#p99i2)  
امام محمد باقر (ع) نیز فرمودند: «روز عرفه، هیچ سائلی دست خالی بر نمی‌گردد» .[(3)](#p99i3)

1- فروع کافی، ج ۴، ص ٢۶٢؛ ر. ک: مستدرک الوسائل، ج١٠، ص٣٠.  
2- مصباح الشریعه، و مفتاح الحقیقه، امام صادق٧، ص۴٧.  
3- وسایل الشیعه، ج ۶، ص ٢٨١.

ص:100

##### د) عرفاتیان، مشمول مغفرت خاصّه الهی‌اند

در برخی از روایت‌ها آمده که تنها وقوف در عرفه، می‌تواند بعضی از گناهان کبیره را بپوشاند. پیامبر اعظم، حضرت محمّد (ص) می‌فرمایند:  
ما رُأِی الشَّیْطانُ فی یَوْمٍ‌ٍ هُوَ أَصغَرُ وَلا أَحْقَرُ وَلا أغیظُ مِنهُ یومَ عَرَفَةَ وَ ما ذلِکَ إلّا لمِا یَری مِنْ نُزوُلِ الرَّحْمَةِ وَ تَجاوُزِ اللهِ عَنِ الذُّنُوبِ الْعِظامِ إذْ یُقالُ مِنَ الذُّنُوبِ ما لا یُکفِّرُها إلّا الْوقُوفُ بِعَرَفَةَ.[(1)](" \l "p100i1)  
دیده نشده شیطان در روزی کوچک‌تر، فرومایه‌تر و خشمگین‌تر از روز عرفه [باشد] و این حقارت و زبونی و خشمگینی شیطان در روز عرفه نیست، مگر بدین‌جهت که می‌بیند نزول رحمت و گذشت و بخشایش خدای را از گناهان بزرگ زائران؛ زیرا برخی گناهان است که آنها را نمی‌پوشاند و مورد بخشایش قرار نمی‌دهد، مگر وقوف در عرفات.  
هنگام غروب روز عرفه، پیامبر اکرم (ص) به «بلال» فرمود مردم را ساکت کن تا مطلبی بگویم. وقتی همه ساکت شدند، فرمود:  
إِنَّ رَبَّکم تَطَوَّلَ عَلیکم فِی هذَا الْیومِ فَغَفَر لِمُحْسِنِ-کُمْ وَ شَفَّعَ مُحْسِنَ-کُم فی مُسِیئِکُم فَاَفیضُوا مَغْفوراً لَکمْ، إِلّا أَهْلَ التَّبِعاتِ فَانَّ الله عَدْلٌ یَأخُذُ لِلضَّعیفِ مِنَ القَوِیِّ.[(2)](#p100i2)  
همانا خداوند بر شما منت گذاشت، نیکان شما را مشمول مغفرت کرد و به شفاعت نیکان، از تقصیر بدان گذشت. اینک حرکت کنید، در حالی که

1- شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، ج ١، ص ٢٢۴.  
2- کافی، ج ۴، ص ٢۵٨؛ ر. ک: وسائل الشیعه، ج٨، ص۶۵.

ص:101  
همه مشمول عفو و رحمت حضرت حق شده‌اید، مگر اهل تبعات [مقصود متجاوزان به حقوق مردم است]؛ چه آنکه خدا عادل است و حق ضعیف را از قوی خواهد گرفت.  
امیرمؤمنان علی (ع) فرمودند: «از پیامبر (ص) سؤال شد: مجرم‌ترین و گناه‌کارترین اهل عرفات کیست؟» پیامبر (ص) فرمود:  
أَلَّذِی یَنْصَرِفُ مِنْ عَرَفاتٍ وَهُوَ یَظُنُّ أنَّهُ لَمْ یُغْفَرْ لَهُ. . . . [(1)](" \l "p101i1)  
آن که از عرفات برگردد و گمان کند، مورد آمرزش خداوند متعال قرار نگرفته است.  
امام صادق (ع) در توضیح این سخن می‌فرماید: «  
یَعنی الَّذی یَقنَطُ مِن رَحمَةِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ »[(2)](#p101i2)؛ «یعنی، کسی که از رحمت خداوند متعال مأیوس و ناامید باشد» .  
همچنین، پیامبر (ص) فرمود: «  
مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبٌ، لا تُغْفَرُ إِلّا بِعَرَفاتٍ » [(3)](#p101i3)؛ «بخشی از گناهان، گناهانی هستند، که جز در عرفات بخشیده نمی‌شوند» .  
و نیز فرمود:  
فَإذا وَقَفْتَ بِعَرَفاتٍ. . . فَإِنْ کانَ عَلَیْکَ مِنَ‌الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عاِلجٍ أَوْ بِعَدَدِ نَجُومِ السَّماءِ أَوْ قَطْرِ المَطَرِ لَغَفَرَهَا اللهُ لَکَ. . . . [(4)](#p101i4)

1- من لایحضره الفقیه، ج ٢، ص ١٣٧؛ الجعفریات، ابوعلی محمد بن اشعث کوفی، ص ١١٣؛ مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص٣٠.  
2- همان؛ الجعفریات، ص ١١٣.  
3- الجعفریات، ص ١١٣، مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ٣٠؛ ر. ک: وافی، ج٢، ص۴٢؛ کافی، ج۴، ص٢۶٢.  
4- تهذیب، ابوجعفر محمد بن حسین طوسی، ج ۵، ص ٢۵.

ص:102  
آن‌گاه که در عرفات وقوف کنی، چنانچه گناهانت به تعداد شن‌های شن‌زار یا ستارگان آسمان یا قطرات باران باشد، خداوند آنها را خواهد بخشید.  
امام صادق (ع) فرمود:  
هیچ مرد مؤمنی، از اهل هر روستا و شهری که باشد، در عرفات وقوف نکند، جز آنکه خداوند، اهالی مؤمن آن محل را ببخشاید و هیچ مرد مؤمنی از خانواده‌ای با ایمان، در عرفات وقوف نکند، مگر آنکه خداوند، مؤمنان از آن خاندان را بیامرزد .[(1)](" \l "p102i1)  
جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود:  
آمرزش بر اهل عرفات در همان لحظه حرکت و لحظات آغازین روز عرفه نازل می‌شود. آن‌گاه شیطان بر سر خویش خاک ریخته، شیون و زاری می‌کند. پس دیگر شیاطین گرداگرد او جمع شده، می‌گویند: «تو را چه شده است؟ !» می‌گوید: «مردمی که در مدت شصت، هفتاد سال نابودشان کردم، در یک چشم به هم زدن آمرزیده شدند» .[(2)](#p102i2)مرادِ شیطان، حاجیانی هستند که در عرفات حاضر شده‌اند.  
پیامبر (ص) فرمود: «کسی که گوش و چشم و زبانش را در روز عرفه نگه دارد، خداوند او را از عرفه تا عرفه دیگر حفظ می‌کند» .[(3)](#p102i3)  
ابن عباس در مورد حدیث فوق آورده است:  
فضل بن عباس (در عرفات) ، کنار رسول خدا (ص) ایستاده بود و به زنان نگاه

1- وافی، ج ٢، ص ۴٢.  
2- اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ١۵.  
3- همان، ص ١٨.

ص:103  
می‌کرد، پیامبر (ص) چشم او را برگردانید و فرمود: «امروز روزی است که اگر کسی گوش و چشم و زبانش را جز از حق، نگه دارد، گناهش آمرزیده می‌شود» .[(1)](" \l "p103i1)  
ابن عباس می‌گوید:  
پیامبر (ص) را در غروب روز عرفه در عرفات دیدم که دست‌هایش را تا سینه بالا آورده، دعا می‌کرد؛ همان‌گونه که مسکین از دیگران غذا طلب می‌کند.[(2)](#p103i2)  
در روایتی آمده که بیشترین ذکر رسول خدا (ص) در روز عرفه، این عبارت بود: «  
لا إله إلّا الله وَحده لا شریک له، له المُلک وَ لَه الحَمد وَ هُو عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیر » .[(3)](#p103i3)  
عبیدالله بن گریز نیز می‌گوید که رسول خدا (ص) فرمود: «برترین دعا، دعای روز عرفه است» .[(4)](#p103i4)

##### ه) عرفات، درِ ورود به حرم

از امیرمؤمنان علی (ع) دربارۀ راز وقوف در عرفات و عدم وجوب وقوف در حرم، سؤال شد، حضرت فرمود:  
لأنَّ الکَعْبَةَ بیتُهُ والحَرَمَ بابُهُ فَلَمَّا قَصَدُوهُ وافِدینَ وَقَفَهُم بِالبابِ

1- اخبار مکه، ج ۵، ص ٢١.  
2- همان، ص ٢۴.  
3- همان.  
4- همان، ص ٢۵.

ص:104  
یَتَضَرَّعُونَ.  
چون کعبه، خانه خداست و حرم، درِ آن خانه است. پس چون آهنگ آن را کنند خداوند آنها را کنار آن در نگه دارد تا به درگاهش تضرّع کنند.  
سؤال شد: چرا مشعرالحرام در حرم قرار داده شد؟ حضرت (ع) فرمود:  
لأَنَّهُ لمّا أَذِنَ لَهمْ بِالدُّخُولِ وَقَفَهُمْ بِالْحِجَابِ الثَّانِی فَلَمَّا طَالَ تَضَرُّعُهُمْ بِهَا أَذِنَ لَهمْ لِتَقْرِیبِ قُرْبَانِهِمْ فَلَمَّا قَضَوْا تَفَثَهُمْ تَطَهَّرُوا بِهَا مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِی کَانَتْ حِجَاباً بَیْنَهُمْ وَبَیْنَهُ أَذِنَ لهَمْ بِالزِّیَارَةِ عَلَی الطَّهَارَهِ.[(1)](" \l "p104i1)  
چون وقتی خداوند به زوّار اذن دخول داد، آنها را در حجاب دوم نگاه داشت و هنگامی که تضرع آنها در آنجا به درازا انجامید، بدان‌ها رخصت داد تا قربانی‌های خود را نزدیک کنند تا چون پلیدی و چرک خود را گذاردند و به قربانی‌ها از گناهانی که میان آنها و خدا حجاب شده بود، پاک شدند، اجازه دهد با طهارت، بیت‌الله را زیارت کنند.

##### و) مقام شفاعت

خداوند به حج‌گزار مقام شفاعت می‌دهد. اگر کسی توفیق زیارت خانه خدا را پیدا کرد، در آخرت از دیگران می‌تواند شفاعت کند. این مژده را امام جعفر صادق (ع) داد:

1- وسائل الشیعه، ج ٨، صص ١۵٩و ١۶٠

ص:105  
کسی‌که در عرفات وقوف کند، برای هر کس دعا کند، اجابت می‌شود. حاجی شفاعتش برای فرزندانش، اهل خانه‌اش و همسایگانش پذیرفته می‌شود.[(1)](" \l "p105i1)  
شفاعت فقط در اختیار خداست. افراد تنها با اذن خداوند می‌توانند به این مقام بزرگ دست یابند و تنها شفاعت این دسته از انسان‌هاست که پذیرفته می‌شود.  
یَوْمَئِذٍ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ رَضِیَ لَهُ قَوْلاً (طه:١٠٩)  
در آن روز، شفاعت هیچ [کس] سود نبخشد، جز آن کسی که خدای رحمان به او اذن داده و از گفتار او راضی است.  
خداوند مقام شفاعت را به بعضی از انسان‌ها داده است. انبیا و اولیا، صاحبان شفاعت الهی‌اند. شهدا هم اجازه شفاعت دارند.

#### ٣. عرفات در آیینۀ کلام بزرگان اهل سلوک

##### الف) توصیه‌های اخلاقی

عارف روشن‌ضمیر، میرزا جوادآقا ملکی تبریزی (رحمه‌الله) گوید:  
منتهای جدیّت خود را به خرج بده که در عرفات، به کمال معرفت نائل شوی و بدان که اجتماع حاجیان برای دعا در یک میدان و صحنه واحد، به‌ویژه به لحاظ حضور صالحان و اهل باطن از ابدال و اوتاد یا غیر آنها از

1- جعفریات، ص ۶۶.

ص:106  
کاملان - که هیچ وقت حج از بعضی از آنان خالی نیست-، لامحاله با اجتماع دل‌ها و همت‌ها، برای طلب نزول رحمت و طلب باران، ابرهای جود و کرم که گردن‌ها کشیده و دیده‌ها خیره شده [برای آن] و تضرع و زاری و ابتهال خود، شاید علت تامه اجابت دعا باشد و برای اجتماع دل‌ها و همت‌ها، تأثیر خاصی است در انجام مقاصد و وصول به مطالب. از این رو، گفته‌اند: «از عظیم‌ترین گناهان آن است که کسی در عرفات حاضر شود و گمان کند که خدای تعالی او را نیامرزیده است» .[(1)](" \l "p106i1)  
استاد عارفان، شیخ محمد بهاری همدانی نیز گوید:  
در عرفات، از این ازدحام خلق و بلندکردن صداهای خودشان به انواع تضرع و زاری و التماس به اختلاف زبان‌ها و افتادن هر گروهی پی‌ائمه خودشان و نظر به شفاعت او داشتن، حکایت محشر را یاد آورد. اینجا کمال تضرع و الحاح را بکند تا آنجا مبتلا نشود و بسیار ظن قوی داشته باشد بر حصول مراداتش؛ زیرا که روز شریف و موقف عظیم و نفوس مجتمع و قلوب به سوی الهی منقطع و دست‌های اولیا و غیرهم به سوی او -جلّ‌شأنه- بلند شده و گردن‌ها به سوی او کشیده شده، چشم‌ها از خوف او گریان و بندها از ترس او لرزان و روز، روز احسان و ابدال و اوتاد در محضر حاضر. بنای سلطان بر بخشش و انعام و همچنین روز خلعت‌پوشی صدراعظم دولت عِلّیّه عَجَّلَ اللهُ فَرَجَه وسَهَّل مَخْرَجَهَ [است]. در چنین روزی، استبعاد ندارد، حصول فیض به اعلا مدارجه بالنسبه به کافه ناس و

1- المراقبات، میرزا جوادآقا ملکی تبریزی، ج ٢، ص ٢٢۵.

ص:107  
خلایق. آیا گمان به خالق خود داری که سعی تو ضایع گرداند، یا اینکه منقطع شده‌ای از اهل و اولاد و وطن. آیا رحم نمی‌کند غربت تو را  
«ماهکَذَا الظَّنُّ بِهِ وَلا المَعْرُوفُ مِن فَضْلِه» [: چنین گمانی به او نیست و آنچه از فضل او معروف است، این نیست] و از اینجاست که در حدیث وارد شده [است]:  
«من اعظم الذُّنوبِ ان یَحْضُ-رَ العَرَفاتِ ویَظُنَّ انَّهُ لایُغْفَرُ لَهُ» .[(1)](" \l "p107i1)  
عارف ربانی ملا احمد نراقی نیز نویسد:  
[حج‌گزار] چون به عرفات حاضر شد، نظر به ازدحام خلایق کند و ببیند که مردمان به لغت‌های مختلف، صداها بلند کرده‌اند و هر یک به زبانی به تضرع و زاری مشغول‌اند و هر کدام به طریقه امام و پیشوای خود، آمد و شد می‌کنند [پس]، یاد آورد عرصه قیامت و احوال آن روز پر هول و وحشت را و پراکندگی مردمان را در آنجا، حیران و سرگردان و هر امتی به‌گرد پیغمبر و امام خود جمع شده و چشم شفاعت بر او انداخته. پس، چون به این فکر افتاد، دست تضرع بردارد و با نیت خالص به درگاه خدا بنالد که خدا حج او را قبول کند و او را در زمره رستگاران محشور سازد و چنان داند که نومید نخواهد شد؛ چه آنکه روز، روز شریف و موقف، موقف عظیمی است و بندگان خدا از اقطار زمین در آنجا جمع‌اند و دل‌های همه، به خدا منقطع است و همت‌های همه مصروف دعا و سؤال است و دست‌های همه به درگاه پادشاه بی‌نیاز بلند است و همگی چشم بر در فیض

1- تذکرة المتقین، شیخ محمدبهاری، صص ٩١ و ٩٢.

ص:108  
و رحمت او انداخته و گردن‌ها به لطف و کرم او کشیده و البته چنین موقفی از نیکان و اخیار خالی نیست، بلکه ظاهر آن است که ابدال و اوتاد ارض، در خدمت صاحب عصر در آنجا حاضرند. پس دور نیست که از حضرت ذوالجلال، به واسطه دل‌های پاک و نفوس مقدسه و رحمت برکافه مردمان، فائض شود و چنان گمان نکنی که همه این خلایق، آنجا جمع‌اند و با هزار امیدواری، راه دور و درازی پیموده و اهل و وطن را دور افکنده و کربت و غربت بر خود قرار داده و رو به در خانه چنین کریمی آورده‌اند، خداوند کریم همه را ناامید کند و سعی‌شان را نابود سازد و بر غریبی ایشان ترحم نکند؟ زینهار! زینهار! دریای رحمت از آن وسیع‌تر است که در چنین حالی تنگی کند و از این جهت، رسیده است که بدترین گناهان آن است که آدمی به عرفات حاضر شود و چنان گمان کند که خدا او را نیامرزیده است.[(1)](" \l "p108i1)  
آری! میهمان حق، در عرفه با خدایش صحبت و راز و نیاز می‌کند و در مناجات خود، شرح پریشان‌حالی و درماندگی خود را، یک به یک یادآور می‌شود.  
در این زمینه، صاحب کتاب «الحقایق» گوید:  
در آنجا باید با کمال تضرع و زاری، به حضرت کردگار توجه پیدا کند تا وی را در جمله رستگاران و مرحومان قرار دهد و تیر آرزویش را به

1- معراج السعادة، ملا احمد نراقی، صص ٧٠٠ و ٧٠١؛ ر. ک: جامع السعادات، ملامهدی نراقی، ج ٣، ص ٣٩۴.

ص:109  
هدف اجابت برساند. موقف [عرفات]، مکان شریفی است و رحمت واسعه الهی، به برکت نفس گرم او. . . ریزش دارد و شکی نیست که در عرفات، گروهی از صالحان و پاکیزه‌دلان موجودند و چون همه به اجتماع، از در زاری و تضرع درآیند و دست‌ها به جانب آسمان بلند سازند و گردن‌ها کشیده، چشمِ انتظار بگشایند و از وی طلب آمرزش کنند، بلاشک، آرزوهایشان برآورده شده و سعی‌شان مشکور است.[(1)](" \l "p109i1)

##### ب) داستان‌های عرفانی

###### اظهار پشیمانی از اعمال گذشته

روزبهان بقلی شیرازی، در عرفات ایستاده بود. وقت دعا، خلق دست برداشته بودند و دعا می‌کردند و حاجت می‌طلبیدند.  
جوانی را دید خاموش بود. شخصی بر او رفت و گفت: «ای جوان! زمان اجابت است. مکانی مکرم است و زمانی معظم. چرا دعایی نمی‌کنی و حاجتی نمی‌طلبی و دستی برنمی‌داری؟»  
گفت: «ای عزیز! چه کنم؟ اگر زبان است، آلوده است از غیبت و اگر دست است، در معصیت. دست و زبانی ندارم که شایسته آن باشد که حاجتی طلبم یا به دعایی بردارم. مرا روی خواستن و طلب کردن و گفتن نیست. اگر تو را هست، بگو و بخواه» .[(2)](#p109i2)

1- الحقایق، ص ۵٣۶.  
2- روز بهان‌نامه، ص ١١۶؛ داستان عارفان، محمدتقی فعالی، صص ۴۴ و ۴۵.

ص:110

###### پاداش عمل

هزار بار پیاده طواف کعبه کنی قبول حق نشود گر دلی بیازاری[(1)](" \l "p110i1)  
شخصی به نام عبدالجبار مستوفی به حج می‌رفت. او هزار دینار زر همراه خود داشت. روزی از کوچه‌ای در کوفه رد می‌شد که اتفاقاً به خرابه‌ای رسید. زنی را دید که در آنجا جست‌وجو می‌کرد و دنبال چیزی بود. ناگاه در گوشه‌ای مرغ مرده‌ای را دید، آن را زیر چادر گرفت و از آن خرابه دور شد.  
عبدالجبار با خود گفت: «همانا این زن احتیاج دارد، باید ببینم که وضع او چگونه است؟» در عقب او رفت تا اینکه زن داخل خانه‌ای شد.  
کودکانش پیش او جمع شدند و گفتند: «ای مادر! برای ما چه آورده‌ای که از گرسنگی هلاک شدیم؟» زن گفت: «مرغی آورده‌ام تا برای شما بریان کنم» .  
عبدالجبار چون این سخن را شنید، گریست و از همسایگان آن زن، احوالش را پرسید. گفتند: «زن عبدالله بن زید علوی است. شوهرش را حجاج کشته و کودکانش را یتیم کرده است. مروت خاندان رسالت وی را نمی‌گذارد که از کسی چیزی طلب کند» .  
عبدالجبار با خود گفت: «اگر حج خواهی کرد، حج تو این است» . آن هزار دینار زر از میان باز کرد و به آن خانه رفت و کیسه زر را به زن

1- مولوی.

ص:111  
داده، بازگشت و خودش در آن سال، در کوفه ماند و به سقایی مشغول شد. چون حاجیان مراجعه کردند و به کوفه نزدیک شدند، مردمان به استقبالشان رفتند. عبدالجبار نیز رفت. چون نزدیک قافله رسید، شترسواری جلو آمد و بر وی سلام کرد و گفت: «ای خواجه عبدالجبار! از آن روز که در عرفات، هزار دینار به من سپرده‌ای، تو را می‌جویم. زر خود را بستان» . آن فرد ده‌هزار دینار به وی داد و ناپدید شد.  
آوازی برآمد که ای عبدالجبار! هزار دینار در راه ما بذل کردی، ده هزار دینارست فرستادیم و فرشته‌ای را به صورت تو خلق کردیم تا از برایت هر ساله حج گزارد تا زنده باشی که برای بندگانم معلوم شود که رنج هیچ نیکوکاری به درگاه ما ضایع نیست.[(1)](" \l "p111i1)

###### غفّارالذّنوب

یکی از بزرگان پادشاه ستمگری را دید که در عرفات، پای برهنه روی سنگریزه‌های گرم ایستاده و دست به دعا برداشته بود و می‌گفت: «بار خدایا! تو تویی و من منم. کار من آن است که هر زمان سر تا پا غرق گناه شدم و کار تو آن است که غفّارالذّنوب هستی. بر من رحمت کن» . یکی از بزرگان گفت: «بنگرید که جبّار زمین پیش جبّار آسمان چه راز و نیاز می‌کند» .[(2)](#p111i2)

1- مصابیح القلوب، ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری، صص ٢٨٠ و ٢٨١؛ الرسالة العلیة، صص ٩۴ و ٩۵؛ ریاحین، ج ٢، ص ١۴٩.  
2- کشکول ناصری، ناصر کرباسیان، ص ١٠٠.

ص:112

###### رحمت بی‌منتهای الهی

نقل است که «فضیل عیاض» روزی به عرفات ایستاده بود و در خلق نظاره می‌کرد و تضرع و زاری خلایق می‌شنید. گفت: «سبحان‌الله! اگر چندین خلایق نزدیک شخصی روند و از وی مقداری زر خواهند، ایشان را ناامید نگرداند. بر تو که خداوند کریم غفاری، آمرزش ایشان آسان‌تر است از مقداری زر بر آن مردم و تو اکرم الاکرمینی. امید آن است که همه را بیامرزی» .[(1)](" \l "p112i1)

###### امید به درگاه خداوند

[(2)](#p112i2)  
زیر شمش-یرِ غمش، رقص‌کنان باید رفت کانکه شد کشتۀ او، نیک سرانجام افتاد  
مالک بن دینار گوید که سفر حج کردم، جماعتی را در عرفات دیدم. به خود گفتم: «کاش می‌دانستم حج کدام یک از اینها مقبول است، تا او را تهنیت بگویم و حج کدام یک مردود است، تا او را تعزیت بدهم» . در خواب دیدم گوینده‌ای می‌گوید: «خداوند همه این جماعت را به نعمت

1- تذکرة الاولیاء، عطار نیشابوری، ص ٧۵.  
2- آیه‌های بسیاری از قرآن کریم به امید بر رحمت خداوند اشاره دارند: قُلْ یا عِبادِی الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ زمر:۵٣ وَ لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ اعراف:۵۶ تَتَجافی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ سجده:١۶ رَغَباً وَ رَهَباً وَ کانُوا لَنا خاشِعِینَانبیاء:٩٠

ص:113  
مغفرت معزز فرموده، مگر محمد بن هارون بلخی را که حج او مردود است» . زمانی که صبح شد، به نزد اهالی خراسان آمدم و از ایشان احوال محمد بن هارون بلخی را پرسیدم، گفتند: «آن مردی عابد و زاهد است. او را در خرابه‌های مکه باید پیدا کنی» . بعد از گردش زیاد، او را در خرابه‌ای دیدم که دست او در گردنش بسته و زنجیر در پاهایش بود و او در حالت نماز است. همین که مرا دید، پرسید: «تو کیستی؟» گفتم: «مالک بن دینار» . گفت: «خواب دیده‌ای؟» گفتم: «آری!» گفت: «هر سال مردی صالح مثل تو، در خصوص من خواب می‌بیند» . گفتم: «سبب این امر چیست؟» گفت:  
من شراب می‌خوردم، مادرم هم مانع می‌شد. روزی من با حالت مستی او را اذیت فراوان کردم و. . . پس از آنی که از مستی به حال آمدم، زنم مرا خبردار کرد که به چنین کار بدی دست زده‌ام. آن دست خودم را بریدم و پایم را به زنجیر بستم و هر سال، حج می‌کنم و دعا و استغاثه می‌نمایم و می‌گویم: «ای کاشف همّ و غمّ! شفا ببخش همّ و غمّ مرا و راضی فرما مادر مرا تا از جرم و تقصیر من عفو کند» . این‌قدر بدان که بعداً از عمل خود دست کشیدم و ٢۶ غلام و کنیز آزاد کردم و. . .  
مالک گوید: «گفتم ای مرد! نزدیک بود با این عملت، تمام روی زمین را بسوزانی» . مالک گوید که همان شب، حضرت رسول (ص) را در خواب دیدم، فرمود:  
ای مالک! مردم را از رحمت خدای تعالی محروم نگردان. دانسته باش که خدای تعالی به حال محمد بن هارون توجه فرمود و دعای او را مستجاب

ص:114  
کرد و گناهانش را عفو نمود. او را خبردار نما که سه روز از روزهای دنیا، در میان آتش می‌ماند، خداوند دل مادر او را به وی مایل می‌کند و به ترحم می‌آورد و تا مادرش او را حلال می‌کند، مادر و فرزند هر دو با هم، داخل بهشت می‌شوند.  
مالک گوید:  
من آمدم و خواب خود را به او نقل کردم. همین که این مژده را شنید، روح او از بدنش مفارقت کرد. من او را غسل دادم و کفن کردم. سپس بر او نماز خواندم و دفنش نمودم.[(1)](" \l "p114i1)

###### عرفات، تجلی‌گاه لطف الهی

روزی جناب میرزا مهدی آشتیانی در منزل مرحوم آیت‌الله حجّت بودند. ایشان در آنجا چنین تعریف کردند که اینجانب دچار یک بیماری سختی شدم که برای معالجه آن، هم در کشور بسیار تلاش کردم و هم به خارج از کشور سفر کردم، اما معالجه نشد و از باز یافتن سلامتی خویش نومید شدم.  
در سال ١٣۶۵ه. ق که توده‌ای‌ها، تسلط شوم خود را بر شمال و آذربایجان استحکام بخشیدند، اینجانب با اتوبوس عازم مشهد بودم که در میان راه، حالم به هم خورد؛ به‌گونه‌ای که راننده و مسافران اتوبوس فکر کردند دچار سکته قلبی شده‌ام. به همین جهت، ماشین را متوقف کردند و مرا بیرون آوردند تا برای نجات من کاری بکنند.

1- رنگارنگ، علی‌اکبر عماد، ج ٢، ص ۶٣.

ص:115  
اما من در همان حال، در عالم دیگری بودم. دیدم که در صحرای عرفات هستم و انوار بسیاری در آنجا به آسمان پرتوافکن است و انبوه مردم بدان سو چشم دوخته‌اند، پرسیدم: «چه خبر است؟» گفتند: «پیامبر گرامی (ص) حضور دارند» .  
به سوی آن حضرت رفتم که دیدم چهارده خیمه در کنارهم به یکدیگر نصب شده که بزرگ‌ترین آنها از آن پیامبر (ص) است. وارد شدم و ضمن عرض سلام، خواستم بیماری خود را بازگویم که پیامبر با مهر و محبّت بسیاری فرمودند: «از آنجایی که شما زائر پسرم رضا هستی، برو به خود او بگو» . به خیمه حضرت رضا (ع) رفتم و پس از عرض سلام، سه حاجتی که داشتم باز گفتم. آن حضرت جواب مرا دادند. در این حال بود که به هوش آمدم، دیدم در میان بیابان و در حلقه مسافران اتوبوس هستم.  
در آن محفل، آیت الله حجّت اظهار داشتند:  
من مدت‌ها در مورد این روایت که می‌فرماید: «إنّ الله یَتَجلّی لأَهْلِ عَرَفاتٍ» ؛ «خداوند تجلّی می‌کند بر اهل عرفات» ، می‌اندیشیدم و اکنون برای من روشن شد که تجلّی خدا در عرفات، عبارت از تجلی پیام‌آور او بر مردم و تجلی خدا بر پیامبر گرامی (ص) و خاندان وحی و رسالت (علیهم‌السلام) است.[(1)](" \l "p115i1)  
کِی رف-تهای ز دل که تم-نا کنم تو را کِی بودهای نهفته که پیدا کنم تو را  
غیبت نکردهای که شوم طالب حضور پنهان نگشتهای که هویدا کنم تو را [(2)](#p115i2)

1- کرامات صالحین، محمدرازی شریف، صص ٢۶۵ و ٢۶۶.  
2- فیض کاشانی.

ص:116

ص:117

### گفتار سوم: صحرای عرفات، صحنه نیایش اولیای الهی

#### اشاره

مدّعی خواست که آید به تماشاگه راز دست غیب آمد و بر سینهنامحرم زد[(1)](" \l "p117i1)

#### ١. وقوف انبیای عظام (علیهم‌السلام) در صحرای عرفات

##### الف) حضرت آدم (ع) و صحرای عرفات

خداوند متعال می‌فرماید:  
فَتَلَقَّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ فَتابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ (بقره:٣٧)  
آدم (ع) از پروردگارش کلماتی دریافت داشت [و با آنها توبه کرد] و خداوند، توبه او را پذیرفت؛ زیرا او توبهپذیر و مهربان است.

1- حافظ.

ص:118  
طبق روایت امام صادق (ع) ، حضرت آدم (ع) پس از خروج از جوار خداوند و فرود به دنیا، چهل روز هر بامداد بر فراز کوه «صفا» با چشم‌گریان در حال سجود بود؛ تا اینکه جبرئیل بر او فرود آمد و پرسید: «ای آدم! چرا گریه میکنی؟» حضرت آدم (ع) پاسخ داد: «چگونه میتوانم گریه نکنم، در حالی که خداوند مرا از جوارش بیرون رانده و در دنیا فرود آورده است» . جبرئیل فرمود: «ای آدم! به درگاه خدا توبه کن و به سوی او باز گرد» . حضرت آدم (ع) گفت: «چگونه توبه کنم؟» جبرئیل در روز هشتم ذیالحجه آدم را به منا برد. آدم (ع) شب را در آنجا ماند و صبح، با جبرئیل به صحرای عرفات رفت. جبرئیل به هنگام خروج از مکه، احرام بستن را به او یاد داد و به او لبیک گفتن را آموخت و چون بعد از ظهر روز عرفه فرا رسید، تلبیه را قطع و به دستور جبرئیل غسل کرد و پس از نماز عصر، آدم (ع) را به وقوف در عرفات واداشت و کلماتی که از پروردگار دریافت کرده بود را به وی تعلیم داد. این کلمات عبارت بودند از:  
سُبْحانَکَ اللّهُمَّ وَ بِحَمْدِکَ لا اِلهَ إِلّا اَنْتَ عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسی وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبی اِغْفِرْلی اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ.  
خداوندا! با ستایشت، تو را تسبیح میگویم. جز تو خدایی نیست کار بد کردم و به‌خود ظلم نمودم. به‌گناه خود اعتراف میکنم؛ تو مرا ببخش که تو بخشنده مهربانی.  
حضرت آدم (ع) تا هنگام غروب آفتاب، همچنان دستش رو به آسمان بلند بود و با تضرع اشک میریخت. هنگامی که آفتاب غروب کرد،

ص:119  
همراه جبرئیل، روانۀ مشعر شد و شب را در آنجا گذراند و صبح‌گاهان، در مشعر به پاخاست و در آنجا نیز با کلماتی به دعا پرداخت و به درگاه خداوند توبه کرد.[(1)](" \l "p119i1)  
عرفات، جایگاه شناخت و معرفت خداوند متعال است. در عرفات، حجاب‌ها از جلوی چشمان حضرت آدم (ع) برداشته شد که در ساق عرش اسمای مقدّس خَمسةُ النُجباء را دید و به تعلیم جبرئیل گفت: «  
یا حَمیدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ یا عالی بِحَقِّ عَلیٍّ یا فاطِرُ بِحَقِّ فاطِمَةَ یا مُحْسِنُ بِحَقِّ الَحسَنِ وَالُحسَیْنِ. . . وَمِنْکَ الإِْحْسانُ » .  
همین که اسم امام حسین (ع) را بر زبان جاری کرد، اشک از چشم‌هایش ریخته، قلبش پریشان شد. سببش را از جبرئیل پرسید و جبرئیل مصیبت آن حضرت را بیان فرمود. حضرت آدم (ع) و ملائکه گوش داده، گریه میکردند.[(2)](#p119i2)

##### ب) حضرت ابراهیم (ع) و صحرای عرفات

جبرئیل در ظهر روز عرفه، به ابراهیم (ع) گفت: «ای ابراهیم! به گناهان خود اعتراف کن و مناسک را بشناس» . از این جهت که جبرئیل به آن حضرت گفت: «  
اِعتَرِف » ، آنجا را عرفات نامیدند. در جهت شمالی این دشت، کوهی است که «جبل‌الرحمة» نام دارد. در این وادی، ابراهیم (ع)

1- تفسیر برهان، سیدهاشم بحرانی، ج١، ص٨۶.  
2- بحارالانوار، ج۴۴، ص٢۴۵.

ص:120  
چگونگی عمل حج را از فرشته وحی جبرئیل آموخت و در برابر جبرئیل می‌فرمود: «  
عرفتُ، عرفتُ » ؛ «شناختم، شناختم» .

##### ج) حضرت خضر (ع) و صحرای عرفات

امام رضا (ع) فرموده‌اند:  
خضر (ع) از آب حیات نوشید. پس، زنده است و نمی‌میرد، تا در صور، دمیده شود. او نزد ما می‌آید و سلام می‌دهد و ما صدایش را می‌شنویم؛ ولی خودش را نمی‌بینیم. همانا او در آنجا حضور می‌یابد که یاد شود. پس هر یک از شما که او را یاد کرد، بر او سلام دهد. همانا او هر سال، در موسم حج، حضور می‌یابد و همه عبادات را انجام می‌دهد و در عرفات، وقوف می‌کند و به دعای مؤمنان، «آمین» می‌گوید. به زودی، خداوند به واسطه او، وحشت قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل می‌کند و تنهایی‌اش را به وسیله او، وصل می‌گرداند.[(1)](" \l "p120i1)

##### د) پیامبر گرامی اسلام (ص) و صحرای عرفات

دامنۀ کوه عرفات در زمان صدر اسلام، کلاس صحرایی پیامبر اسلام (ص) بود و بنا به گفتۀ مفسران، آخرین سورۀ قرآن در صحرای عرفات بر پیامبر (ص) نازل شد[(2)](#p120i2)و پیامبر (ص) این سوره را که از جامع‌ترین

1- کمال‌الدین، ابن بابویه قمی صدوق، ص٣٩٠؛ به نقل از: الخرائج و الجرائح، حسن بن علی بن فضال، ج٣، ص١١٧۴. به نقل از امام عسکری٧. همچنین ر. ک: بحارالانوار، ج ١٣ ص ٢٩٩.  
2- تفسیر مجمع‌البیان، طبرسی، ج٣، ص١۵٠؛ تفسیر البرهان، ج١، ص۴٣٠.

ص:121  
سوره‌های قرآن و دارای پیمان‌های گوناگونی با ملل یهود، مسیحی و مسلمان و علمای آنهاست و قوانین و احکام کلی اسلام را در بردارد، به مردم و شاگردانش تعلیم فرمود.  
طبق نقل مشهور میان محدثان، در چنین روزی، پیامبر (ص) در اجتماع عظیم و باشکوه حجاج فرمودند:  
. . . ای مردم! سخنان مرا بشنوید؛ شاید دیگر شما را در این نقطه ملاقات نکنم. . . شما به زودی به سوی خدا باز میگردید. در آن جهان، به اعمال نیک و بد شما رسیدگی میشود. من به شما توصیه میکنم هرکس امانتی نزد اوست، باید به صاحبش برگرداند. هان ای مردم! بدانید ربا در آیین اسلام، اکیداً حرام است. از پیروی شیطان بپرهیزید. به شما سفارش میکنم که به زنان نیکی کنید؛ زیرا آنان امانتهای الهی در دست شما هستند، و با قوانین الهی بر شما حلال شدهاند. . . .[(1)](" \l "p121i1)

#### ٢. حضور امام عصر (عج) در عرفات

##### اشاره

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل بگو بسوز که مهدی دین‌پناه رسید  
صبا بگو که چِها بر سرم درین غم عشق ز آتش دل سوزان و دود آه رسید  
زشوق روی تو شاها بدین اسیر فراق همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید  
مرو بخواب که حافظ به‌بارگاه قبول ز ورد نیم‌شب و درس صبح‌گاه رسید[(2)](#p121i2)

1- السّیرة النّبویة، ابن هشام، ج۴، ص٢۵٠.  
2- حافظ.

ص:122  
امام سجاد (ع) در دعای روز عرفۀ خود، می‌فرماید:  
أللّهُمَّ إِنَّکَ أیَّدْتَ دینَکَ فی کُلِّ أوانٍ بِإِمامٍ أقَمْتَهُ عَلَماً لِعِبادِکَ، وَ مَناراً فی بِلادِکَ بَعْدَ أنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِکَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّریعَةَ إِلی رِضْوانِکَ، وَ افْتَرَضْتَ طاعَتَهُ وَ حَذَّرْتَ مَعْصِیَتَهُ، وَ أمَرْتَ بِامْتِثالِ أوامِرِه، وَ الاِنْتِهاءِ عِنْدَ نَهْیِه، وَ ألّا یَتَقَدَّمَهُ مَتَقَدِّمٌ، وَ لایَتَأخَّرَ عَنْهُ مُتَأخِّرٌ، فَهُوَ عِصْمَةُ اللائِذینَ، وَ کَهْفُ المُؤْمِنینَ، وَ عُرْوَةُ المُتَمَسِّکینَ، وَ بَهاءُ الْعالَمینَ.  
خدایا! در هر زمان دین خویش به امامی یاری بخشیده‌ای که او را برپای داشته‌ای تا علمِ راهنمای بندگانت شود و در بلاد تو چراغ فروزان هدایت گردد و در رشته پیمان او، به رشته پیمان خود پیوسته‌ای و او را وسیله خشنودی خود ساخته‌ای و اطاعت او را فریضه گردانیده‌ای و مردم را از سرکشی در برابر او برحذر داشته‌ای و فرمان داده‌ای به هرچه امر می‌کند، اطاعت کنند و از هرچه نهی می‌کند، باز ایستند و کسی بر او پیشی نگیرد و کسی از او واپس نماند و او نگهدار کسانی است که بدو پناه می‌برند و امان مؤمنان است و حلقه اعتصام ایشان است و جلال و جِلوه جهانیان است.  
اگرچه حُسن‌فروشان به جلوه آمده‌اند کسی به حسن و ملاحت به‌یار ما نرسد  
به‌حق‌صحبت دیرین که هیچ محرمِ راز به یار یک جهت حق‌گزار ما نرسد  
هزار نقش برآید ز کلک صنع یکی به دل‌پذیری نقش نگار ما نرسد  
هزار نقد به بازارِ کائنات‌آرند یکی به سکّۀ صاحب عیار ما نرسد

ص:123

##### الف) مغتنم شمردن فرصت حضور در سرزمین عشق

فرصت شمار صحبت کز این دو راه منزل چون بگذریم دیگر، نتوان به هم رسیدن  
زائر خانه خدا، باید از این فرصت به دست آمده و شرایط استجابت دعا استفاده کند و خودش را در میان صدها هزار دست و قلب و زبانی که به یاد خدا به حرکت و اهتزاز درآمده‌اند، بیندازد و از برکت این مکان شریف و زمان مقدّس و احترام زائران و مهمانان، به‌ویژه قافله‌سالار این کاروان، حضرت مهدی (عج) که همه ساله در موسم حج و موقف عرفات تشریف فرما هستند، بهره بگیرد و این بشارتی برای ما سیه‌رویان و گنه‌کاران است؛ زیرا در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:  
یَفْقِدُ النَّاسُ اِمامَهُمْ فَیَشْهَدُ المَوْسِمَ فَیَراهُمْ وَ لایَرَونَهُ.[(1)](" \l "p123i1)  
مردم امام خود را گم می‌کنند؛ او در موسم حج در بین مردم است و آنها را می‌بیند، ولی آنها او را نمی‌بینند.  
محمّد بن عثمان عمری از نوّاب خاصّ امام زمان (عج) ، دربارۀ حضور صاحب‌الامر (عج) در عرفات چنین می‌گوید:  
وَاللهِ اِنَّ صاحِبَ هذَا الاَمْرِ لَیَحْضُرُ المَوسِمَ کُلَّ سَنَةٍ یَرَی النَّاسَ وَ یَعْرِفُهُمْ وَ یَرَوْنَهُ وَ لا یَعْرِفُونَهُ.[(2)](#p123i2)  
سوگند به خدا که صاحب الامر هر سال در موسم حاضر است، مردم را می‌بیند و می‌شناسد. مردم نیز او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.

1- کمال الدین، ص ٣۴۶.  
2- من لایحضره الفقیه، ج ٢، ص ۵٢٠.

ص:124

##### ب) حکایت‌هایی در مورد وصال به حضرت ولی‌عصر (عج)

###### یاری حجّاج به وسیله امام عصر (عج)

شخصی از اهل مدائن گوید: من با رفیقم به حجّ رفته بودیم. چون به موقف عَرفات رسیدیم، جوانی را دیدیم نشسته و لُنگ و روپوشی در بَر کرده و نعلین زردی در پا دارد. لُنگ و روپوش او به نظر من ١۵٠ دینار ارزش داشت و علامت و اثر سفر در او نبود. گدایی نزد ما آمد، او را رد کردیم. سپس نزد آن جوان رفت و سؤال کرد، جوان چیزی از زمین برداشت و به او داد. گدا او را دعا کرد و زیاد و جدی هم دعا کرد. سپس جوان برخاست و از نظر ما پنهان شد. ما نزد آن سائل رفتیم و به او گفتیم: «عجبا! به تو چه عطا کرد؟» گفت: «او به ما ریگ طلای دندانه‌داری نشان داد که قریب بیست مثقال بود» . من به رفیقم گفتم: «مولای ما نزد ما بوده و ما ندانستیم و آن‌گاه به جُست‌وجویش برخاستیم و تمام موقف را گردش کردیم و او را به دست نیاوردیم» . سپس از جمعیتی که اطرافش بودند از اهل مکه و مدینه، راجع به او پرسیدیم، گفتند: «جوانی است علوی که هر سال پیاده به حجّ می‌آید» .[(1)](" \l "p124i1)  
بدین ترتیب، از ظهور معجزه به دست آن حضرت که سنگ را طلا کرد، دریافتند که او، امام عصر (عج) است. ولی پیداست که دلالت این روایت بر دیدن آن حضرت چندان روشن نیست.

1- اصول کافی، ج٢، ص١٢۵.

ص:125

###### ای دل! اگر عاشقی، در طلب یار باش

صاحب معالم، امام زمان (عج) را در عرفات زیارت کرد. صاحب درّالمنثور آورده است که از بعضی از استادان خود و غیر ایشان شنیدم که هرگاه شیخ حسن (صاحب معالم‌الاصول) از برای حج می‌رفت، به اصحاب خود می‌گفت: «از خدای عزّوجل امید دارم که به زیارت جمال بی‌کمال حضرت صاحب‌العصر و الزمان (عج) مشرّف شوم؛ زیرا آن حضرت هر سال به حجّ تشریف می‌آورد» .  
پس چون شیخ حسن در مناسک حج، وقوف عرفه را به‌جا آورد و خواست که در گوشه تنهایی، به فراغ خاطر، مشغول ادعیه عرفه شود، به اصحاب خود فرمود: «از خیمه بیرون روید و بر در خیمه نشسته، مشغول دعا باشید» .  
در این اثنا، شخصی داخل خیمه شد که شیخ حسن او را نمی‌شناخت و سلام گفت و نشست. شیخ حسن گوید: «از آمدن او، هیبت بر من غالب شد و مبهوت شدم و قدرت بر سخن گفتن نداشتم. پس او با من سخن گفت به کلامی که یاد ندارم. سپس برخاست و چون از خیمه بیرون رفت، چیزی که امید آن را داشتم، به خاطرم رسید. با عجله تمام برخاستم، پس او را ندیدم و از اصحاب خود پرسیدم. گفتند: ما کسی را ندیده‌ایم که داخل خیمه شما شده باشد» .[(1)](" \l "p125i1)

1- نجوم السّماء، فی تراجم العلماء، محمدعلی آزاد کشمیری، ص ٧.

ص:126  
بدین ترتیب، سرزمین عرفات، همچون مغناطیس و آهن‌ربا که آهن را به خود جذب می‌کند، عارفان و عاشقانِ یگانه معشوق عالم هستی را به سوی خود می‌کشاند و از همین روست که این سرزمین مقدس را سرزمین عشق نام نهادیم؛ سرزمینی که عشق مخلوق به خالق و عبد به معبود به زیبایی متجلی می‌شود.  
اَللّهمَّ عَجِّل لِوَلِیّکَ الْفَرَجَ وَ اجْعَلْنا مِنَ المُنْتَظِرِینَ لِظُهُورِهِ وَ اجْعَلْ خاتِمَةَ اَمْرِنا خَیراً وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطّاهِرِینَ.

ص:127

## کتابنامه

\* قرآن کریم  
\* نهج البلاغه  
١. احقاق الحق و ازهاق الباطل، القاضی السید نورالله الحسینی المرعشی التستری، تعلیقات: آیت‌الله العظمی السید شهاب‌الدّین الحسینی المرعشی النجفی، قم، منشورات مکتبة آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی، بی‌تا.  
٢. احکام القرآن (آیات الاحکام) ، محمد بن عبدالله اندلسی اشبیلی (ابن‌عربی) ، به کوشش: علی محمد بجاوی، بیروت دارالفکر، بی‌تا.  
٣. اخبار مکه، محمد بن احمد بن علی فاکهی مکّی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۴. ارشاد القلوب، حسن‌بن ابی‌الحسن محمد الدیلمی، مترجم: سید هدایت الله مسترحمی، تهران، کتابفروشی مصطفوی، ١٣٨٠ه. ق.  
۵. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ابوعبدالله محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید) ، بی‌جا، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) ، ١۴١٣ه. ق.

ص:128  
۶. التوحید، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، بی‌جا، انتشارات علمیه اسلامیه، بی‌تا.  
٧. اسرار العبادات و حقیقة الصلاة، محمد سعید بن محمد مفید (قاضی سعید قمی) ، بی‌جا، چاپ دانشگاه، بی‌تا.  
٨. أشهر المساجد فی الإسلام، سید عبدالمجید بکر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٩. اصول کافی، ثقة الاسلام ابی‌جعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، ترجمه و شرح: سیدجواد مصطفوی و سیدهاشم رسولی، بی‌جا، انتشارات علمیۀ اسلامیه، بی‌تا.  
١٠. اقبال الاعمال، سید رضی الدّین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، محقّق: جواد القیومی الاصفهانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٣۶٢ه. ش.  
١١. امالی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تهران، چاپ سنگی، ١٣١٣ه. ق.  
١٢. أمالی، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیّه، ١٣۴٩ه. ش.  
١٣. انوار التنزیل و اسرار التأویل، ابوسعید بیضاوی، بیروت، الاعلمی، ١۴١٠ه. ق.  
١۴. اوصاف الاشراف، محمّد بن محمّد نصیرالدّین طوسی، بازنویسی:  
سید محمّدرضا غیاثی کرمانی، قم، مؤسسّۀ انتشارات ظهور، ١٣٨۵ه. ش.  
١۵. بحارالانوار، محمّدباقر مجلسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی،١۴٠٣ه. ق.  
١۶. البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم حسینی بحرانی، قم، بعثت، ١۴١۵ه. ق.

ص:129  
١٧. البلدالأمین، ابراهیم بن علی بن الحسن کفعمی عاملی، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ١۴١٨ه. ق.  
١٨. بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال و منتهی الآمال، ملاّ علی علیاری تبریزی، بی‌جا، بی‌نا.  
١٩. تاج العروس، محب الدّین ابوالفیض السّید محمّد مرتضی الحسینی الواسطی الزّبیدی الحنفی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٢٠. تاریخ مدینة دمشق، ابوالقاسم علی بن حسین بن هبة الله بن عبدالله بن الحسینی دمشقی شافعی (ابن عساکر) ، تصنیف، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ١۴١۵ه. ق.  
٢١. تجلّی حکمت نظری عاشورا در نیایش عرفه، سید عبّاس اسلامی، قم، بوستان کتاب، ١٣٨٨ه. ش.  
٢٢. تحف العقول عن اخبار آل الرّسول، ابومحمّد الحسن بن علی بن الحسین ابن شعبه حرانی الحلبی، قم، مکتبة بصیرتی، ١٣٩۴ه. ق.  
٢٣. تذکرة الاولیاء، عطار نیشابوری، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات بهزاد، ١٣٧٣ه. ش.  
٢۴. تذکرة المتّقین، شیخ محمّد بهاری، قم، انتشارات نهاوندی، بی‌تا.  
٢۵. ترجمهدعای عرفه امام حسین (ع) ، ابوالحسن شعرانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٢۶. تفسیر البرهان القاطع، ابن فهد حلی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٢٧. تفسیر دعای سحر، روح الله موسوی خمینی، ترجمۀ: سید احمد فهری، قم، انتشارات دارالکتاب، بی‌تا.

ص:130  
٢٨. تفسیر سورۀ مبارکۀ حمد، روح الله موسوی خمینی، بی‌جا، انتشارات وحدت، بی‌تا.  
٢٩. تفسیر قرطبی، محمد بن احمد الانصاری القرطبی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٣٠. تفسیر کبیر، فخر رازی، ترجمه: علی‌اصغر حلبی، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات اساطیر، ١٣٨١ه. ش.  
٣١. تفسیر کشف الاسرار، ابوالفضل رشیدالدین میبدی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٣٢. مفاتیح الغیب، فخر رازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٣٣. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.  
٣۴. تنبیه الغافلین (آیات نازله در شأن ائمة الطاهرین) ، مرتضی علم الهدی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٣۵. تهذیب الاحکام، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سیّد حسن خراسانی، تصحیح: شیخ محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیّه، ١٣۶۵ه. ش.  
٣۶. توحید مفضّل (یا شگفتی‌های آفرینش از زبان امام صادق (ع)) ، مفضّل بن عمر، ترجمه و نگارش: نجفعلی میرزایی، قم، انتشارات هجرت، ١٣٧۵ه. ش.  
٣٧. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ص:131  
٣٨. جامع السعادات، مهدی بن ابی‌ذر نراقی، مترجم: سیدجلال الدین مجتبوی، بی‌جا، حکمت، ١٣٨۶ه. ش.  
٣٩. الجعفریات (الاشعثیات) ، ابوعلی محمد بن اشعث کوفی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۴٠. حج در اندیشه اسلامی، سیدعلی قاضی عسکر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۴١. الحج و العمرة فی الکتاب و السنة، محمد محمدی ری‌شهری، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ١٣٧۶ه. ش.  
۴٢. الحقائق، محمّد بن مرتضی مولی محسن فیض کاشانی، ترجمه و شرح: محمدباقر ساعدی خراسانی، انتشارات علمیه اسلامیه، بی‌تا.  
۴٣. الخرائج و الجرایح، قطب الدین راوندی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۴۴. الخصال، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، تهران، مکتبة صدوق، ١٣٨٩ه. ق.  
۴۵. خلاصه معراج السعاده یا مقامات العلیه، حاج شیخ عباس قمی، بی‌جا، راه علم، ١٣٨۵ه. ش.  
۴۶. دیوان اشعار حافظ، خواجه شمس‌الدین محمّد حافظ شیرازی، تهران، جاویدان، ١٣۶٨ه. ش.  
۴٧. دارالسّلام فیما یتعلَّق بالرؤیا و المَنام، حسین بن محمّدتقی نوری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۴٨. داستان عارفان، کاظم مقدم، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۴٩. الدرّ المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدّین سیوطی، بیروت، دارالفکر، ١۴٠٣ه. ق.

ص:132  
۵٠. دعائم الاسلام، نعمان بن محمّد نعیمی مغربی، مصر، دارالمعارف، بی‌تا.  
۵١. دعای عرفه ترجمۀ تصویری، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۵٢. دیوان اشعار، صائب تبریزی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۵٣. دیوان اشعار، فروغی بسطامی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۵۴. دیوان اشعار، مجذوب (مجذوب تبریزی) ، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۵۵. دیوان اشعار، محمد شمس الدین بافقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۵۶. دیوان اشعار، ناصرخسرو علوی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۵٧. دیوان اشعار، نظامی گنجوی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۵٨. دیوان اشعار، وحشی بافقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۵٩. ربیع الأبرار، محمود بن عمر زمخشری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۶٠. الرسالة العلیة فی احادیث النبویة، کمال الدین حسین کاشفی سبزواری، به کوشش: محدث ارموی، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات علمی و فرهنگی، ١٣۶٢ه. ش.  
۶١. رنگارنگ، علی اکبر عماد، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۶٢. روزبهان نامه، محمدتقی دانش پژوه، بی‌جا، انجمن آثار ملی، ١٣۴٨ه. ش.  
۶٣. ریاحین الشریعة، ذبیح الله محلاتی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۶۴. سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار، حاج شیخ عبّاس قُمّی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ص:133  
۶۵. السنن الکبری (سنن بیهقی) ، احمد بن حسین بیهقی، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.  
۶۶. السنن الکبری، ابن شعیب النسائی، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البنداری، سید کسروی حسن، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١۴١١ه. ق.  
۶٧. السیرة النبویه، ابومحمد عبدالملک بن هشام، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.  
۶٨. شرح حال شاعران ایران، سیداحمد حسینی کازرونی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
۶٩. شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٧٠. شرح نهج البلاغه، ابوالقاسم خویی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٧١. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، تحقیق: محمّد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه، ١٣٨٧ه. ق.  
٧٢. شفاء الغرام، تقی الدین حسنی فاسی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٧٣. صحیح البخاری، محمدبن اسماعیل بُخاری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٧۴. صحیفۀ مبارکۀ سجّادیه، ترجمه: فیض‌الاسلام، تهران، ١٣٧۵ه. ق.  
٧۵. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٧۶. طاقدیس، ملااحمد نراقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٧٧. طبیب دل‌ها، صادق حسن‌زاده، بی‌جا، انتشارات آل علی (ع) ، ١٣٨١ه. ش.  
٧٨. العبقری الحسان، شیخ علی نهاوندی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٧٩. علل الشرایع، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، نجف اشرف، مکتبة حیدریّه، ١٣٨۶ه. ق.

ص:134  
٨٠. الغدیر فی الکتاب و السُنَّة و الأدب، شیخ عبدالحسین امینی، بیروت، دارالکتاب العربی، ١٣٩٧ه. ق.  
٨١. الغیبه، ابی‌عبدالله محمّد بن ابراهیم النعمانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٨٢. الفتوحات المکیه، محیی‌الدّین ابی‌عبدالله محمّد بن علی (ابن‌عربی) ، بیروت، دارصادر.  
٨٣. فرهنگ عمید، حسن عمید، بی‌جا، سازمان انتشارات جاویدان، بی‌تا.  
٨۴. فروع الکافی، ثقة الاسلام ابی‌جعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٨۵. فروغ خاور، بودا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٨۶. کتاب الصیام شهر رمضان المبارک، علی کریمی جهرمی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٨٧. کرامات صالحین، محمدشریف رازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٨٨. کشف الاسرار و عدة الابرار، رشید الدین میبدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ١٣۶١ه. ش.  
٨٩. کشکول ناصری، ناصر کرباسیان، بی‌جا، برهان، ١٣٨٩ه. ش.  
٩٠. کلیات دیوان شمس تبریزی، محمّد بن محمّد بن الحسین البلخی (جلال‌الدّین مولوی) ، مقدّمه: بدیع الزّمان فروزان‌فر، تصحیح و حواشی: م‌درویش، تهران، سازمان انتشارات جاویدان علمی، ١٣۴۶ه. ش.  
٩١. کمال الدین، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ص:135  
٩٢. کنز العمّال فی سنن الأقوال و الأفعال، علاءالدین علی بن عبدالملک (متقی هندی) ، نزیل مکّة المشرّفة، چاپ اوّل، حیدرآباد، ١٣١٣ه. ق.  
٩٣. الکنی و الالقاب، حاج شیخ عباس قمی، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ١٣٨٣ه. ش.  
٩۴. گزیدۀ برکات حضرت ولی عصر (عج) ، سیدجواد معلم، چاپ دوم، بی‌جا، تک‌سوار حجاز، بی‌تا.  
٩۵. گناهان کبیره، سید عبدالحسین دستغیب، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٩۶. لسان العرب، محمّد بن مکرم بن منظوم، بیروت، بی‌نا، بی‌تا.  
٩٧. لطائف الاشارات، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
٩٨. لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر: محمد معین و جعفر شهیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٧٣ه. ش.  
٩٩. مثنوی گلشن راز، شیخ محمود شبستری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١٠٠. مثنوی معنوی، محمّد بن محمّد بن الحسین البلخی (جلال‌الدّین مولوی) ، به سعی و اهتمام و تصحیح: رینولد الّین نیکُلْسون از روی نسخه طبع ١٩٢۵-١٩٣٣م.  
١٠١. مجلۀ میقات حج، جمعی از نویسندگان، شماره ١٠.  
١٠٢. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسن الطبرسی، تحقیق: لُجْنة من العلماء بیروت، مؤسّسة الاعلمی، ١۴١۵ه. ق.  
١٠٣. المحاسن، شیخ ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی برقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ص:136  
١٠۴. المَحجّة البَیضاء فی تهذیب الأحیاء، محمّد بن مرتضی مولی محسن فیض کاشانی، تحقیق و تعلیقه: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، بی‌جا، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.  
١٠۵. مرآة الحرمین، ایوب صبری پاشا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١٠۶. المراجعات، سید شرف‌الدّین موسوی عاملی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١٠٧. المراقبات فی أعمال السنة، میرزا جوادآقا ملکی تبریزی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١٠٨. مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، زین الدین بن علی العاملی الجبعی (شهید ثانی) ، قم، مکتبة البصیرتی، بی‌تا.  
١٠٩. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمّدتقی نوری، بیروت، تحقیق: مؤسسۀ آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحیاء التراث، چاپ دوّم، ١۴٠٨ه. ق.  
١١٠. مسند احمدبن حنبل، احمد بن حنبل، چاپ اول، بیروت، المکتب الاسلامی، بی‌تا.  
١١١. مسند، ابویعلی الموصلی، تحقیق: حسین سلیم اسد، چاپ دوم، بیروت، دمشق، دارالمأمون للتراث، ١١٠۴ه. ق.  
١١٢. مصابیح القلوب، ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری، تصحیح: دکتر محمد سپهری، چاپ اول، بی‌جا، مرکز نشر میراث مکتوب، ١٣٨٣ه. ش.  
١١٣. مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، امام صادق (ع) ، ترجمه و شرح: حسن مصطفوی، بی‌جا، انجمن اسلامی حکمت و فلسفۀ ایران، ١٣۶٠ه. ش.  
١١۴. مصباح الهدایة إلی الخلافة و الولایة، روح الله موسوی خمینی، تهران، پیام آزادی، بی‌تا.

ص:137  
١١۵. معارف و معاریف، مصطفی حسینی دشتی، قم، دانش، ١٣٧۶ه. ش.  
١١۶. معالم مکة التاریخیة و الأثریه، عاتق بن غیث بلادی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١١٧. معانی الاخبار، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١١٨. معجم البلدان، یاقوت بن عبدالله حموی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١١٩. معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلادی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١٢٠. معراج‌السّعاده، ملااحمد نراقی، بی‌جا، انتشارات علمیه اسلامیه، بی‌تا.  
١٢١. المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق: مارسدن جونس، چاپ سوم، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ١۴٠٩ه. ق.  
١٢٢. مفاتیح‌الجنان، حاج شیخ عبّاس قُمّی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١٢٣. مکارم الاخلاق، رضی الدین طبرسی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١٢۴. ملاقات با امام زمان (عج) ، ابوالفضل سبزی، بی‌جا، انتشارات عصر رهایی، بی‌تا.  
١٢۵. من لا یحضره الفقیه، ابی‌جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) ، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، منشورات جامعة المدرّسین، بی‌تا.  
١٢۶. المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیرة، ابراهیم بن اسحاق حربی، ریاض، چاپ حمد جاسر، ١۴٠١ه. ق.  
١٢٧. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، لطف الله صافی گلپایگانی، چاپ سوم، طهران، بی‌جا، مکتبة الصّدر، بی‌تا.

ص:138  
١٢٨. منتهی‌الآمال، حاج شیخ عبّاس قمّی، چاپ ششم، قم، انتشارات هجرت، ١٣٧١ه. ش.  
١٢٩. المنجد فی اللغة و الاعلام، الاب لویس معلوف الیسوعی (قسمت لغات) و الاب فردینان توتل الیسوعی (قسمت اعلام) ، چاپ بیست و سوم، بیروت، دارالمشرق، بی‌تا.  
١٣٠. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١٣١. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمّدحسین طباطبایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ١٣٩٣ه. ق.  
١٣٢. نجم الثاقب، حسین بن محمد تقی طبرسی نوری، بی‌جا، سازمان انتشارات جاویدان، بی‌تا.  
١٣٣. نجوم السماء فی تراجم العلماء (شرح حال علمای شیعه قرن‌های یازدهم و دوزادهم و سیزدهم ه. ق) ، آزاد کشمیری، محمدعلی بن محمدصادق، مصحح: میرهاشم محدث، بی‌جا، امیرکبیر، ١٣٨٧ه. ش.  
١٣۴. نیایش امام حسین (ع) در عرفات، محمدتقی جعفری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١٣۵. نیایش در عرفات، لطف الله صافی گلپایگانی، قم، انتشارات حضرت معصومه٣، بی‌تا.  
١٣۶. نیایش، الکسیس کارل، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.  
١٣٧. الوافی، محمّد بن مرتضی مولی محسن فیض کاشانی، تصحیح و تحقیق: ضیاء الدّین علامه، اصفهان، مکتبة امیرالمؤمنین، ١۴١٢ه. ق.

ص:139  
١٣٨. وسائل الشیعة، محمّد بن حسن عاملی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٣۶۶ه. ش.  
١٣٩. وصیت‌نامۀ الهی سیاسی، روح الله موسوی خمینی، بی‌جا، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.  
١۴٠. یوم الخلاص، کامل سلیمان کتّان، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.